جامعه‌شناسی — درس ۶

۲۸۵۴. **گزینهٔ ۲** دورهٔ سوم فرهنگ غرب: رنسانس. / دورهٔ اول فرهنگ غرب: یونان و رم باستان. / دورهٔ دوم فرهنگ غرب: قرون وسطی.

۲۸۵۵. **گزینهٔ ۴** الف: بخش اول آن درست است؛ ولی بخش دوم نادرست است؛ زیرا فرهنگ قرون وسطی، فرهنگ دینی مسیحیت است. / ب: «حقوق» بخش نادرست این عبارت است. / پ: دورهٔ رنسانس، دورهٔ بازگشت به فرهنگ اساطیری است نه پیش از اساطیر

۲۸۵۶. **گزینهٔ ۳** «الف» و «ب» درست هستند؛ ولی «پ» نادرست است؛ چراکه باید می‌گفت علوم تجربی سکولار.

۲۸۵۷. **گزینهٔ ۳** عقاید و ارزش‌های بنیادین غرب آثار خود از طریق هنر، دین و فلسفه‌های جدید به‌تدریج در عرصه‌های علم و فناوری، صنعت، اقتصاد و سیاست آشکار کرد.

۲۸۵۸. **گزینهٔ ۳** توجه داشته باشید که لیبرالیسم مباح‌دانستن همهٔ امور در قیاس با خواست انسان است، نه فقط امور معنوی که در گزینه‌های «۱» و «۲» ذکر شده است. لیبرالیسم به‌معنای مبدأبودن انسان برای همهٔ ارزش‌هایی است که به خواست او شکل می‌گیرد، نه فقط ارزش‌های مادی یا معنوی.

۲۸۵۹. **گزینهٔ ۱** نظام سیاسی که متناسب با ارزش‌ها و باورهای بنیادین غرب شکل گرفت، یک نظام سیاسی کاملاً سکولار بود؛ پس گزینه‌های «۱» و «۳» می‌توانند درست باشند. اصلاح‌گران دینی با تفاسیر پروتستانی از دین در گسترش فرهنگ سکولار در فرهنگ عمومی غرب نقش داشتند؛ بنابراین گزینهٔ «۳» رد می‌شود.

۲۸۶۰. **گزینهٔ ۳** آناباپتیست‌ها، پروتستان‌هایی بودند که رویکرد معنوی داشتند، مخالف دنیاگروی بودند و مورد هجوم کاتولیک‌ها و پروتستان‌هایی قرار گرفتند که رویکرد معنوی نداشتند.

۲۸۶۱. **گزینهٔ ۳** ژان کالون و مارتین لوتر از اصلاح‌گران دینی بودند که با تفاسیر پروتستانی از دین، در گسترش فرهنگ سکولار در فرهنگ عمومی غرب نقش داشتند.

۲۸۶۲. **گزینهٔ ۲** درصورتی‌که تغییرات از لایه‌های سطحی یک فرهنگ به لایه‌های عمیق و بنیادین آن برسد: آن فرهنگ دچار تغییرات هویتی می‌شود. مثال: تبدیل فرهنگ دینی به فرهنگ دنیوی.

۲۸۶۳. **گزینهٔ ۳** سؤال دو قسمت دارد، که قسمت اول آن باید نادرست باشد و قسمت دوم آن، درست. حال با این اوصاف، تک‌تک گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم: گزینهٔ «۱»: خواندید که اندیشهٔ سیاسی نوین غرب به انسان اصالت می‌دهد و خواست و ارادهٔ انسان را مبدأ قانون‌گذاری می‌داند؛ بنابراین آرمان‌شهر خود را بر مبنای حقوق طبیعی و خواسته‌های انسانی تنظیم می‌کند. در این گزینه هر دو قسمت درست هستند. / گزینهٔ «۲»: در این گزینه نیز هر دو قسمت به‌درستی آمده‌اند. / گزینهٔ «۳»: قسمت اول نادرست است؛ زیرا «لیبرالیسم» اندیشهٔ سیاسی جدیدی بود که از این رهگذر شکل گرفت، نه اومانیسم. قسمت دوم این گزینه درست است؛ بنابراین پاسخ تست مشخص شد. / گزینهٔ «۴»: قسمت اول درست است؛ اما قسمت دوم آن نادرست است؛ زیرا باید گفته شود در رویکرد جدید، علوم تجربی در بین علوم مختلف، بیشترین اهمیت را پیدا کرد و فناوری و صنعت رهاورد آن بود.

۲۸۶۴. **گزینهٔ ۴** این سؤال یک سؤال ترکیبی از دروس پایهٔ یازدهم می‌باشد. برای پاسخ به این سؤال ابتدا سه قسمت تمام گزینه‌ها را بررسی کرده و سپس پاسخ را پیدا می کنیم: گزینهٔ «۱»: فرهنگ دینی مسیحیت مربوط به قرون وسطی است. فرعونیت آشکار، از کتاب جدید حذف شده؛ اما مربوط به بخش ویژگی انسان مدرن است. فرهنگ غیرتوحیدی: انسان موجودی صرفاً این‌جهانی است و اجازهٔ تصرف در دیگر موجودات را دارد. / گزینهٔ «۲»: اعتقاد به خدایان متکثر مربوط به فرهنگ اساطیری یونان و روم باستان است. سکولاریسم پنهان به‌معنای رویکرد گزینشی به ابعاد معنوی انسان در خدمت اهداف دنیوی است. فرهنگ اومانیسم نیز به‌معنای اصالت انسان دنیوی و این‌جهانی است. / گزینهٔ «۳»: در قرون وسطی استفاده از مفاهیم معنوی و توحیدی در ظاهر و دنبال کردن سکولاریسم و دنیاگرایی در عمل وجود داشت. پیامد غلبهٔ جهان‌بینی سکولاریستی، توجیه دنیوی رفتارها و هنجارهای دینی توسط دین‌داران بود. رویکردهای تقدیرگرایانه نیز مربوط به فرهنگ‌های جبرگرا و غیر مسئول هستند. / گزینهٔ «۴»: فرهنگ اساطیری مربوط به یونان و روم باستان است. پیامد فرهنگی که به موجودات متکثر محدود می‌شود، عدم مسئولیت انسان در برابر تدبیر معنوی این جهان است. و پیامد عدم عقلانیت فرهنگ نیز دچارشدن به نسبیت فرهنگی می‌باشد.

۲۸۶۵. **گزینهٔ ۱** قسمت اول: دولت‌های سکولار غربی با تبلیغ مسیحیت برای گسترش جهانی قدرت خود، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را دچار اختلال می‌کردند و از طریق سازمان‌های فراماسونری بر نخبگان سیاسی آن جوامع تأثیر می‌گذاشتند. / قسمت دوم: پیامد عدم عقلانیت فرهنگ، دچارشدن به نسبیت فرهنگی می‌باشد. / قسمت سوم: فرهنگ دینی مسیحیت مربوط به قرون وسطی است.

جامعه‌شناسی — درس ۷

۲۸۶۶. **گزینهٔ ۳** تقسیم جامعهٔ جهانی به کشورهای مرکزی و پیرامونی موجب ایجاد وابستگی و ایجاد زمینهٔ ستیز و چالش بین کشورهای مرکزی و پیرامونی می‌شود. دقت کنید که «همبستگی» به‌معنای «وابستگی» نیست.

۲۸۶۷. **گزینهٔ ۳** جملهٔ «الف» و «ب» نادرست هستند، به این دلیل که فعل جملات باید مثبت بشود نه منفی. جملهٔ «پ» درست است.

۲۸۶۸. **گزینهٔ ۱** درصورتی‌که سرنوشت تعاملات فرهنگی تابع روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورهای مختلف نباشد، کشور مغلوبی که از ظرفیت فرهنگی برتری نسبت به کشور مهاجم برخوردار باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم و جذب کند.

۲۸۶۹. **گزینهٔ ۴** گزینهٔ «۴» برعکسش درست است: کشور مغلوبی که از ظرفیت فرهنگی برتری نسبت به کشور مهاجم برخوردار باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم و جذب کند.

۲۸۷۰. **گزینهٔ ۱** زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال‌ها و اربابان بزرگ شد که این‌ها از عوامل شکل‌گیری انقلاب فرانسه است نه نتایج آن؛ بنابراین گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» در مورد نتایج انقلاب فرانسه، نادرست هستند.

۲۸۷۱. **گزینهٔ ۱** به میزانی که فرهنگ غالب جهانی از ویژگی‌های مطلوب فرهنگی (عام و جهان‌شمول که در درس دوم خواندیم) برخوردار باشد، نظام جهانی از انسجام بیش‌تری برخوردار خواهد بود. اگر فرهنگ یا فرهنگ‌های غالب و تأثیرگذار فاقد ویژگی‌های مطلوب باشند، نظام جهانی با چالش‌ها و تضادهای درونی مواجه می‌شود.

۲۸۷۲. **گزینهٔ ۳** این‌گونه کشورها تحت شرایط نیمه‌استعماری و از طریق نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعهٔ جهانی جدید ادغام شدند.

۲۸۷۳. **گزینهٔ ۴** ایران و امپراتوری عثمانی، هر دو تحت شرایط نیمه‌استعماری و از قرن نوزدهم در جامعهٔ جهانی جدید ادغام شدند.

۲۸۷۴. **گزینهٔ ۲** تصویر در ارتباط با مبلغان مسیحی است. گزینهٔ «۲» نادرست است؛ به این دلیل که: کشورهای غربی هیچ انگیزهٔ دینی نداشتند، چراکه دولت‌هایی سکولار بودند.

۲۸۷۵. **گزینهٔ ۲** این سؤال، یک سؤال ترکیبی از دروس ۳ و ۷ کتاب یازدهم است. قسمت اول: هنگامی که یک فرهنگ در سطح جهانی غالب باشد، به میزانی که آن فرهنگ، ویژگی‌های مطلوب فرهنگ جهانی (۶ ویژگی که در درس دوم خواندید) را داشته باشد، جامعهٔ جهانی از «انسجام» برخوردار خواهد بود. / قسمت دوم: در درس سوم خواندید که اروپاییان در هجوم به قارهٔ آمریکا برای «تأمین سلطهٔ خود» به نسل‌کشی دست زدند و اقداماتی از قبیل: ۱. نابودی پانزده میلیون سرخ‌پوست و ۲. خالی کردن جمعیت هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و ... را صورت دادند. / قسمت سوم: مسلمانان آسیای جنوب شرقی از طریق «تجارت» با فرهنگ اسلامی آشنا شدند و به آن روی آوردند.

۲۸۷۶. **گزینهٔ ۱** این سؤال نیز مانند سؤال قبل است با کمی تغییر. قسمت اول: فقط در گزینهٔ «۱» درست است و شما با دانستن این کلیدواژه به‌راحتی می‌توانید به تست پاسخ دهید. / قسمت دوم: مانند سؤال قبل است و این نسل‌کشی‌ها و خالی کردن مناطق از جمعیت در نتیجهٔ تأمین سلطهٔ اروپاییان صورت گرفت. / قسمت سوم: در همین درس خواندید که در دورهٔ رنسانس، فرهنگ غرب برای بسط و گسترش ابعاد دنیوی خود (هدف)، به‌سوی حذف پوشش دینی گام برداشت (عملکرد) و به تفسیر غیرتوحیدی فرهنگ یونان و روم باستان بازگشت (نتیجه).

۲۸۷۷. **گزینهٔ ۳** این سؤال، یک سؤال ترکیبی از کتاب‌های پایهٔ دهم و یازدهم است. قسمت اول: کهولت و مرگ جهان اقتصادی هنگامی رخ می‌دهد که: ۱. جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه می‌شود. ۲. با وجود به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخ‌گویی به نیازهای جسمانی و طبیعی یا فطری و معنوی انسان‌ها باز می‌ماند. (درس ۱۱ پایهٔ دهم، رد گزینه‌های «۱» و «۲») / قسمت دوم: دقت کنید که در مورد عامل ایجادکنندهٔ فرصت ظهور پادشاهان و قدرت‌های محلی در مقابل کلیسا، فقط می‌توانیم از «فروریختن اقتدار کلیسا» نام ببریم. فتح قسطنطنیه (گزینهٔ «۱»)، جنگ‌های صلیبی (گزینهٔ «۲») و مواجههٔ اروپاییان با مسلمانان، خود از عوامل فروپاشی اقتدار کلیسا بودند. / قسمت سوم: تشکیل سازمان‌های فراماسونری توسط دولت‌های سکولار غربی، بر جوامع غیرغربی با هدف تأثیرگذاری بر نخبگان سیاسی آن جوامع صورت می‌گرفت.

۲۸۷۸. **گزینهٔ ۲** شکل‌گیری نظام نوین جهانی: «در سده‌های ۱۷ تا ۲۰» + «شکل‌گیری اقتصاد گسترده مبتنی بر تقسیم کار جهانی» + «جوامع غربی: مرکز» + «جوامع دیگر: پیرامون»

جامعه‌شناسی — درس ۸

۲۸۷۹. **گزینهٔ ۱** الف: نادرست است؛ زیرا به‌جای واژهٔ «دولت» باید «کشور» بیاید. / ب: نادرست است؛ زیرا بُعد اجتماعی نداریم و نباید در کنار ابعاد دیگر می‌آمد.

۲۸۸۰. **گزینهٔ ۱** اقتصاد کشورهای غیرغربی پیش از استعمار، اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود و به‌گونه‌ای مستقل عمل می‌کرد.

۲۸۸۱. **گزینهٔ ۳** به این موضوع در درسنامه اشاره شده است. رضاخان با اسکان‌دادن عشایر در شهرها و روستاها (تخته‌قاپو کردن ایلات) بر دامداری تأثیر گذاشت و محمدرضا پهلوی با انقلاب سفید و اصلاحات ارضی به کشاورزی صدمه زد.

۲۸۸۲. **گزینهٔ ۲** ابزار نوینی که به جهان غرب در مدیریت انتقال فرهنگ خود به کشورهای غیرغربی یاری می‌رساند: صنعت ارتباطات و نتیجهٔ آن: تبدیل‌شدن جهان به دهکده‌ای واحد.

۲۸۸۳. **گزینهٔ ۲** برداشتن موانع بر سر راه تجارت بین‌المللی از طریق: سازمان‌های بین‌المللی. / شناسایی و مدیریت تغییرات اقتصادی در سطح جهانی، از طریق: شبکه‌های عظیم اطلاعاتی. / مخدوش‌ساختن استقلال کشورهای مختلف و سیاست‌های ملی، توسط: سازمان‌های بین‌المللی.

۲۸۸۴. **گزینهٔ ۴** بی‌شک پاسخ صورت تست باید گزینه‌ای باشد که استقلال کشورهای دیگر مخدوش شود، در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۲» که صحبت از کمک‌کردن به استقلال می‌کند، نادرست هستند. گزینهٔ «۳» نیز نادرست است؛ زیرا نهادهای بین‌المللی خود را محدود به بازار منطقه‌ای نمی‌کنند.

۲۸۸۵. **گزینهٔ ۳** مدیریت فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی در سطح وسیع، از طریق: رسانه‌ها / تربیت نخبگان کشورهای غیرغربی توسط جهان غرب، بیشتر از طریق: تثبیت مرجعیت علمی غرب و توزیع هدفمند علوم طبیعی و انسانی.

۲۸۸۶. **گزینهٔ ۲** منظور از توزیع هدفمند علوم انسانی: آموزش علوم انسانی با بنیان‌های سکولار. / منظور از توزیع هدفمند علوم طبیعی: آموزش بخشی از علوم طبیعی که مورد نیاز برای خدمات‌رسانی به غرب است و عدم آموزش بخشی که نقش راهبردی دارد.

۲۸۸۷. **گزینهٔ ۲** پیش از استعمار، اقتصاد کشورهای غیرغربی، اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود و به‌گونه‌ای مستقل بود. روابط تجاری نیز در حدی نبود که استقلال سیاسی آن کشورها را در معرض خطر قرار دهد؛ اما در دوران استعمار، اقتصاد کشورهای استعمارشده و تحت نفوذ، برای رفع نیازهای اقتصادی کشورهای غربی، به‌تدریج تغییر یافت و ویژگی‌های خاصی پیدا کرد. قسمت اول گزینه‌های «۱» و «۴» به ویژگی‌های نظام اقتصادی در دوران استعمار اشاره دارد. قسمت اول گزینه‌های «۲» و «۳» درست است. قسمت دوم گزینه‌های «۱» و «۲» درست است. قسمت دوم گزینهٔ «۳» نادرست است؛ زیرا با رشد و تحول کشورهای استعمارزده، فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیرغربی، همچنان حفظ می‌شود. قسمت دوم گزینهٔ «۴» نیز نادرست است؛ زیرا اقتصاد وابسته، دولت‌های مستقل را ناگزیر از قرارگرفتن در چرخهٔ نامتعادل جهانی توزیع ثروت می‌کرد.

۲۸۸۸. **گزینهٔ ۳** «هدف از حذف پوشش دینی در رنسانس»: بسط ابعاد دنیوی و این‌جهانی خود بود. (درس ۶) / «رفتار متناسب با منافع آیندگان بیان‌کنندهٔ»: کنش اجتماعی است. (درس ۲ پایهٔ دهم) / جنبش عدم‌تعهد در برابر سیاست جهانی‌سازی اقتصادی قدرت‌های برتر اروپایی و آمریکایی شکل گرفت. (درس ۸)

۲۸۸۹. **گزینهٔ ۱** ویژگی‌های دولت – ملت‌ها: ۱. حاکمیت سیاسی – اقتصادی جدید بودند (رد گزینهٔ «۳»). ۲. خود را با هویت دینی و معنوی نمی‌شناختند. ۳. کاملاً سکولار بودند. ۴. هویت آن‌ها اغلب ناسیونالیستی و قومی بود (رد گزینهٔ «۴»). ۵. در مسیر توسعهٔ خود به‌صورت قدرت‌های استعماری درآمدند (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). ۶. برای مناطق حضور خود، هویت‌های جدید قومی و سکولار ساختند (رد گزینهٔ «۲»).

۲۸۹۰. **گزینهٔ ۴** این سؤال، یک سؤال ترکیبی از کتاب‌های پایهٔ دهم و یازدهم است. قسمت اول (درس ۱ و ۲ پایهٔ دهم): خودِ گفتار، یک کنش اجتماعی است و از طرفی در تعریف کنش اجتماعی می‌گوییم: اگر آگاهی و توجه کنشگر معطوف به دیگری باشد، کنش او، یک کنش اجتماعی است؛ بنابراین توجه به گفتار طرف مقابل در گفت‌وگو هم یک کنش اجتماعی است؛ اما می‌توانیم این را هنجار اجتماعی نیز در نظر بگیریم؛ بنابراین تا اینجا دو گزینهٔ «۱» و «۳» را رد می‌کنیم. / قسمت دوم: در بخوانیم و بدانیم درس ۵ پایهٔ یازدهم، خواندید که ادبیات مدرن به‌جای توجه به سیروسلوک‌های معنوی، مکاشفات و مشاهدات الهی، حالات روانی آدمیان در زندگی این‌جهانی را منعکس می‌کند؛ بنابراین پاسخ تست مشخص می‌شود. / قسمت سوم: در همین درس خواندید که انتقال صنایع از طرف کشورهای غربی به کشورهای غیرغربی نه با هدف تعدیل جهانی ثروت و استقلال کشورهای استعمارزده؛ بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای غربی انجام می‌شود؛ بنابراین حتی با وجود رشد و تحول کشورهای استعمارزده، فاصله و وابستگی بین کشورهای غربی و غیرغربی، همچنان حفظ می‌شود.

۲۸۹۱. **گزینهٔ ۲** قسمت اول: در مطالعه کنید همین درس خواندید که پیمان‌هایی مثل: ۱. جنبش عدم تعهد ۲. اتحادیهٔ عرب ۳. سازمان کنفرانس اسلامی و ... با هدف مقاومت در برابر سیاست جهانی‌سازی اقتصادی قدرت‌های اروپایی و آمریکایی شکل گرفت. / قسمت دوم: دقت کنید که یک عوامل فروریختن اقتدار کلیسا داریم و یک نتیجه! عبارتی که در این قسمت مطرح شده از نتایج فروریختن اقتدار کلیسا است و عوامل آن عبارت‌اند از: ۱. جنگ‌های صلیبی ۲. مواجههٔ اروپاییان با مسلمانان و ۳. فتح قسطنطنیه / قسمت سوم: در درس یازدهم پایهٔ دهم خواندید که هنگامی که در یک جهان اجتماعی، بحران هویت پدید می‌آید راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود.

۲۸۹۲. **گزینهٔ ۲** کشورهای عضو بریکس خود را حامی کشورهای در حال رشد و ارتقادهندهٔ وضعیت آن‌ها و نیرویی برای حفظ صلح جهانی می‌دانند. از «سازمان همکاری شانگهای» با عنوان «ناتوی شرق» یاد می‌شود.

جامعه‌شناسی — درس ۹

۲۸۹۳. **گزینهٔ ۳** رویکرد کلیسا شامل: ۱. رویکرد نظری؛ ۲. رویکرد عملی. چالش جامعهٔ غرب در ارتباط با رویکرد کلیسا: قرارگرفتن رویکرد نظری و عملی در مقابل یکدیگر / حل این چالش از طریق: دست‌کشیدن از رویکرد معنوی و نفی رابطهٔ دین و دنیا. دقت داشته باشید که غرب، از حل این چالش از طریق اصلاح رفتار دنیوی اربابان کلیسا ناتوان بود.

۲۸۹۴. **گزینهٔ ۴** می‌دانید که لیبرالیسم اولیه، لیبرالیسم قرن هجدهم و نوزدهم است؛ پس گزینه‌های «۱» و «۳» را رد می‌کنیم. لیبرالیسم، بیشتر دارای رویکرد فردی و اقتصادی است. با این توضیح گزینهٔ «۲» را نیز می‌توان رد کرد. بخش سوم گزینه‌های «۱»، «۳ و «۴» در ارتباط با لیبرالیسم اولیه درست است؛ اما در بخش سوم گزینهٔ «۲»، به‌جای صفت «خاص» باید صفت «عام» به‌کار می‌رفت.

۲۸۹۵. **گزینهٔ ۳** مارکس و دیکنز از مخالفان لیبرالیسم اقتصادی بودند.

۲۸۹۶. **گزینهٔ ۳** چالش میان بلوک شرق و غرب: ۱. فرامنطقه‌ای بود؛ زیرا آمریکا و شوروی سابق از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز قرار داشتند؛ ۲. درون فرهنگی و درون تمدنی بود؛ زیرا چالش بین آن‌ها از نوع چالشی بود که درون یک فرهنگ و تمدن واحد پدید آمده بود و بلوک شرق و غرب از نظر فرهنگی به فرهنگ واحدی تعلق داشتند.

۲۸۹۷. **گزینهٔ ۱** چالش میان بلوک شرق و غرب درون فرهنگی و درون تمدنی بود؛ نه چالشی که هنگام تغییر یک فرهنگ و تمدن پدید می‌آید؛ پس پاسخ گزینهٔ «۱» است.

۲۸۹۸. **گزینهٔ ۱** این سؤال یک سؤال ترکیبی از درس‌های ۶، ۸ و ۹ پایهٔ یازدهم می‌باشد. الف: در نظریهٔ امپراطوری رسانه‌ای، مرزهای جغرافیایی و سیاسی فرو می‌ریزد و توسعهٔ صنعت ارتباطات، فاصله‌های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده و به‌صورت یک دهکدهٔ واحد درآورده است. / ب: تقدس‌زدایی از جهان یا سکولاریسم یکی از ویژگی‌های جهان متجدد است. / پ: لیبرالیسم اولیه، روابط اجتماعی ارباب - رعیتی را درهم ریخت و در این شرایط اجتماعی، اندیشمندانی چون مالتوس معتقد به نفی حق حیات مستمندان بودند.

۲۸۹۹. **گزینهٔ ۳** الف: معنازدایی از جهان یکی از ویژگی‌های جهان متجدد است. / ب: آزادی فعالیت صاحبان سرمایه یا لیبرالیسم متقدم (لیبرالیسم اولیه) موجب درهم ریختن نظام ارباب - رعیتی شد و در این شرایط اجتماعی، اندیشمندانی چون مالتوس معتقد به نفی حق حیات مستمندان بودند. قسمت دوم گزینه‌های «۱» و «۳» درست است. / پ: با توسعهٔ سرمایه‌داری، شرایط اجتماعی به‌نحوی پیش رفت که نظریه‌پردازان زیادی از جمله مارکس به نقد لیبرالیسم اقتصادی پرداختند. قسمت سوم گزینه‌های «۱» و «۲» نادرست است.

۲۹۰۰. **گزینهٔ ۱** این سؤال یک سؤال کاملاً ترکیبی از دروس ۵ و ۱۱ پایهٔ دهم و درس ۹ پایهٔ یازدهم می‌باشد. الگو قراردادن کشورهای پیشرفته توسط جوامع عقب‌مانده، نگاه طولی به تاریخ را نشان می‌دهد. / شعار نظام‌های سوسیالیستی و مارکسیستی در انتقاد از «لیبرالیسم قرن هجدهم»، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت بود. بحران هویت نیز در جایی به‌وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.

جامعه‌شناسی — درس ۱۰

۲۹۰۱. **گزینهٔ ۱** جامعه‌ای که هرگونه ستیز ناشی از خون، نژاد و ... را از بین می‌برد، «امت» نام دارد و همهٔ بشر را بر مدار آرمانی حقیقی و اصیل جمع می‌کند.

۲۹۰۲. **گزینهٔ ۳** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: اگر قید «همواره» تبدیل شود به قید «اغلب»، درست خواهد بود. / گزینهٔ «۲»: در گذشته، جنگ‌ها، اغلب به‌منظور کشورگشایی انجام می‌شد و ریشهٔ ملی‌گرایانه نداشت. / گزینهٔ «۴»: افزودن ثروت از طریق به‌دست آوردن غنائم، از دلایل ایجاد جنگ‌ها در گذشته نبود.

۲۹۰۳. **گزینهٔ ۳** از مهم‌ترین عوامل وقوع دو جنگ جهانی، رقابت کشورهای اروپایی بر سر مناطق استعماری بود؛ زیرا به بازار مصرف و نیروی کار ارزان و به بیان هیتلر، به فضای تنفسی جدید نیاز داشتند.

۲۹۰۴. **گزینهٔ ۱** زمان شروع جنگ سرد: پس از جنگ جهانی دوم (پس از ۱۹۴۵ میلادی) / پایان جنگ سرد: زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی / دو طرف درگیر در جنگ سرد: بلوک شرق و غرب

۲۹۰۵. **گزینهٔ ۲** چالش اصلی جهان، چالش بین کشورهای غنی و فقیر است. اصطلاحاتی مثل «منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، «امپریالیسم اقتصادی و فرهنگی» و «شرق و غرب» به‌منظور اشاره به این چالش به‌کار نمی‌روند. با این توضیحات می‌توانید گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» را رد کنید.

۲۹۰۶. **گزینهٔ ۱** چالش بین کشورهای غنی و فقیر، چالش جهانی (فرامنطقه‌ای) و دائمی (مستمر) است.

۲۹۰۷. **گزینهٔ ۴** جنگ‌های اول و دوم جهانی منشأ دینی و پوشش مذهبی نداشت؛ پس گزینه‌های «۱» و «۲» را رد می‌کنیم. این دو جنگ با درگیری بین متفقین و متحدین آغاز نشد؛ زیرا متفقین و متحدین بعد از آغاز جنگ شکل گرفتند. با این توضیح گزینهٔ «۳» را نیز رد می‌کنیم.

۲۹۰۸. **گزینهٔ ۱** از دیدگاه هانتینگتون: منشأ اصلی درگیری‌ها در جهان: عامل فرهنگی / آخرین مرحلهٔ درگیری‌ها در جهان معاصر: جنگ تمدن‌ها / بزرگ‌ترین تهدید برای غرب: فرهنگ اسلامی.

۲۹۰۹. **گزینهٔ ۲** این اصطلاح اشاره دارد به اینکه کشورهای توسعه‌نیافته باید کشورهای توسعه‌یافته را الگوی خود قرار دهند و راه آن‌ها را ادامه دهند. گزینهٔ «۳» در ارتباط با اصطلاح مرکز و پیرامون مطرح می‌شود.

۲۹۱۰. **گزینهٔ ۴** قسمت اول: مرکز و پیرامون به این دلیل اطلاق شده است که: این کشورها به‌دلیل عملکرد کشورهای غنی در موقعیت ضعف قرار می‌گیرند. / قسمت دوم: تأمین‌کنندهٔ رفاه عمومی کارگران و اقشار ضعیف جوامع غربی: ثروت به‌دست آمده از کشورهای پیرامونی. / قسمت سوم: تسهیل‌کنندهٔ انتقال ثروت از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز: سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی.

۲۹۱۱. **گزینهٔ ۲** در جنگ جهانی اول، برای نخستین‌بار از سلاح‌های شیمیایی استفاده شد. / بلوک شرق و غرب در جریان جنگ سرد ایجاد شد. / بحران موشکی در کوبا رخ داد. / در جنگ جهانی دوم برای اولین‌بار از بمب اتم استفاده شد. / جنگ ویتنام، جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم نام گرفت. / هانتینگتن آخرین مرحلهٔ درگیری‌ها در جهان معاصر را جنگ تمدن‌ها نامید.

۲۹۱۲. **گزینهٔ ۳** قارهٔ افریقا از منابع و معادن ارزشمندی مانند نفت، الماس، طلا، اورانیوم، آهن، مس، نقره و ... برخوردار است؛ اما در نتیجهٔ استعمار، فقیرترین قارهٔ مسکونی دنیاست.

۲۹۱۳. **گزینهٔ ۲** برای پاسخ به سؤالات چند قسمتی، ابتدا از قسمتی که مطمئن هستید شروع کنید و با رد گزینه به‌راحتی می‌توانید پاسخ درست را تشخیص دهید. بیایید از قسمت سوم شروع کنیم. «فرهنگ اسلامی را بزرگ‌ترین تهدید غرب دانستن»: مربوط به نظریهٔ هانتینگتون و نظریهٔ جنگ تمدن‌هاست؛ بنابراین گزینه‌های «۳» و «۴» رد می‌شوند. برویم سراغ قسمت دوم. در نظریهٔ استعمار می‌گفتیم که دو اصطلاح «استعمارگر و استعمارزده» توسط کسانی به‌کار می‌رود که چالش و نزاع بین کشورهای غنی و فقیر را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند؛ بلکه به ابعاد فرهنگی نیز توجه دارند و از نظر آن‌ها، مشکل کشورهای فقیر، بیشتر خودباختگی فرهنگی آن‌هاست، نه فقط ضعف اقتصادی. با این تعریف، عبارت «بهار عربی» هم رد می‌شود و پاسخ تست مشخص خواهد شد. در قسمت اول هم خواندید که مارکس سعی می‌کرد در چارچوب بنیان‌های فرهنگ غرب، به حل چالش‌های آن بپردازد. (مارکس را با ماکس وبر اشتباه نگیرید!)

۲۹۱۴. **گزینهٔ ۴** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: قسمت اول: نادرست است، به‌جای واژهٔ «امپریالیسم» باید واژهٔ «ناسیونالیسم» قرار می‌گرفت. قسمت دوم: نادرست است، بعد از جنگ جهانی دوم صلحی پایدار برقرار «نشد». قسمت

سوم: درست است. / گزینهٔ «۲»: قسمت اول و سوم: درست است. قسمت دوم: نادرست است؛ زیرا در جنگ تمدن‌ها، رقابت نه بین دولت - ملت‌ها؛ بلکه بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ به‌وقوع خواهد پیوست. / گزینهٔ «۳»: قسمت اول: نادرست است؛ در جنگ جهانی اول برای نخستین‌بار از سلاح شیمیایی و در جنگ جهانی «دوم» از بمب اتم استفاده شد. قسمت‌های دوم و سوم: درست هستند.

جامعه‌شناسی — درس ۱۱

۲۹۱۵. گزینهٔ ۳ نخستین بحران اقتصادی غرب: سال ۱۸۲۰ میلادی (بعد از جنگ جهانی اول) در انگلستان / مهم‌ترین بحران اقتصادی غرب: بین جنگ‌های اول و دوم در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ میلادی رخ داد و زیان اقتصادی آن کمتر از زیان اقتصادی جنگ اول جهانی نبود.

۲۹۱۶. گزینهٔ ۳ بحران‌های اقتصادی در دوره‌های نخستین به کشورهای غربی محدود می‌شد و از عوامل داخلی آن‌ها اثر می‌پذیرفت. با این توضیح گزینه‌های «۲» و «۴» را رد می‌کنیم. بحران‌های اقتصادی در دوره‌های نخستین، بحران‌های منطقه‌ای (مربوط به کشورهای غربی) بودند؛ زیرا به کشورهای غربی محدود می‌شدند؛ پس گزینهٔ «۱» را نیز رد می‌کنیم.

۲۹۱۷. گزینهٔ ۳ انقلاب صنعتی، نقطهٔ عطف بشارت پیروزی انسان بر طبیعت بود. با این توضیح گزینه‌های «۲» و «۴» را می‌توانیم رد کنیم. دقت داشته باشید که مسائل و مشکلات تاریخی انسان پیش از قرن بیستم نیز وجود داشته؛ اما یکی از مسائل سرنوشت‌ساز قرن بیستم، مسئلهٔ طبیعت و محیط‌زیست است.

۲۹۱۸. گزینهٔ ۲ علت ایجاد بحران: هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل نظام را برهم بزنند و نظام نتواند با مهار آن تغییرات، تعادل مجدد خود را به‌دست بیاورد.

۲۹۱۹. گزینهٔ ۲ بحران اقتصادی، اغلب با مسئلهٔ فقر و غنا پیوند می‌خورد. با این توضیح می‌توانید گزینه‌های «۳» و «۴» را حذف کنید. در ادامه نیز متوجه این موضوع باشید که: حکومت به‌معنای سیاسی آن، نقش اصلی را در نظام سرمایه‌داری ندارد؛ بلکه نظام سرمایه‌داری براساس سود سرمایه‌داران تعریف شده است؛ پس گزینهٔ «۱» نیز نادرست است.

۲۹۲۰. گزینهٔ ۲ بحران‌های زیست‌محیطی با عدم توجه به تعامل میان سه جهان تکوینی، ذهنی و فرهنگی به‌وجود آمده که دیدگاه سوم این موضوع را مطرح کرده است. جزیرهٔ هندرسون در اقیانوس آرام معروف به جزیرهٔ پلاستیکی که مقصد پلاستیک‌های شناور است، آلوده‌ترین نقطهٔ جهان است.

۲۹۲۱. گزینهٔ ۱ «بحران بوپال» و «بحران ابیجان» دو بحران مهم زیست‌محیطی در قرن ۲۰ و ۲۱ هستند. نخستین بحران در غرب در سال ۱۸۲۰ و مهم‌ترین آن در سال‌های بین جنگ جهانی اول و دوم به‌وجود آمدند.

۲۹۲۲. گزینهٔ ۱ قسمت اول: آرمان اجتماعی، الزاماً تحقق وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ... نیست. (درس ۷ پایهٔ دهم) / قسمت دوم: در دامان کشورهای سوسیالیستی، طبقهٔ جدیدی شکل گرفت که نه براساس ثروت؛ بلکه بر مدار قدرت سازمان می‌یافت. (درس ۹) / قسمت سوم: درست است. (درس ۱۰) / قسمت چهارم: درست است. (درس ۱۲)

۲۹۲۳. گزینهٔ ۲ علت پیدایش جهان‌های مختلف: تنوع معرفت، اراده و اختیار انسان‌ها (درس ۵ پایهٔ دهم) / علل بیرونی تحولات فرهنگی: مواجهات و ارتباطات بین فرهنگی (درس ۱۱ پایهٔ دهم) / علت آشکارشدن پیامدهای جهانی بحران‌های منطقه‌ای: شکل‌گیری اقتصاد جهانی (درس ۱۱)

۲۹۲۴. گزینهٔ ۳ بسنده‌کردن به شناخت از راه عقل و تجربه: نتیجهٔ بحران معرفتی (درس ۵) / واردشدن آسیب به مجموعهٔ نظام اجتماعی: نتیجهٔ بحران اقتصادی (درس ۱۱) / انتقاد به ریشه‌های معرفتی فرهنگ مدرن: نتیجهٔ بحران زیست‌محیطی (درس ۱۱)

۲۹۲۵. گزینهٔ ۲ قسمت اول: در کتاب یازدهم، درس دوم، ویژگی‌های فرهنگ جهانی مطلوب را خواندید و یاد گرفتید که در مقابل برخی از فرهنگ‌ها، جبرگرا و غیرمسئول‌اند. یکی از ویژگی‌های این فرهنگ این بود که انسان‌ها، نمی‌توانند در تعیین سرنوشت خود، نقشی داشته باشند؛ در نتیجه در این فرهنگ، انسان نمی‌تواند آینده‌اش را براساس اراده و عمل خود بسازد. با همین قسمت اول پاسخ تست به‌راحتی مشخص می‌شود. / قسمت دوم: در درس ۵ کتاب یازدهم، خواندید که در فرهنگ معنوی و دینی، آبادی دنیا، هدف مستقلی نیست؛ بلکه خود وسیله‌ای است که در خدمت اهداف معنوی قرار می‌گیرد. این قسمت در گزینه‌های «۱» و «۲» درست است. / قسمت سوم: در همین درس خواندید که در نگاه فرهنگ مدرن که طبیعت مادهٔ خام و بی‌جان برای تصرف انسان تلقی می‌شود، انسان را به این گمان می‌رساند که با تسخیر طبیعت و تصرف آن می‌تواند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل کند (رد گزینهٔ «۱»). / قسمت چهارم: در بخوانیم و بدانیم درس دوم کتاب یازدهم خواندید که قبول تفاوت‌ها و محترم شمردن آن‌ها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد و از صلح جهانی دفاع می‌کند.

۲۹۲۶. گزینهٔ ۴ قسمت اول: براساس نظریهٔ مرکز و پیرامون، جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را با بهره‌کشی از کشورهای غیرغربی حل می‌کنند، به این صورت که با ثروت به‌دست آمده از کشورهای پیرامونی، رفاه کارگران و اقشار ضعیف خود (غربی) را تأمین می‌کنند و مشکلات حاد درونی‌شان را به بیرون از مرزهای خود انتقال می‌دهند. / قسمت دوم: به سخره گرفتن نوانخانه‌ها و فیلسوفانی که مدافع آن بودند توسط دیکنز، مربوط به چالش فقر و غنا است. / قسمت سوم: جنبش وال استریت مربوط به بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ است.

۲۹۲۷. گزینهٔ ۳ قسمت اول: نتایج بحران زیست‌محیطی: آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، مثل: ۱. مهاجرت ۲. بیکاری ۳. حاشیه‌نشینی ۴. فقر ۵. اختلافات سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای / قسمت دوم: در سؤال قبل گفتیم که تأمین رفاه کارگران و اقشار ضعیف جوامع غربی، از طریق بهره‌کشی از جوامع غیرغربی از نتایج چالش مرکز و پیرامون است. / قسمت سوم: مربوط به چالش فقر و غنا می‌باشد.

۲۹۲۸. گزینهٔ ۳ روند فروپاشی حکومت‌ها هنگام وقوع یک بحران اقتصادی به این صورت است که ابتدا آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی «تمامی جامعه» را در بر می‌گیرد. بعد از آن «سرمایه‌داران» برای اینکه خود را از آسیب حفظ کنند، با استفاده از «ابزارهایی» که دارند، فشار ناشی از بحران را به «اقشار ضعیف» و «تولیدکنندگان خُرد» منتقل می‌کنند؛ به همین دلیل است که بحران اقتصادی اغلب با چالش «فقر و غنا» پیوند می‌خورد و بر دامنهٔ آن می‌افزاید و در صورتی که این بحران کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های «۱» و «۲»: علاوه بر ترتیب اشتباه، سرایت بحران به ابعاد فرهنگی نیز نادرست است. / گزینهٔ «۴»: انتقال فشار به سرمایه‌داران و تأثیرپذیری عوامل داخلی از بحران اقتصادی، عبارت‌های نادرست در این گزینه هستند.

۲۹۲۹. گزینهٔ ۲ علت پیدایش استفاده از منابع عقلانی و وحیانی در تبیین‌های علمی جهان اسلام: «تبیین‌های علمی جهان اسلام به شناخت تجربی محدود نمی‌شود و از منابع عقلانی و وحیانی نیز استفاده می‌کند.» براساس این عبارت می‌توان همین الان نتیجه گرفت که پاسخ گزینهٔ «۲» است. برای یادگیری مطالب دیگر ادامه می‌دهیم: علت سرعت بخشیدن به انباشت ثروت سرمایه‌داران: «صنعت، عنصری بود که به انباشت ثروت سرمایه‌داران و موقعیت آنان سرعت بخشید.»؛ علت هویت‌زدایی از پدیده‌های اجتماعی و انسانی: «دستیابی به پاسخ‌های ساده و کاملاً قابل پیش‌بینی دربارهٔ چرایی وقوع پدیده‌های اجتماعی» و علت حاشیه‌نشینی: «بحران زیست‌محیطی به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی و بیکاری منجر شده است.»

جامعه‌شناسی — درس ۱۲

۲۹۳۰. گزینهٔ ۱ این گزینه نادرست است؛ زیرا چالش‌های جهانی به‌تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند؛ ولی اغلب پایان نمی‌یابند.

۲۹۳۱. گزینهٔ ۳ سکولاریسم، اومانیسم و روشنگری، عمیق‌ترین لایهٔ فرهنگ معاصر غرب و روح و شالودهٔ آن هستند. تمامی چالش‌های جهانی، از این لایهٔ هویتی برمی‌خیزند؛ ولی بحران‌های معرفتی و معنوی به این لایه اختصاص دارند.

۲۹۳۲. **گزینهٔ ۲** همهٔ گزینه‌ها درست است؛ اما گزینهٔ «۲» مربوط به قرن ۱۹ نیست.

۲۹۳۳. **گزینهٔ ۲** دو بحران در نیمهٔ اول قرن ۲۰ به‌وجود آمد که محدودیت‌های علمی دانش تجربی آشکار شد و علم از داوری‌های ارزشی دست شست. (دقت کنید که بخشی از بخش دوم گزینهٔ «۴» درست است و عبارت «وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی» مربوط به نیمهٔ دوم قرن ۲۰ است)

۲۹۳۴. **گزینهٔ ۲** سکولاریسم در فرهنگ مدرن غرب بدون پوشش دینی و به‌طور آشکار مطرح می‌شود. با این توضیح، گزینه‌های «۱» و «۳» را رد می‌کنیم. رفتارهای دینی در فرهنگ مدرن غرب، تنها با پوشش دینی امکان مطرح‌شدن دارند؛ پس گزینهٔ «۴» را نیز رد می‌کنیم.

۲۹۳۵. **گزینهٔ ۱** سکولاریسم در قرن بیستم، فرهنگ خاص حوزه‌های مختلف را تحت‌تأثیر قرار داد؛ ولی نتوانست فرهنگ عمومی جامعهٔ غربی را تغییر دهد.

۲۹۳۶. **گزینهٔ ۱** نشانهٔ بحران معنویت: بازگشت مجدد نگاه معنوی در سطوح مختلف زندگی انسان‌ها یا رویگردانی از دنیاگرایی و اقبال به معنویت. / عناوینی که برای آن به‌کار برده‌اند: افول سکولاریسم یا پساسکولاریسم. / زمان بروز این نشانه: سال‌های پایانی قرن بیستم.

۲۹۳۷. **گزینهٔ ۴** مهم‌ترین علت تداوم باور دینی در زندگی انسان‌ها: نیاز فطری انسان به حقایق قدسی و ماورای طبیعی. / علت شکل‌گیری بحران معنویت: بی‌توجهی به نیازهای معنوی به بهانهٔ رویکرد دنیوی (تأکید بر نیازهای دنیوی). / پیامد اصالت‌بخشیدن به انسان دنیوی: ناامیدی و پوچ‌گرایی و یأس و مرگ آرمان‌ها و امیدها

۲۹۳۸. **گزینهٔ ۳** **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینهٔ «۱»: اگر «همهٔ» تبدیل شود به «برخی»، درست خواهد بود. / گزینهٔ «۲»: جوامع غربی چنین نبودند. / گزینهٔ «۴»: اجلاس هزارهٔ ادیان در قرن بیست و یکم برگزار شد، نه قرن بیستم که در این گزینه به آن اشاره شده است.

۲۹۳۹. **گزینهٔ ۳** تمامی چالش‌های جهان غرب از عمیق‌ترین لایهٔ فرهنگ معاصر آن؛ یعنی سکولاریسم، اومانیسم و روشنگری برمی‌خیزند؛ اما بحران‌های معرفتی و معنوی خود، به این لایه تعلق دارند.

۲۹۴۰. **گزینهٔ ۱** این تست، ترکیبی از درس ۱۱ و ۱۲ پایهٔ یازدهم است: قسمت اول: بحران‌های اقتصادی ← نامتعادل شدن سیستم عرضه و تقاضا (درس ۱۱) / قسمت دوم: روشن شدن محدودیت‌های علم حسی- تجربی ← دست‌شستن علم از ارائهٔ داوری‌های ارزشی (درس ۱۱) / قسمت سوم: تداوم جنگ سرد ← رونق بازار بخش وسیعی از اقتصاد کشورهای صنعتی (تسهیلات نظامی) (درس ۱۰)

۲۹۴۱. **گزینهٔ ۴** این سؤال یک سؤال ترکیبی از دروس ۸، ۱۰ و ۱۲ پایهٔ یازدهم می‌باشد. جهان غرب از طریق رسانه، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را مدیریت می‌کند. / از مهم‌ترین عامل وقوع دو جنگ جهانی، رقابت کشورهای اروپایی بر سر مناطق استعماری بود. / دورشدن یک نظام سیاسی از ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی نیز منجر به بحران‌های فرهنگی و هویتی می‌شود.

۲۹۴۲. **گزینهٔ ۴** واردشدن آسیب به تمامی جامعه: نتیجهٔ بحران اقتصادی (درس ۱۱) / چالش در حوزه‌های مختلف روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر: نتیجهٔ بحران زیست‌محیطی (درس ۱۱) / پسامدرنیسم: نتیجهٔ بحران معرفتی علمی (درس ۱۲)

۲۹۴۳. **گزینهٔ ۴** در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد. در دوران رنسانس این روش معرفتی مورد تردید قرار گرفت و به‌تدریج به بحران معرفتی انجامید. جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد.

جامعه‌شناسی — درس ۱۳

۲۹۴۴. **گزینهٔ ۳** جهان غرب ابتدا با سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین لایه‌های هویتی خود با سایر جهان‌های اجتماعی از جمله جهان اسلام مواجه شد.

۲۹۴۵. **گزینهٔ ۳** علت آن، «دوری دولت‌های کشورهای اسلامی از سنن دینی و اسلامی» و «عمل‌کردن در چارچوب مناسبات قومی و قبیله‌ای» بود.

۲۹۴۶. **گزینهٔ ۴** قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه‌های دنیوی کشورهای غربی، دولتمردان و رجال سیاسی جوامع اسلامی را مرعوب و شیفتهٔ فرهنگ غرب می‌ساخت و این مسئله، عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کرد.

۲۹۴۷. **گزینهٔ ۲** رضاخان در ایران، امان‌الله‌خان در افغانستان و آتاتورک در ترکیه.

۲۹۴۸. **گزینهٔ ۱** دو عامل: ۱. شکل‌گیری اعتراض برخی نخبگان کشورهای اسلامی در مقابل عدم دستیابی کشورشان به شاخص‌های دولت‌های غربی ۲. شکل‌گیری جریان‌های چپ در کشورهای اروپایی

۲۹۴۹. **گزینهٔ ۳** **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینهٔ «۱»: اگر «خارج از ایران» حذف شود، درست خواهد بود. / گزینهٔ «۲»: اگر «میسیونری» تبدیل شود به «فراماسونری»، درست خواهد بود. / گزینهٔ «۴»: اگر «پس از» تبدیل شود به «هم‌زمان»، درست خواهد بود.

۲۹۵۰. **گزینهٔ ۴** قسمت اول: منورالفکری در معنای: روشنگری مدرن. / قسمت دوم: آدمیت در معنای: اومانیسم. / قسمت سوم: کاربرد این اصطلاحات توسط: نسل اول غرب‌زدگان کشورهای اسلامی

۲۹۵۱. **گزینهٔ ۳** تفاوت: منورالفکران به ملی‌گرایی و قوم‌گرایی روی آورده بودند. شباهت: به‌دنبال اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی بودند.

۲۹۵۲. **گزینهٔ ۴** قسمت اول: کانون‌های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از طریق سازمان‌های بین‌المللی، موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌المللی را برمی‌دارند و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف را مخدوش می‌سازند. / قسمت دوم: در فرهنگ اساطیری یونان و رم باستان، خداوندگان متکثر پرستیده می‌شد. / قسمت سوم: نخستین بیدارگران اسلامی کسانی بودند که به خطر غرب و شیوهٔ برخورد دولت‌های اسلامی در برابر غرب، توجه کردند و حرکت‌ها و جنبش‌هایی را در مقابله با غرب به‌وجود آوردند.

۲۹۵۳. **گزینهٔ ۴** روشنفکران چپ کشورهای اسلامی حرکت‌های خود را در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی سازمان می‌دادند. تا هنگام فروپاشی بلوک شرق جاذبه داشتند و به نسل اول روشنفکران نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های سرمایه‌داری و لیبرالیستی معترض بودند.

۲۹۵۴. **گزینهٔ ۳** این سؤال، یک سؤال ترکیبی از دروس ۶، ۱۲ و ۱۳ است. قسمت اول: دکارت، دیدرو و روسو از فیلسوفان روشنگری در غرب جدید هستند (درس ۶). / قسمت دوم: در دوران قرون وسطی، فتح قسطنطنیه، جنگ‌های صلیبی و مواجههٔ اروپاییان با مسلمانان زمینه‌های فروریختن اقتدار کلیسا را فراهم کرد (درس ۶). / قسمت سوم: در دوران پسامدرن، به‌دنبال رویگردانی از سکولاریسم (پساسکولاریسم) و در جست‌وجوی هویت دینی و معنوی، بازار معنویت‌های کاذب و دروغین رونق یافت (درس ۱۲). / قسمت چهارم: آتاتورک در ترکیه، امان‌الله خان در افغانستان و رضاخان در ایران، حکومت‌های سکولار تشکیل دادند (درس ۱۳).

۲۹۵۵. **گزینهٔ ۲** این سؤال نیز مانند سؤال بالا ترکیبی از دروس ۶، ۱۲ و ۱۳ است. قسمت اول: دکارت، دیدرو و روسو از فیلسوفان روشنگری و در دوران غرب جدید هستند (درس ۶). / قسمت دوم: آناپاتیست‌ها گروهی از پروتستان‌ها بودند که با جریان‌های دنیاگرایانهٔ دوران رنسانس مخالف بودند (درس ۶). / قسمت سوم: از پیامدهای افول سکولاریسم یا پساسکولاریسم در دوران پسامدرن، جست‌وجوی سنت‌های دینی توسط نخبگان جهان غرب برای جبران خلاء معنوی خود بود (درس ۱۲). / قسمت چهارم: در بخش نکتهٔ کنکوری درسنامه، خواندید که اقدامات آتاتورک، مثل تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه و... همگی در راستای ایجاد حکومتی سکولار صورت می‌گرفت (درس ۱۳).

جامعه‌شناسی درس ۱۴

۲۹۵۶. **گزینهٔ ۴** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های «۲» و «۳»: در مورد مقاومت‌های منفی درست هستند. گزینهٔ «۱»: به‌جای رقابت‌آمیز باید مقاومت منفی گذاشته شود و جای ساختار و رفتار عوض شود تا گزینهٔ درستی گردد.

۲۹۵۷. **گزینهٔ ۴** بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: جنبش تنباکو منجر به تدوین قوانین عادلانهٔ الهی نشد؛ ولی در این گزینه عکس این موضوع مطرح شده است. / گزینهٔ «۲»: جنبش تنباکو اصلاح رفتار شاه را دنبال می‌کرد، نه تغییر ساختار حکومت یا شیوهٔ زمامداری. / گزینهٔ «۳»: مانند گزینهٔ «۲»، آن را رد می‌کنیم. / گزینهٔ «۴»: در کتاب درسی به موفقیت‌آمیز بودن جنبش تنباکو اشاره شده است و می‌دانید که جنبش تنباکو به‌دنبال اصلاح رفتار پادشاه قاجار بود؛ بنابراین، نتیجه می‌گیریم که این جنبش، موفق به اصلاح رفتار شاه شده است.

۲۹۵۸. **گزینهٔ ۳** جنبش عدالتخانه یک انقلاب اجتماعی بود، نه انقلاب سیاسی، زیرا ساختار سیاسی جامعه را تغییر داد.

۲۹۵۹. **گزینهٔ ۱** موضع رهبران دینی در دورهٔ رضاخان (یعنی پس از شکست آنان در مشروطه) از فعالیت رقابت‌آمیز به موضع مقاومت منفی تغییر کرد و تا انقلاب اسلامی ادامه داشت. دقت داشته باشید که رضاخان بیست سال پس از مشروطه حاکمیت را به‌دست گرفت. همان‌طور که می‌دانید انقلاب مشروطه بیش از هفتاد سال قبل از انقلاب اسلامی شکل گرفت؛ بنابراین، اگر بیست سال را از بیش از هفتاد سال کم کنیم به عدد بیش از پنجاه سال خواهیم رسید.

۲۹۶۰. **گزینهٔ ۱** انقلاب اسلامی ایران بیش از هفتاد سال پس از مشروطه و بیش از پنجاه سال پس از حاکمیت پهلوی اتفاق افتاد.

۲۹۶۱. **گزینهٔ ۴** گزینه‌های «۱» و «۲» نادرست هستند؛ زیرا مشروطه براساس اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی شیعی، به حسب ذات خود مشروع نبود و عدم مشروعیتِ مشروطه، به‌دلیل عادل نبودن حاکمان بود؛ پس گزینهٔ «۳» نیز نادرست است.

۲۹۶۲. **گزینهٔ ۱** مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران، پیدایش جنبش‌ها و انقلاب‌های عربی از سال ۱۳۸۹ است. / روشنگری در سده‌های ۱۷ و ۱۸ با رویکرد عقل‌گرایانه به‌دلیل رد مرجعیت وحی به دئیسم منجر شد. / یکی از پیامدهای بحران معنویت، جست‌وجوی سنت‌های دینی و قدسی توسط برخی از نخبگان جهان غرب بود. / پست‌مدرنیسم با تردید در اصول روشنگری علم مدرن ایجاد شد. (قسمت آخر تمام گزینه‌ها می‌تواند درست باشد.)

۲۹۶۳. **گزینهٔ ۱** نمونهٔ تاریخی تغییر ساختار سیاسی: انقلاب مشروطه / ویژگی جنبش تنباکو به‌عنوان فعالیت اجتماعی – سیاسی: اصلاح رفتار حاکمان / نمونهٔ تاریخی تغییر همکاری با حاکم نامشروع در حدّ واجبات نظامیه: تدوین رسالهٔ جهادیه

۲۹۶۴. **گزینهٔ ۳** حقوق طبیعی بشر در دوران رنسانس شکل گرفت. (درس ۶) / تغییر عملکرد مردم از موضع مقاومت منفی به فعالیت رقابت‌آمیز با وقوع انقلاب اسلامی ایران رخ داد. (درس ۱۴) / خودداری از مقابله با قحطی ایرلند در دوران حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی صورت گرفت. (درس ۹)

۲۹۶۵. **گزینهٔ ۴** ویژگی انقلاب اجتماعی: تغییر ساختار نظام سیاسی / اصلاح رفتار حاکمان: ویژگی فعالیت رقابت‌آمیز / ویژگی مقاومت منفی: همکاری با حاکم نامشروع در حدّ واجبات نظامیه

۲۹۶۶. **گزینهٔ ۲** سرکوب مقاومت‌های مردمی برای حفظ هویت اسلامی خود: توسط منورالفکران غرب‌گرا صورت گرفت. (درس ۱۳) / موفق‌شدن در مقابله با استعمار قدیم: توسط انقلاب‌های آزادی‌بخش (درس ۱۴) / بازشدن راه استثمار برای صاحبان ثروت: توسط لیبرالیسم صورت گرفت. (درس ۹)

۲۹۶۷. **گزینهٔ ۳** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: تعامل عالمان شیعه با قاجار ابتدا براساس «مقاومت منفی» بود و بعد از روی آوردن دولت قاجار به قراردادهای استعماری، از مقاومت منفی به‌سوی فعالیت رقابت‌آمیز تغییر کرد. / گزینهٔ «۲»: برخورد رقابت‌آمیز عالمان دینی با قاجار در جهت تأیید قدرت حاکم نبود؛ بلکه حرکتی اصلاحی بود و تجربهٔ موفق جنبش تنباکو، فعالیت رقابت‌آمیز را نیز از اصلاح رفتار به اصلاح ساختار تغییر داد و به جنبش عدالتخانه منجر شد. / گزینهٔ «۴»: تلاش کردند فعالیت را از اصلاح رفتار به اصلاح ساختار تغییر دهند، نه برعکس.

۲۹۶۸. **گزینهٔ ۳** انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی زمانی آغاز شد که: «شاه تحت حمایت دولت‌های غربی بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را برعهده داشت» + «روشنفکران چپ نیز از صحنهٔ رقابت‌های سیاسی داخلی کشور حذف شده بودند».

۲۹۶۹. **گزینهٔ ۳** انقلاب اسلامی در جهت از بین بردن سلطهٔ سیاسی کشورهای غربی عمل می‌کرد و هویتی فرهنگی و تمدنی داشت و در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.

جامعه‌شناسی درس ۱۵

۲۹۷۰. **گزینهٔ ۲** انقلاب فرانسه به‌صورت سلسله انقلاب‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ میلادی حیات مجدد خود را آغاز کرد و همهٔ کشورهای اروپا را فراگرفت.

۲۹۷۱. **گزینهٔ ۲** انقلاب اکتبر روسیه در ۱۹۱۷ میلادی مشابه انقلاب‌هایی که در اروپا آغاز شده بود، اتفاق افتاد.

۲۹۷۲. **گزینهٔ ۴** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: همان‌طور که می‌دانید مسئلهٔ فقاهت در مذهب شیعه مطرح است، نه مذهب تمام مسلمانان در کشورهای عربی. / گزینه‌های «۲» و «۳»: در ارتباط با تحولات اخیر در کشورهای عربی مطرح است و ارتباطی به سؤال ندارد.

۲۹۷۳. **گزینهٔ ۴** جنبش‌هایی از جمله، جهاد اسلامی افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق، انتفاضه در فلسطین و جبههٔ نجات اسلامی در الجزایر، تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایران شکل گرفتند.

۲۹۷۴. **گزینهٔ ۳** وقوع انقلاب اسلامی ایران، شاهدی گویا برای حضور تاریخ‌ساز فرهنگ‌های غیرغربی بود و بر تکوین و گسترش اندیشه‌های پسامدرن تأثیر گذاشت. توجه: فرهنگ غرب با بحران‌های معرفتی مواجه است، نه بحران‌های عمیق معرفتی که در گزینه‌های «۲» و «۴» آمده است؛ زیرا در آن صورت باید دچار تحول فرهنگی می‌شد.

۲۹۷۵. **گزینهٔ ۴** انقلابی که با آرمان‌ها و ارزش‌های مدرن پس از رنسانس به‌وجود آمد، انقلاب فرانسه بود.

۲۹۷۶. **گزینهٔ ۲** بخش اول تمام گزینه‌ها در ارتباط با نظریهٔ «جنگ تمدن‌ها» درست است؛ اما تنها بخش دوم گزینهٔ «۲» در ارتباط با نظریهٔ «پایان تاریخ فوکویاما» درست است.

۲۹۷۷. **گزینهٔ ۱** قسمت اول: در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» درست است. / قسمت دوم: در گزینه‌های «۲» «۴» نادرست است؛ زیرا باید گفته می‌شد ضد لیبرالیستی. / قسمت سوم: در گزینهٔ «۳» نادرست است؛ زیرا خصلت ناسیونالیستی نداشت.

۲۹۷۸. **گزینهٔ ۴** این سؤال، سؤال ترکیبی از دروس ۷، ۱۴ و ۱۵ است. قسمت اول: این رقابت در دوران مشروطه روی داد. (درس ۱۴) / قسمت دوم: بعد از مرگ جمال عبدالناصر در زمان انورسادات، دولت مصر در قرارداد کمپ دیوید، اسرائیل را به رسمیت شناخت. (درس ۱۵) / قسمت سوم: انقلاب فرانسه. (درس ۷)

۲۹۷۹. **گزینهٔ ۳** در گزینهٔ «۳» «نسبت به بلوک غرب» باید «بلوک شرق» می‌شد، تا این گزینه مفهوم درستی داشته باشد.

۲۹۸۰. **گزینهٔ ۱** انقلاب اسلامی، آرمان‌ها، ارزش‌ها و رسالت خود را به حل چالش‌های جامعهٔ ایران یا شیعیان جهان محدود نکرد؛ بلکه ۱. از عزت و اقتدار اسلام پاسداری می‌کرد. ۲. دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفهٔ خود می‌دانست. ۳. فطرت الهی همهٔ انسان‌ها را مخاطب قرار می‌داد و ۴. حل مشکلات معرفتی و معنوی بشر را رسالت خود می‌دید.

۲۹۸۱. **گزینهٔ ۴** قسمت اول: تغییر ساختار سیاسی از ویژگی‌های انقلاب اجتماعی است (جدول مقایسه کنید صفحهٔ ۱۱۸). / قسمت دوم: جوامع سوسیالیستی اگر تحقق یابند با دو مشکل روبه‌رو هستند: ۱. از بین رفتن آزادی افراد به بهانهٔ عدالت اقتصادی و ۲. پیدایش طبقهٔ جدید بر مدار قدرت. /

قسمت سوم: کشورهای غربی در نخستین نظریه‌پردازی‌های خود فروپاشی بلوک شرق را به شکل‌گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب واحد معنا می‌کردند. نظریهٔ فوکویاما تحت عنوان «پایان تاریخ» نیز همین معنا را القا می‌کرد که با فروپاشی بلوک شرق، نظام لیبرال دموکراسی که آخرین و بهترین نظام سیاسی است غلبه می‌یابد و مبارزات عقیدتی - سیاسی بشر را پایان می‌بخشد.

فلسفه — درس ۱

۲۹۸۲. **گزینهٔ ۲** پرسش‌های فلسفی را نمی‌شود از طریق تجربه و آزمایش پاسخ داد. درضمن، منابع تحقیقی فلسفی نیز عقلی صرف هستند. از میان گزینه‌ها، پرسش از آغاز جهان، پرسشی عقلی است و با منابع تجربی و ابزارهای آزمایشگاهی به پاسخ نمی‌رسد. منابع ادبی، ذوقی و تاریخی نیز نمی‌توانند ما را به جواب برسانند.

۲۹۸۳. **گزینهٔ ۴** جهان و انسان دو موضوعی هستند که پرسش‌های بنیادی دربارهٔ آن‌ها مطرح می‌شوند.

۲۹۸۴. **گزینهٔ ۲** فیثاغورس کسی بود که برای نخستین‌بار اصطلاح فیلوسوفیا را به‌کار برده است.

۲۹۸۵. **گزینهٔ ۱** ارسطو اصطلاح فیلوسوفیا یا فلسفه را به‌معنای مطلق دانش به‌کار می‌برد و به همین علّت، تمامی دانش‌ها را زیرمجموعهٔ فلسفه قرار داده بود.

۲۹۸۶. **گزینهٔ ۴** پرسش‌های فلسفی لزوماً سؤالاتی تخصصی نیستند که در دانش فلسفه مطرح می‌شوند (رد گزینهٔ «۱»)؛ بلکه پرسش‌هایی بنیادی دربارهٔ جهان و انسان‌اند که پاسخ‌گویی به آن‌ها نیازمند تقویت توان فکری فرد است؛ حال چه این فرد فیلسوف باشد و چه نباشد (رد گزینه‌های «۲» و «۳»)؛ اما پاسخی که به این دسته از پرسش‌ها می‌دهیم، تنها با عبور از زندگی روزمره امکان‌پذیر است.

۲۹۸۷. **گزینهٔ ۴** **بررسی گزینه‌ها:** گزینهٔ «۱»: پرسشی در حیطهٔ زیست‌شناسی و پزشکی است. / گزینهٔ «۲»: علم روانشناسی می‌تواند این سؤال را پاسخ دهد. / گزینهٔ «۳»: این پرسش با رجوع به فرهنگ لغت پاسخ داده می‌شود. / گزینهٔ «۴»: سؤالی فلسفی است که تنها از طریق عقل و استدلال عقلی و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به جواب می‌رسد.

۲۹۸۸. **گزینهٔ ۱** تفکر فلسفی با پرداختن به پرسش‌های بنیادی شروع می‌شود، نه اینکه صرفاً پرسشی بنیادی و فلسفی در ذهنش شکل گرفته باشد. درضمن، تفکر فلسفی به‌معنای کنارگذاشتن زندگی روزانه نیست.

۲۹۸۹. **گزینهٔ ۱** در این گزینه، پرسش اول سؤالی بنیادی است (فطرت ثانی) و پرسش دوم در حیطهٔ علوم تجربی قرار می‌گیرد (فطرت اول).
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: فطرت ثانی - فطرت ثانی / گزینهٔ «۳»: فطرت ثانی - فطرت ثانی / گزینهٔ «۴»: فطرت اول - فطرت ثانی

۲۹۹۰. **گزینهٔ ۱** فیزیکدان موضوعات تخصصی فیزیک را بررسی می‌کند و فیلسوف، پرسش‌های بنیادی فیزیک را؛ بنابراین پژوهش این دو از اساس با هم متفاوت است.

۲۹۹۱. **گزینهٔ ۲** واژهٔ «فیلسوفیا» در اصل به‌معنای دوستداری دانایی است نه دوستدار دانایی (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). این واژه را نخستین‌بار فیثاغورس به‌کار برد؛ ولی سقراط آن را بر سر زبان‌ها انداخت (رد گزینهٔ «۴»).

۲۹۹۲. **گزینهٔ ۴** از نظر سوفیست‌ها، حقیقت هرچیزی است که فرد فهمیده و برای خودش حقیقت است، نه اینکه لزوماً دیگران بر سر آن توافق داشته باشند. درضمن، این درک فردی لزوماً به قصد فریب دیگران نیست.

۲۹۹۳. **گزینهٔ ۱** سقراط واژهٔ «فیلوسوفیا» را به‌معنای مطلق دانش به‌کار می‌برد. این واژه در اصل معنای «دوستداری دانایی» می‌دهد.

۲۹۹۴. **گزینهٔ ۴** «بررسی نهایی‌ترین پرسش‌ها حتی در علوم دیگر» ویژگی خاص دانش فلسفه است.

۲۹۹۵. **گزینهٔ ۲** ارسطو دانش را به سه دستهٔ فلسفهٔ عملی، نظری و هنری تقسیم کرده بود.

۲۹۹۶. **گزینهٔ ۲** سوفیست‌ها معتقد بودند که هرکس هرچه می‌فهمد، همان فهم برای او در حکم حقیقت است؛ پس حقیقت امری نسبی است و در هر فردی متفاوت است و تغییرپذیر است. درضمن، آن‌ها چون معتقد بودند پیروزی بر رقیب هدف اصلی است، برای دستیابی بدین هدف، حتی از مغالطه نیز استفاده می‌کردند؛ یعنی هدف برایشان وسیله را توجیه می‌کرد.

۲۹۹۷. **گزینهٔ ۴** تفکر نوعی از فلسفه نیست بلکه تفکر فلسفی نوعی از تفکر است. انسان با تفکر (به معنای عام) امور روزانهٔ خود را سامان می‌دهد و بدون تفکر کاری از ما ساخته نیست.

۲۹۹۸. **گزینهٔ ۴** دانش فلسفه با استفاده از روش عقلی محض به پاسخ می‌رسد؛ از این نظر، با علومی مانند هندسه، ریاضیات و منطق شباهت دارد. حالا چرا گزینهٔ «۳» پاسخ نیست؟ زیرا همهٔ علوم از استدلال استفاده می‌کنند. اما استدلال دارای دو نوع تجربی (استقرایی) و قیاسی (عقلی محض) است.

۲۹۹۹. **گزینهٔ ۳** معنای اصلی واژهٔ فیلسوف، دوستدار دانش بود. اما با گذشت زمان، و پس از آنکه سقراط خودش را فیلسوف نامید، معنای دانشمند پیدا کرد و واژهٔ فلسفه نیز به معنای مطلق دانش شد.

۳۰۰۰. **گزینهٔ ۴** پرسش فلسفی به امور بنیادین هستی و انسان می‌پردازد. و نیازمند تفکرات عمیق است تا به پاسخ برسد. بر این اساس، این پرسش که «زندگی چه ارزشی دارد؟» سؤالی فلسفی است؛ زیرا برای پاسخ آن باید به انسان و جهان هستی توجه کنیم و ملاک و معیار زیستن انسان در یک جهان این‌چنینی را بیابیم.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: این سؤال بر اساس ریشه‌شناسی واژهٔ فلسفه و شناخت دانش فلسفه به جواب می‌رسد نه تفکر فلسفی. / گزینهٔ «۲»: پرسشی در حیطهٔ دانش منطق است نه تفکر فلسفی. / گزینهٔ «۳»: این پرسش هم در دانش منطق جواب داده می‌شود و پرسش فلسفی نیست.

۳۰۰۱. **گزینهٔ ۲** فلسفه دو تفاوت اصلی با سایر علوم دارد که یکی از این دو تفاوت، مختص فلسفه است. روش و موضوع فلسفه با سایر علوم متفاوت است. روش فلسفه استدلال عقلانی است و موضوع آن پرداختن به بنیادی‌ترین مسائل در هر حیطه‌ای است. موضوع فلسفه تفاوت اختصاصی فلسفه با سایر دانش‌هاست؛ زیرا روش آن که عقلانی است، می‌تواند با برخی دانش‌ها مثل دانش ریاضیات، مشترک باشد.

۳۰۰۲. **گزینهٔ ۲** بدیهی است که هر دانشی قانونمندی‌های خودش را دارد و فلسفه هم قانونمند است و روش خاص خودش را دارد که روش استدلالی است.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: فلسفه به‌هیچ‌وجه برای هیچ مسئله‌ای از روش تجربی استفاده نمی‌کند. / گزینهٔ «۳»: تفکر فلسفی خاص فیلسوفان نیست. بنابراین این قسمت از عبارت درست است؛ اما بخش دوم یک اشتباه ظریف دارد و آن اینکه گفته از همان آغازین روزهای حیات «هر انسانی» تفکر فلسفی خودش را نشان می‌دهد. جملهٔ کتاب درسی می‌گوید از همان آغازین روزهای حیات «بشر» نه «هر انسان». ببینید! حیات بشر یعنی وقتی انسان‌ها در زمین موجود شدند تفکر فلسفی هم بروز پیدا کرد؛ اما آغازین روزهای حیات هر انسان، یعنی روزهای نوزادی که خب، در نوزادی کسی تفکر فلسفی ندارد. / گزینهٔ «۴»: انسان با دقت در زندگی روزمره دچار حیرت فلسفی نمی‌شود.

۳۰۰۳. **گزینهٔ ۳** نباید فریب کلمهٔ فلسفه را در پرسش‌ها بخوریم! پرسش فلسفی لزوماً یک سؤال در مورد دانش فلسفه نیست (رد گزینهٔ «۱»). وقتی هم از فلسفهٔ چیزی می‌پرسیم، درواقع منظور چرایی و علّت یک چیز است. در گزینهٔ «۲» هم منظور این است که دلیل نماز خواندن چیست که سؤالی غیرفلسفی است (رد گزینهٔ «۲»). اما گزینهٔ «۳» یک پرسش عمیق و بنیادین است که با تفکر عمیق فلسفی دربارهٔ انسان و زندگی می‌توان بدان پاسخ داد. گزینهٔ آخر هم گرچه ظاهراً فلسفی است، اما مربوط به قواعد تفکر است که در علم منطق به آن پاسخ داده می‌شود.

۳۰۰۴. **گزینهٔ ۱** ویژگی خاص تفکر فلسفی این است که در مورد بنیادی‌ترین مسائل می‌اندیشد. سایر گزینه‌ها می‌تواند در برخی علوم هم وجود داشته باشد. برای مثال، گزینهٔ «۲» ویژگی علم ریاضی و گزینهٔ «۳» ویژگی علم منطق و گزینهٔ «۴» ویژگی علوم تجربی نیز هست.

فلسفه — درس ۲

۳۰۰۵. **گزینهٔ ۴** ریشهٔ فلسفه عبارت است از معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی؛ اما معرفت‌شناسی نیز در حقیقت درون وجود یا وجودشناسی قرار می‌گیرد.

۳۰۰۶. **گزینهٔ ۲** مابعدالطبیعه بخش اصلی فلسفه است که از اصل وجود و هستی و احکام آن صحبت می‌کند.

۳۰۰۷. **گزینهٔ ۱** در معرفت‌شناسی از امکان شناخت و معرفت سؤال می‌کنیم. درست مانند همین گزینه که از امکان شناخت هستی پرسیده است.

۳۰۰۸. **گزینهٔ ۴** فلسفه که علم دربارهٔ هستی است، در حقیقت همان وجودشناسی است.

۳۰۰۹. **گزینهٔ ۳** هستی‌شناسی احکام و قواعدی دارد که مربوط به اصل هستی و وجود است، نه یک موجود خاص یا ویژگی خاصی در برخی موجودات.

۳۰۱۰. **گزینهٔ ۲** **بررسی گزینه‌ها:** گزینهٔ «۱»: مابعدالطبیعه از یک جنبهٔ خاص موجودات را بررسی نمی‌کند. / گزینهٔ «۲»: دقیقاً مابعدالطبیعه علم به احوال موجودات از حیث وجودشان است. / گزینهٔ «۳»: مابعدالطبیعه با مفاهیم کاری ندارد؛ بلکه با وجود موجودات سروکار دارد. / گزینهٔ «۴»: جنبهٔ حیات، مشترک میان تمام موجودات نیست؛ پس این تعریف نمی‌تواند مابعدالطبیعه را توضیح دهد.

۳۰۱۱. **گزینهٔ ۳** درواقع، بخش اصلی فلسفه عبارت است از وجودشناسی؛ یعنی بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامونی آن؛ ولی چون ابتدا باید بدانیم که آیا امکان دارد که وجود را بشناسیم یا خیر، معرفت‌شناسی نیز وارد می‌شود. به عبارت دیگر، شناخت وجود فرع بر امکان شناخت وجود است.

۳۰۱۲. **گزینهٔ ۴** از نظر قائلان به اصالت فرد، جامعه چیزی نیست، جز مجموعه‌ای از افراد که کنار هم زندگی می‌کنند.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: این عبارت با اصالت جامعه سازگار است، نه اصالت فرد. / گزینهٔ «۲»: چنین نظری ربطی به اصالت فرد یا اصالت جامعه ندارد. / گزینهٔ «۳»: کنارگذاشتن جامعه و جمع نه در اصالت فرد و نه در اصالت جامعه پذیرفته نیست.

۳۰۱۳. **گزینهٔ ۳** وقتی کسی به ماوراءالطبیعه معتقد باشد؛ پس دیدگاه مابعدالطبیعی‌اش بر غیرمادی‌بودن بخشی از عالم هستی تأکید دارد. ابن‌سینا نیز براساس اعتقاد به بُعد غیرمادی در عالم هستی، برای انسان نیز روح؛ یعنی بُعدی غیرمادی در نظر می‌گیرد.

۳۰۱۴. **گزینهٔ ۲** تمام موجودات در یک ویژگی با هم مشترک‌اند و آن «وجود» است. فلسفهٔ اولی نیز همین امر مشترک همهٔ موجودات را بررسی می‌کند؛ یعنی ویژگی‌های مشترک میان همهٔ موجودات را بررسی و احکام آن‌ها را مشخص می‌کند.

۳۰۱۵. **گزینهٔ ۱** شناخت احکام مطلق وجود به عهدهٔ مابعدالطبیعه است که مترادف آن هستی‌شناسی است و اجتهاد و تلاش برای شناختن ریشه و پایه و علّت اصلی و حقیقی و باطنی هر پدیده، همان فلسفه است.

۳۰۱۶. **گزینهٔ ۱** اینکه پیکاسو تحت‌تأثیر کدام مکتب هنری است، تنها در حیطهٔ هنر نقاشی قرار دارد و به تاریخ نقاشی بازمی‌گردد و ربطی به فلسفهٔ هنر ندارد. در فلسفهٔ هنر پرسش‌های بنیادی در حیطهٔ هنر مانند ملاک هنری بودن یک اثر، چیستی زیبایی و زشتی و رابطهٔ میان زیبایی و هنر بررسی می‌شوند.

۳۰۱۷. **گزینهٔ ۴** بحث از زیبایی و زشتی در زیبایی‌شناسی و فلسفهٔ هنر انجام می‌شود (رد گزینهٔ «۲»). دربارهٔ اعتبار علمی و چیستی گزاره‌های علمی هم در فلسفهٔ علم بحث می‌کنیم (رد گزینهٔ «۱» و «۳»). مفاهیم حاکمیت و قرارداد اجتماعی هم به فلسفهٔ سیاسی بازمی‌گردند (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»).

۳۰۱۸. **گزینهٔ ۴** دیدگاه‌های فلسفی بسیاری از فیلسوفان بزرگ قدیمی؛ مثل افلاطون، ارسطو، ابن‌سینا و دیگران، موجب شکل‌گیری مکتب‌های تربیتی در عصر حاضر شده است.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: درست این است که بگوییم فلسفه‌های مضاف رابط بین فلسفهٔ اولی و دانش‌های مختلف‌اند. / گزینهٔ «۲»: فیسلوف نیازی نیست برای پرداختن به مسائل بنیادی دانش، وارد آن دانش شده باشد. / گزینهٔ «۳»: فلسفهٔ اولی هم بخش اصلی فلسفه است و هم ریشهٔ فلسفه‌های مضاف.

۳۰۱۹. **گزینهٔ ۳** فلسفه‌های مضاف، رابط و پلی هستند که مسائل بنیادین فلسفه را وارد حیطه‌های مختلف علوم می‌کنند نه اینکه فلسفهٔ اولی پل ارتباطی باشد (رد گزینهٔ «۱»). زیرا فلسفهٔ اولی بخش اصلی و ریشهٔ فلسفه است و فلسفه‌های مضاف، شاخه‌های فلسفه (رد گزینهٔ «۲»). پس سایر فلسفه‌ها فقط شاخه‌های فلسفه هستند که بنیان و ریشه‌شان در فلسفهٔ اولی قرار دارد (رد گزینهٔ «۴»).

فلسفه — درس ۳

۳۰۲۰. **گزینهٔ ۴** عقاید و باورهای انسان ممکن است خودشان نادرست باشند و موجب تصمیم‌گیری و عمل نادرست شوند (رد گزینه‌های «۱» و «۲»)؛ زیرا مبنای عمل و تصمیم‌گیری‌های ما هستند. کسب شخصیت مستقل نیز با بررسی باورها و کنارگذاشتن باورهای نادرست به‌دست می‌آید، نه از صرف داشتن باور.

۳۰۲۱. **گزینهٔ ۱** وقتی کسی با تأمل فلسفی، باورها و عقایدش را بررسی می‌کند و به‌اصطلاح به فهم فلسفی باورهایش می‌پردازد و درنهایت، باورهای درست را می‌پذیرد، خودش بنیان فکری خودش را ساخته و به آزاداندیشی رسیده است.

۳۰۲۲. **گزینهٔ ۱** خیلی وقت‌ها فیلسوفان می‌کوشند با کاستن از مغالطه‌ها، فهم درستی از حقایق هستی و مسائل بنیادی زندگی ارائه دهند. درضمن، باید دقت کنیم که فرد آزاداندیش لزوماً به حقیقت نمی‌رسد و رجوع به ادیان، پیشنهاد همهٔ فیلسوفان نیست.

۳۰۲۳. **گزینهٔ ۲** فیلسوف در تمثیل غار کسی است که سختی بیرون آمدن از غار را به جان می‌خرد تا با حقیقت آشنا شود.

۳۰۲۴. **گزینهٔ ۱** انسان برای گرفتارنشدن در زنجیر عادت‌ها و تعصبات، باید چند ویژگی داشته باشد: ۱. خود را مهیای شنیدن سخن حق کند. ۲. در برابر حقیقت متواضع باشد. ۳. سختی‌های راه دستیابی به حقیقت را بپذیرد. ۴. انضباط و نظم عقلی و منطقی را هرگز فراموش نکند.

۳۰۲۵. **گزینهٔ ۳** تفکر فلسفی دربارهٔ باورهای مربوط به زندگی باعث می‌شود که هر انسانی آزاداندیش شود؛ زیرا در این‌صورت، خودش باورهایش را با دلیل و استدلال انتخاب می‌کند.

۳۰۲۶. **گزینهٔ ۴** بسیاری از فیلسوفان و خیلی از آدم‌های عادی که تفکر فلسفی دارند، به حقیقت نرسیده‌اند و منحرف شده‌اند.

۳۰۲۷. **گزینهٔ ۲** **بررسی گزینه‌ها:** گزینهٔ «۱»: هر انسانی ممکن است در مواجهه با مسائل بنیادی دچار تردید شود؛ مهم این است که آن تردید او را به وادی فلسفه هدایت کند و در آن مسیر گام بردارد. / گزینهٔ «۲»: فیلسوف واقعی دستیابی به حقیقت را به هرچیزی در زندگی ترجیح می‌دهد. / گزینهٔ «۳»: فیلسوف واقعی نیز ممکن است دارای باورهای نادرست باشد. / گزینهٔ «۴»: حقیقت همان مطابقت با واقعیت است.

۳۰۲۸. **گزینهٔ ۲** افلاطون در تمثیل غار می‌خواهد نشان دهد که انسان چگونه با کمک فلسفه می‌تواند به آزادی حقیقی دست یابد.

۳۰۲۹. **گزینهٔ ۲** عالم درون غار، عالم محسوس و همین زندگی عادی است و عالم بیرون از غار، عالم معقول، حقیقت و همان عالم مُثُل افلاطونی است.

۳۰۳۰. **گزینهٔ ۴** اندیشیدن فلسفی از ثمرات بررسی باورها نیست؛ بلکه خود بررسی و اندیشیدن به باورهاست؛ بنابراین تفکر فلسفی است که نتیجه‌اش می‌شود آزاداندیشی و استقلال شخصیت.

۳۰۳۱. **گزینهٔ ۲** وقتی به باورهایمان بیندیشیم و سعی کنیم درستی و نادرستی آن‌ها را بررسی کنیم، در نهایت به فهم فلسفی از باورها خواهیم رسید.

۳۰۳۲. **گزینهٔ ۱** گرچه باور نهایی این فرد نادرست است؛ اما چون به هستی خویش و عالم هستی اندیشیده است و سپس به یک باور خاص رسیده، وارد حیطهٔ فلسفه شده است؛ بی‌آنکه از کسی تقلید کرده باشد.

۳۰۳۳. **گزینهٔ ۴** اعتقاد به باورهای نادرست موجب انحراف از معنای درست زندگی می‌شود. بنابراین اگر فردی دارای باورهای غلط باشد، معنای نادرستی

برای زندگی برگزیده است. در حالی که ممکن است فرد بی‌آنکه به درستی باورهایش فکر کرده باشد، صرفاً با پیروی از دیگران، آن هم افراد صالح، دارای باورهای درست و معنای درست زندگی باشد.

۳۰۳۴. **گزینهٔ ۱** انسان برای آزاداندیش‌شدن و کسب شخصیت مستقل باید باورهای زندگی‌اش را بررسی کند و باورهای نادرست را کنار بگذارد و باورهای درست را بپذیرد.

فلسفه — درس ۴

۳۰۳۵. **گزینهٔ ۲** مورخان فلسفه در غرب، تاریخ فلسفه را غالباً از یونان آغاز و معمولاً تالس را نخستین فیلسوف معرفی می‌کنند.

۳۰۳۶. **گزینهٔ ۳** سهروردی معتقد است که در دورهٔ کیانیان در ایران باستان، انسان‌های وارسته‌ای می‌زیستند که به حکمت و فلسفه می‌پرداختند.

۳۰۳۷. **گزینهٔ ۱** درست است که فیثاغورس در دستگاه فلسفی‌اش، عرفان و فلسفه را به هم آمیخته است؛ اما از پایه‌گذاران عرفان محسوب نمی‌شود.

۳۰۳۸. **گزینهٔ ۲** اصلی‌ترین مسئله در میان متفکران اولیهٔ یونان این بود که دگرگونی‌های پیوسته در عالم هستی را تبیین عقلانی کنند.

۳۰۳۹. **گزینهٔ ۱** تالس آب را مادهٔ اولیهٔ عناصر می‌دانست و فیثاغورس، اصول اعداد را.

۳۰۴۰. **گزینهٔ ۱** در زمانهٔ فیلسوفان اولیه، هنوز اصطلاح «فیلسوف» رایج نبود و در دورهٔ سقراط بود که این اصطلاح بر سر زبان‌ها افتاد.

۳۰۴۱. **گزینهٔ ۳** پارمنیدس معتقد بود که حواس انسان است که موجب می‌شود در عالم تغییرات را مشاهده کنیم، وگرنه تفکر عقلی ما را به این حقیقت می‌رساند که هستی ثابت و تغییرناپذیر است.

۳۰۴۲. **گزینهٔ ۱** اینکه دستاوردهای تمدن‌های اولیه به تمدن‌های جدیدتر منتقل شده، نشان می‌دهد هر تمدنی که با آن مواجه شویم، بنایی است که روی دستاورد تمدن‌های قبل از خود بنا شده است؛ بنابراین اگر در یونان با چیزی به‌نام فلسفه روبه‌رو می‌شویم، می‌توانیم مطمئن باشیم که این فلسفه در تمدن‌های قبل از آن و تمدن‌های اولیه ریشه دارد. حتی اگر فلسفه و علم را به تمدن دیگری هم نسبت می‌دادیم، باز باید همین حرف را می‌زدیم؛ بنابراین نه مصر و بین‌النهرین و نه یونان و ایران باستان را نمی‌توان آغازگاه فلسفه شمرد.

۳۰۴۳. **گزینهٔ ۴** حکیمان ایران باستان در عین پرداختن به فلسفه، اهل سیروسلوک معنوی نیز بودند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: این ویژگی مربوط به فیثاغورسیان است. / گزینهٔ «۲»: این دیدگاه مربوط به هراکلیتوس یونانی است. / گزینهٔ «۳»: درست برعکس، حکیمان ایرانی اهل عرفان نیز بودند.

۳۰۴۴. **گزینهٔ ۳** اوپانیشادها متون آیین هندو هستند نه متون ایرانی و زرتشتی. متون زرتشتی همان گاتاها هستند که در اصل، سروده‌های زرتشت محسوب می‌شوند.

۳۰۴۵. **گزینهٔ ۳** نخستین قطعه‌هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده‌اند، مربوط به یونان باستان هستند (رد گزینهٔ «۴»)؛ به همین دلیل، یونان را مهد تفکر فلسفی به حساب می‌آورند (رد گزینهٔ «۲»). در آنجا بود که دانش فلسفه شکل گرفت (رد گزینهٔ «۱») و تفسیر عقلانی جهان رواج یافت.

۳۰۴۶. **گزینهٔ ۴** از مهد تفکر فلسفی که همان یونان است، قطعاتی به دست ما رسیده که در آن‌ها جنبه‌های فلسفی غلبه داشته‌اند و تا حدی به زبان فلسفی نگاشته شده‌اند.

۳۰۴۷. **گزینهٔ ۳** تالس وقتی دید آب می‌تواند به بخار یا یخ تبدیل شود و وقتی دید پس از بارش باران، گیاهانی از زمین می‌رویند، به این نتیجه رسید که آب این قابلیت را دارد که به مواد مختلفی تبدیل شود. به همین دلیل، آن را عنصر اولیهٔ موجودات دانست.

۳۰۴۸. **گزینهٔ ۲** از نظر هراکلیتوس، وجود امری است که پیوسته در حال دگرگونی است و در هیچ لحظه‌ای ثبات ندارد، حتی در اضداد.

۳۰۴۹. **گزینهٔ ۴** هراکلیتوس می‌گوید: «برای انسان، خوب نیست که به هرچه میل دارد، به‌آسانی برسد. بیماری است که تندرستی را خوشایند می‌کند، بدی نیکی را، گرسنگی سیری را و خستگی آسایش را.» پس این عبارت که «قدر عافیت را کسی داند که به مصیبتی دچار شود»، به دیدگاه هراکلیتوس نزدیک است.

۳۰۵۰. **گزینهٔ ۱** پارمنیدس فلسفه‌اش را در قالب شعر و با بیانی شاعرانه عرضه کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: ملاقات سقراط و پارمنیدس در سال‌خوردگی پارمنیدس و جوانی سقراط اتفاق افتاده. سقراط از پارمنیدس جوان‌تر بود. / گزینه‌های «۳» و «۴»: این ویژگی‌ها توصیفات مخصوص فیثاغورس است.

۳۰۵۱. **گزینهٔ ۴** باید کمی به صورت سؤال دقت کنید. در درس‌های قبلی خواندیم که معنای اولیهٔ سوفیست، دانشمند بود؛ بنابراین این اندیشمندان در زمانهٔ خودشان سوفیست محسوب می‌شدند و این واژه هنوز معنای منفی نداشت؛ اما از عصر سقراط به بعد، چون سوفیست بار منفی داشت، به این اندیشمندان باید فیلسوف گفته می‌شد.

۳۰۵۲. **گزینهٔ ۴** ارسطو می‌گوید فیثاغورسیان خودشان را وقف ریاضیات کردند (نه فلسفه) و آن را پیشرفت دادند. دربارهٔ گرایش عرفانی آن‌ها هم چیزی نمی‌گوید.

۳۰۵۳. **گزینهٔ ۴** **بررسی گزینه‌ها:** گزینهٔ «۱»: آغاز تاریخی هیچ علمی مشخص نیست. / گزینهٔ «۲»: ما از وجود تفکرات فلسفی در تمدن‌های ابتدایی، «**شواهد تاریخی**» نداریم و فقط به این دلیل می‌گوییم که در تمدن‌های ابتدایی هم فلسفه وجود داشته که هرگاه انسان قدرت تفکر داشته باشد، به مسائل اصلی جهان و انسان نیز فکر می‌کند. / گزینهٔ «۳»: از قضا آغاز تاریخی جریان فلسفه در یونان مشخص است و آن تالس در قرن شش قبل از میلاد است؛ اما آغاز تاریخی خود فلسفه مشخص نیست. / گزینهٔ «۴»: بله، همین‌طور است؛ قطعاً در تمدن‌های ساده و اولیه نیز، پرسش‌هایی دربارهٔ هستی و انسان مطرح شده است.

۳۰۵۴. **گزینهٔ ۲** قطعاً در پشت پاسخ‌های فیلسوفان اولیه، هرچقدر هم که ساده و ابتدایی باشند، پیچیدگی‌ها و مفاهیمی نهفته است که وظیفهٔ پژوهشگر فلسفه، کشف آن‌هاست؛ بنابراین به‌جای ارزیابی علمی یا منطقی این جواب‌های ساده و ابتدایی، باید به خود پرسش و کشف مفاهیم نهفته در آن‌ها توجه کنیم.

۳۰۵۵. **گزینهٔ ۱** از نظر پارمنیدس، هستی ثابت است و از آن چیزی به‌وجود نمی‌آید و هر چیزی که هست، از ابتدا بوده.

۳۰۵۶. **گزینهٔ ۲** سوفیست‌ها معتقد بودند که امثال هراکلیتوس و پارمنیدس نتوانسته‌اند تفسیر درستی از جهان ارائه کنند و سخنانشان بیهوده است. آنان معتقد بودند که نمی‌شود به علم و دانش اعتماد کرد و آن‌ها بی‌اعتبارند. به همین دلیل، یادگیری سخنوری را تشویق می‌کردند. باید دقت کنیم که سوفیست‌ها نمی‌گفتند دستیابی به علم و دانش دشوار است؛ بلکه از اساس، آن را بی اعتبار می دانستند.

۳۰۵۷. **گزینهٔ ۱** پارمنیدس معتقد بود که جهان همواره ثابت و هراکلیتوس معتقد بود که جهان در تغییر دائمی است (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). هراکلیتوس به وحدت اضداد اعتقاد داشت و پارمنیدس مفاهیم «بودن» و «شدن» را در فلسفه به‌کار برد. لفظ تئوریا نیز نخستین‌بار توسط فیثاغورس به‌کار رفت (رد گزینهٔ «۳»). اعتقاد به اصول اعداد نیز دیدگاه فیثاغورس بود (رد گزینهٔ «۴»).

۳۰۵۸. **گزینهٔ ۳** تالس می‌خواست تغییرات و دگرگونی‌های عالم طبیعت را از نظر عقلانی تحلیل و تبیین کند. به همین دلیل، رفت سراغ آب! چون می‌دید که آب می‌تواند در شرایط متفاوت، بخار یا منجمد شود و توانایی تغییرات پیوسته را دارد.

۳۰۵۹. **گزینهٔ ۱** در این استدلال، پارمنیدس در واقع می‌گوید که هستی نه به وجود آمده و نه از بین می‌رود. پس نتیجه می‌گیریم که هستی همواره ثابت است و تغییر و حرکت در آن راه ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: این عبارت در اصل تکرار همان مقدمات است با یک بیان دیگر. / گزینهٔ «۳»: درست برعکس نتیجه‌ای است که باید گرفته

شود. / گزینهٔ «۴»: گرچه این عبارت درست است؛ اما ربطی به مقدمات پارمنیدس ندارد.

۳۰۶۰. **گزینهٔ ۱** فیثاغورس اصول اعداد را همان عنصر اولیهٔ موجودات می‌دانست.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: پارمنیدس به اهمیت دو مفهوم «بودن» و «شدن» پی برده بود؛ اما می‌گفت همهٔ موجودات هستی، صرفاً هستند و ثابت‌اند؛ بنابراین، «تغییر» و «شدن» ندارند. یعنی از نظر پارمنیدس، «شدن» ویژگی موجودات نیست. / گزینهٔ «۳»: هراکلیتوس به جنگ و ستیزهٔ دائمی موجودات اعتقاد داشت؛ اما نمی‌گفت آتش موجودات را به وجود می‌آورد و از بین می‌برد. / گزینهٔ «۴»: از تالس اثری به دست ما نرسیده است.

۳۰۶۱. **گزینهٔ ۲** از نظر فیثاغورس، جهان ساختاری ریاضی و هندسی دارد و مبادی اولیهٔ موجودات، همان اصول اعداد و اشکال هستند. اما این مسئله بدین معنی نیست که صرفاً با ریاضیات می‌شود جهان را شناخت (رد گزینهٔ «۱»). در ضمن، عناصر اولی موجودات سازندهٔ اعداد نیستند، بلکه اصول اعداد سازندهٔ موجودات جهان هستند (رد گزینه‌های «۳» و «۴»).

فلسفه — درس ۵

۳۰۶۲. **گزینهٔ ۳** سقراط هیچ کتابی ننوشت (رد گزینهٔ «۱»). به دروغ به او اتهام گمراه‌کردن جوانان را زده بودند (رد گزینهٔ «۲»). معتقد بود چیزی نمی‌داند و فقط نادانی دیگران را برملا می‌کند (رد گزینهٔ «۴»). او مبارزه با سوفسطائیان را رسالت و وظیفهٔ خود می‌دانست.

۳۰۶۳. **گزینهٔ ۱** دو اتهام سقراط در دادگاه عبارت بود از: ۱. عدم اعتقاد به خدایان ۲. گمراهی جوانان

۳۰۶۴. **گزینهٔ ۲** سقراط در دادگاه، خداوند را از طریق صفات و آثارش اثبات می‌کند.

۳۰۶۵. **گزینهٔ ۳** سوفسطائیان دستیابی به حقیقت و شناخت عالم هستی را ناممکن می‌دانستند، نه دشوار یا بی‌فایده.

۳۰۶۶. **گزینهٔ ۲** سروش معبد دلفی به کرفون، دوست سقراط گفته بود: داناترین مردم، سقراط است. باقی گزینه‌ها تفسیر سخن سروش معبد توسط سقراط یا ادعای سقراط هستند.

۳۰۶۷. **گزینهٔ ۱** سقراط می‌گفت اگر از فرمان الهی در انجام وظیفه‌اش سرپیچی می‌کرد، مستحق مجازات بود.

۳۰۶۸. **گزینهٔ ۴** سقراط مانند یک ماما عمل می‌کرد؛ یعنی خودش آبستن حقیقت نبود؛ اما به دیگران کمک می کرد تا به حقیقت برسند و آن را خودشان بازگو کنند.

۳۰۶۹. **گزینهٔ ۲** سقراط در گفت‌وگوهایش به مردم می‌آموخت که می‌شود از هر چیزی سؤال کرد و نباید هیچ‌چیز را بدیهی و درست در نظر گرفت.

۳۰۷۰. **گزینهٔ ۳** در دادگاه سقراط، کسی به سقراط اتهامی دربارهٔ سخن سروش معبد دلفی نزد؛ بلکه خودش از آن سخن گفت.

۳۰۷۱. **گزینهٔ ۳** جهل مرکب زمانی است که چیزی را نمی‌دانیم؛ اما فکر می‌کنیم که می‌دانیم؛ یعنی دانسته‌های ما اشتباه است. در اینجا، کسی که می‌گوید «می‌دانم که زوایای مثلث ۱۶۰ درجه است»، دچار جهل مرکب است؛ چون دانسته‌های او نادرست‌اند و خودش نمی‌داند.

۳۰۷۲. **گزینهٔ ۲** سوفسطائیان مدعی بودند که نمی‌شود به شناخت رسید. به همین دلیل، می‌گفتند «چیزی نمی‌دانیم».

۳۰۷۳. **گزینهٔ ۱** سقراط می‌گفت مردم فکر می‌کنند من وقتی نادانی کسی را برملا می‌کنم، خودم در آن مورد دانا هستم؛ درحالی‌که این‌گونه نیست.

۳۰۷۴. **گزینهٔ ۲** در درس قبل خواندید که فیلسوف حقیقی کسی است که حقیقت را بر هر چیزی در زندگی ترجیح دهد، مثل سقراط.

۳۰۷۵. **گزینهٔ ۲** سقراط می‌گفت راز سروش معبد دلفی این بود که بگوید کسی که به نادانی‌اش آگاه باشد، از کسانی که به نادانیشان آگاه نیستند، داناتر است. درست مثل سقراط که می‌دانست چیزهای زیادی را نمی‌داند.

۳۰۷۶. **گزینهٔ ۴** سقراط می‌گوید: «اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر باشد، ...»؛ پس او منکر وجود جهان پس از مرگ نبود و چنین احتمالی را می‌داد.

۳۰۷۷. **گزینهٔ ۲** سقراط به عالم ماوراءالطبیعه معتقد بود و می‌گفت قدرت و دانش فوق بشری وجود دارد (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). مرگ را نیز پایان زندگی نمی‌دانست (رد گزینهٔ «۳»)؛ اما خورشید و ماه را سنگ و خاک می‌دانست و می‌گفت اینها موجودات مادی و غیرالهی هستند.

۳۰۷۸. **گزینهٔ ۳** سیسرون دربارهٔ سقراط می‌گوید: «سقراط فلسفه را از آسمان به زمین آورد و آن را به خانه‌ها و شهرها برد. او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر بپردازد»؛ بنابراین سیسرون به جنبه‌های اخلاقی و عملی فلسفه در نظر سقراط تأکید می‌کند.

۳۰۷۹. **گزینهٔ ۴** سقراط نمی‌گفت انسان دانا نیست، بلکه می‌گفت دانای حقیقی و کامل فقط خداست.

۳۰۸۰. **گزینهٔ ۴** سقراط در دادگاه گفته بود «اگر چنین گناهی از من سر زند، سزاوار است دادگاهی تشکیل دهند و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد».

۳۰۸۱. **گزینهٔ ۳** از نظر سوفیست‌ها، علم و شناخت ساخته و پرداختهٔ ذهن انسان‌هاست (نه فقط فیلسوفان) و انسان هرگز به آن دست نمی‌یابد و هرچه را ما علم می‌نامیم، هیچ تطابقی با واقعیت ندارد.

تذکر: سوفیست‌ها می‌گفتند علم ما با واقعیت تطابق ندارد و به همین دلیل علم نیست؛ نه اینکه لازم نیست علم و شناخت با واقعیت مطابق باشد.

۳۰۸۲. **گزینهٔ ۲** از نظر سقراط، سروش معبد دلفی به این امر اشاره می‌کند که سقراط داناست؛ زیرا می‌داند که هیچ نمی‌داند.

۳۰۸۳. **گزینهٔ ۴** «نمی‌دانم» سوفسطائیان معنای «نمی‌توانم بدانم» دارد؛ زیرا آن‌ها می‌گفتند نمی‌شود چیزی را شناخت؛ اما در طرف دیگر، سقراط معتقد بود می‌شود به شناخت رسید؛ بنابراین «نمی‌دانم» سقراط به‌معنای می‌توانم بدانم است.

۳۰۸۴. **گزینهٔ ۳** **بررسی گزینه‌ها:** گزینهٔ «۱»: سقراط در دادگاه چیزی در این مورد نگفت. / گزینهٔ «۲»: این حرف را ملتوس بر زبان آورد و گرچه اعتقاد سقراط بود؛ اما در دادگاه در این‌باره چیزی نگفت. / گزینهٔ «۳»: سقراط دقیقاً این حرف را زد و ملتوس نیز ناچار به تأیید شد. / گزینهٔ «۴»: سقراط چنین نظری را به زبان نیاورد.

۳۰۸۵. **گزینهٔ ۴** سقراط می‌گفت: «جز این مقصودی ندارم که شما را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس ترجیح دهید و یادآوری کنم که ... از فضیلت است که ثروت و هرچه برای فرد و جامعه سودمند است، به‌دست می‌آید.»

۳۰۸۶. **گزینهٔ ۲** این سؤال کمی دشوار است.

بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: این گزینه نتیجهٔ نهایی سخن سقراط نبود؛ بلکه اعتقاد و باور او بود که مبنای تفسیرش از سخن سروش دلفی قرار گرفت. / گزینهٔ «۲»: از نظر سقراط، راز سخن سروش معبد این بود که نشان دهد مردم تا چه پایه نادان‌اند و اگر کسی به نادانی خود آگاه باشد، داناست؛ پس این گزینه نتیجهٔ تفسیر سقراط است. / گزینهٔ «۳»: سقراط اصلاً چنین نتیجه‌ای نگرفت. / گزینهٔ «۴»: باید خیلی دقت کنیم؛ سقراط می‌گوید سروش دلفی مرا به‌عنوان مثال ذکر کرده است؛ پس این جمله نتیجهٔ نهایی نیست.

۳۰۸۷. **گزینهٔ ۳** سقراط نمی‌گفت که نباید به‌دنبال ثروت بود یا ثروت برای فرد و جامعه سودی ندارد؛ بلکه می‌گفت انسان باید در پی کمال نفس باشد که همان فضیلت است و اگر فضیلت را به‌دست آوریم، حتی به ثروت و سود مادی نیز می‌رسیم.

تذکر: کمال نفس همان فضیلت است و دلیل نادرستی گزینهٔ «۴» نیز همین نکته است.

۳۰۸۸. **گزینهٔ ۱** گرچه پاسخ درست سؤال همین گزینه است؛ اما از متن کتاب درسی نمی‌توان به‌راحتی این نتیجه را گرفت. در واقع، چون از دفاعیات سقراط سایر گزینه‌ها را نمی‌توانیم نتیجه بگیریم، پاسخ این گزینه می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: قسمت اول گزینه درست است: اما دیگران هم ممکن است سخن درست بگویند. پس نمی‌توان از سخن سقراط چنین نتیجه‌ای گرفت. / گزینهٔ «۳»: استدلال سقراط برعکس است. او می‌گفت هرکس صفات خدا را قبول کند، باید او را هم بپذیرد. / گزینهٔ «۴»: سقراط می‌گوید کسی که از فرمان خدا سرپیچی کند سزاوار سرزنش است.

۳۰۸۹. **گزینهٔ ۳** درست است که سقراط می‌گفت دانای حقیقی فقط خداست؛ اما نمی‌گفت انسان‌ها بهره‌ای از دانایی ندارند. برعکس، او معتقد بود باید در پی دانایی باشیم.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: بله! سقراط هم در عمرش کوشید تا فرمان خدا را که برعهده‌اش نهاده بود عملی کند. / گزینهٔ «۲»: از نظر سقراط، معمولاً مدعیان دانایی بهره‌ای از دانایی ندارند. / گزینهٔ «۴»: او خود حاضر نشد به‌خاطر ترس از مرگ، کار درست را رها کند.

فلسفه — درس ۶

۳۰۹۰. **گزینهٔ ۳** پیشرفت علم دلیلی روشن است برای امکان شناخت و معرفت.

۳۰۹۱. **گزینهٔ ۲** معنای معرفت و امکان شناخت؛ یعنی شناخت جهان پیرامون، اموری بدیهی‌اند؛ اما محدودیت معرفت خیر.

۳۰۹۲. **گزینهٔ ۱** طرح سؤالات جدی دربارهٔ معرفت و وجود دیدگاه‌های مختلف در این‌باره باعث شده که امروزه، معرفت‌شناسی به بخشی مستقل در فلسفه تبدیل شود.

۳۰۹۳. **گزینهٔ ۲** دانش بشر به‌صورت تولید علم جدید و تصحیح دانش قبلی توسعه می‌یابد.

۳۰۹۴. **گزینهٔ ۳** شناخت مطابق با واقع یعنی واقعیتی که وجود دارد، خواه محسوس باشد و خواه نامحسوس، در ذهن انسان هم به‌عنوان شناخت و معرفت وجود داشته باشد. در این حالت، تصورات و تصدیق‌های ذهنی ما مطابق با واقعیت هستند.

تذکر: استدلال درست نوعی تفکر است که ما را به علم و حقیقت می‌رساند؛ اما خودش یک شناخت مطابق با واقعیت نیست.

۳۰۹۵. **گزینهٔ ۴** شکی نیست که ما انسان‌ها از خود و جهان پیرامونیمان شناختی داریم. گرچه ممکن است این شناخت در برخی موارد، نادرست و خطا باشد؛ اما در مورد سایر گزینه‌ها می‌توان تردید کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: این مسئله که آیا ما توانایی شناخت کل هستی را داریم یا نه، معلوم نیست و می‌توان در مورد هر دو طرف قضیه تردید داشت. / گزینهٔ «۲»: بسیاری از اندیشمندان معتقدند می‌توان امور نامحسوس را هم شناخت. / گزینهٔ «۳»: درست برعکس، خطاهای شناختی را می‌توان اصلاح کرد.

۳۰۹۶. **گزینهٔ ۳** شناخت انسان امری بدیهی، تدریجی و محدود است؛ اما کامل نیست.

۳۰۹۷. **گزینهٔ ۳** مبحث ارزش شناخت به این مسئله می‌پردازد که آیا شناخت انسان درست است یا خیر؛ بنابراین ارزش در اینجا به‌معنای درستی و نادرستی شناخت است، نه به معنای خوب و بد. از میان گزینه‌ها، تنها گزینهٔ «۳» است که از احتمال خطا در حواس می‌پرسد که مربوط می‌شود به درستی و نادرستی شناخت حسی.

۳۰۹۸. **گزینهٔ ۲** تدریجی‌بودن شناخت نشان می‌دهد که انسان با آموختن و یادگیری در مسیر شناخت قرار می‌گیرد.

۳۰۹۹. **گزینهٔ ۴** دانش بشر به دو صورت پیشرفت می‌کند: ۱. دستیابی به معلومات جدید ۲. پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آن‌ها.

۳۱۰۰. **گزینهٔ ۳** وقتی ما عملی را انجام می‌دهیم، ناشی از امکان و وجود شناخت در آدمی است؛ وگرنه ما نمی‌توانستیم قدم از قدم برداریم.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: شناخت و معرفت با فلسفه متفاوت است. استفاده از مایعات گرم در هنگام سرماخوردگی، کاربرد شناخت است نه کاربرد فلسفه. / گزینهٔ «۲»: دقت کنید که معرفت‌شناسی با معرفت و شناخت فرق دارد. امکان معرفت شناسی یعنی امکان وجود یک شاخه از فلسفه. / گزینهٔ «۴»: بدیهی بودن معنای شناخت ربطی به مصرف مایعات گرم در هنگام سرماخوردگی ندارد!

۳۱۰۱. **گزینهٔ ۲** بدیهی‌بودن امکان معرفت یعنی اینکه انسان به‌طور کلی می‌تواند خود و جهان اطرافش را بشناسد و کسی در این‌باره تردید ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: درستی تمامی شناخت‌های ما اولاً اصلاً بدیهی نیست و ثانیاً ربطی به بدیهی‌بودن امکان معرفت ندارد. / گزینهٔ «۳»: این گزینه بدیهی‌بودن معنای شناخت را مطرح می‌کند، نه بدیهی‌بودن امکان معرفت و شناخت را. / گزینهٔ «۴»: این گزینه به یکی از راه‌های پیشرفت دانش بشر اشاره می‌کند و بدیهی‌بودن امکان معرفت را توضیح نمی‌دهد.

۳۱۰۲. **گزینهٔ ۴** معرفت‌شناسی بخشی از فلسفه است که به خود پدیدهٔ شناخت می‌پردازد و ابعاد آن را بررسی می‌کند؛ یعنی ما در معرفت‌شناسی می‌خواهیم شناخت را بشناسیم.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: شناخت لزوماً با تفکر یکی نیست. / گزینهٔ «۲»: این گزینه تعریف حقیقت است، نه معرفت‌شناسی. / گزینهٔ «۳»: تعریف تفکر نقادانه است.

۳۱۰۳. **گزینهٔ ۳** در این سؤال باید به دو نکته توجه داشت: اول اینکه اثبات یک چیز به‌معنای شناخت آن است؛ پس اگر گوینده می‌گوید روح را نمی‌شود اثبات کرد، منظور این است که روح را نمی‌شود شناخت. نکتهٔ دوم اینکه شناختن یک چیز با اعتقاد به وجود یا عدم وجود آن یکی نیست. ممکن است چیزی را نشناسیم؛ اما به آن باور داشته باشیم. مثلاً خیلی‌ها به وجود خدا باور دارند؛ اما نمی‌توانند وجود او را نشان دهند یا اثبات کنند؛ بنابراین سخن گفتن از اثبات‌ناپذیری روح به‌معنای عدم اعتقاد به روح یا عالم غیرمادی نیست؛ بلکه به این معناست که شناخت انسان محدود است و توانایی بررسی بخش غیرمادی جهان را ندارد.

۳۱۰۴. **گزینهٔ ۱** وقتی کسی می‌گوید «هیچ‌چیز را نمی‌شود شناخت» پس دست‌کم به این شناخت رسیده که هیچ‌چیزی را نمی‌توان شناخت؛ یعنی حداقل یک شناخت به‌دست آورده است؛ بنابراین همین شناخت او، گفته‌اش را نقض کرده است. به همین دلیل، این عبارت خودمتناقض است. دقت کنید که سایر گزینه‌ها مسئلهٔ درستی را مطرح کرده‌اند؛ اما دلیل خودمتناقض بودن عبارت را توضیح نمی‌دهند.

۳۱۰۵. **گزینهٔ ۴** انسان گام‌به‌گام با پدیده‌های جهان آشنا می‌شود: تدریجی‌بودن شناخت و لزوم آموختن و یادگیری را نشان می‌دهد (درستی بخش اول همهٔ گزینه‌ها).

می‌توانیم به اموری برتر از حواسمان هم فکر کنیم: امکان شناخت جهان پیرامونمان را اثبات می‌کند (رد گزینه‌های «۲» و «۳»).

علم و دانش آدمی هرگز با واقعیت تطابق نمی‌یابد: همان نظر سوفسطائیان است که به شکاکیت مطلق و تردید در اصل امکان شناخت منجر می‌شود (رد گزینهٔ «۱»).

۳۱۰۶. **گزینهٔ ۳** شکاکیت مطلق، اصل امکان شناخت را رد می‌کند و می‌گوید انسان هیچ دانسته‌ای ندارد.

۳۱۰۷. **گزینهٔ ۴** ما می‌دانیم که انسان، به‌طور کلی شناختی از دنیای پیرامونش دارد؛ پس امکان شناخت را قبول داریم. از طرف دیگر، می‌دانیم که نوزاد تازه‌متولدشده هیچ شناختی ندارد؛ پس شناخت امری تدریجی است.

۳۱۰۸. **گزینهٔ ۴** اینکه ما درهرحال، شناختی داریم، نشان می‌دهد که امکان شناخت برای انسان وجود دارد.

۳۱۰۹. **گزینهٔ ۴** وقتی از این حرف می‌زنیم که چه چیزهایی را می‌شناسیم و چه چیزهایی را نمی‌شناسیم یا نمی‌توانیم بشناسیم، از حد و مرز و قلمرو شناخت حرف می‌زنیم.

۳۱۱۰. **گزینهٔ ۱** نکتهٔ مهم دربارهٔ این سؤال این است که اول به صورت سؤال توجه کنیم: صورت سؤال درواقع می‌گوید اگر کدام عبارت را بگوییم،

حرف متناقض زده‌ایم. عبارت اول می‌گوید «چیزی را که فهمیده‌ایم، نمی‌توانیم به دیگری منتقل کنیم». اما گوینده که خودش این مسئله را فهمیده، توانسته حرفش را به دیگری منتقل کند! یعنی فهمیده که «نمی‌توان فهمیده‌ها را به دیگری منتقل کرد» ولی همین مسئله را به ما منتقل کرده است. پس حرف او دارای تناقض است. اما سایر گزینه‌ها، حتی اگر صددرصد اشتباه باشند، با گفتنش به تناقض نمی‌رسیم.

۳۱۱۱. **گزینهٔ ۴** وقتی کسی می‌گوید «حقیقت غیرقابل شناخت است» درواقع معتقد دست کم یک حقیقت وجود دارد و آن اینکه «حقیقت غیرقابل شناخت است». پس این فرد خودش دچار تناقض هم شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: درست برعکس، با تمام گستردگی وسعت شناخت انسان، باز هم این شناخت محدود است. / گزینهٔ «۲»: امکان شناخت وقتی انکار می‌شود که توانایی شناخت انسان را در همهٔ امور منتفی بدانیم نه برخی امور. مثلاً ممکن است فردی بگوید امکان شناخت خدا محال است؛ اما او امکان شناخت به صورت مطلق را منکر نشده است. / گزینهٔ «۳»: خیر! بسیاری از یافته‌های گذشتگان همچنان دارای ارزش و اعتبار است.

فلسفه — درس ۷

۳۱۱۲. **گزینهٔ ۴** سه ابزار شناختی و معرفتی انسان عبارت‌اند از: حس، قلب و عقل. عاطفه جزء ابزارهای شناختی انسان نیست (رد گزینهٔ «۱») و تجربه نیز نوعی شناخت است، نه ابزار شناخت (رد گزینه‌های «۲» و «۳»).

۳۱۱۳. **گزینهٔ ۴** پایه و اساس زندگی انسان بر شناخت حسی بنا شده است.

۳۱۱۴. **گزینهٔ ۱** قلمرو شناخت عقلی هم امور محسوس است و هم امور غیرمحسوس.

۳۱۱۵. **گزینهٔ ۳** عقل برای کسب شناخت تجربی باید داده‌ها و یافته‌های حسی را تجزیه و تحلیل کند.

۳۱۱۶. **گزینهٔ ۳** طبیعیات، فیزیک و شیمی یافته‌های تجربی دارند، نه عقلی.

۳۱۱۷. **گزینهٔ ۲** برای کسب معرفت شهودی، سیروسلوک و تهذیب نفس امری ضروری است.

۳۱۱۸. **گزینهٔ ۲** درک تفاوت اشیا از طریق حس است؛ ولی بعد از درک تفاوت‌ها، این عقل انسان است که می‌گوید از هر شیئی چه استفاده‌ای می‌شود کرد.

۳۱۱۹. **گزینهٔ ۳** اینکه ما اندازهٔ خورشید را از فاصله‌ای بسیار دور، درست تشخیص نمی‌دهیم، نشان‌دهندهٔ احتمال خطا در حواس است؛ اما این خطا می‌تواند از طریق خود حواس انسان تصحیح شوند؛ بنابراین شناخت حسی همچنان اعتبار دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: شناخت حسی معتبر است؛ اما احتمال خطا نیز دارد. / گزینهٔ «۲»: درست برعکس، حس تنها در امور محسوس قابلیت کسب شناخت دارد، نه امور غیرمحسوس. / گزینهٔ «۴»: میان دو ابزار حس و عقل، اولویتی وجود ندارد و تنها حیطهٔ کاربرد آن‌ها متفاوت است.

۳۱۲۰. **گزینهٔ ۴** حیطهٔ شناخت عقلی تنها منحصر به امور غیرمادی نیست. در جهان طبیعت و شناخت تجربی نیز که در حیطهٔ امور محسوس و مادی قرار می‌گیرد، توسط عقل حاصل می‌شود.

۳۱۲۱. **گزینهٔ ۱** مبانی علوم تجربی، عقلی و غیرتجربی هستند.

۳۱۲۲. **گزینهٔ ۲** وقتی از ویژگی‌های خاص یک پدیده صحبت می‌کنیم، به اصل یکنواختی طبیعت اشاره کرده‌ایم؛ زیرا اگر اصل یکنواختی وجود نداشت، ویژگی‌های مواد می‌توانست دائم تغییر کند.

۳۱۲۳. **گزینهٔ ۲** اینکه هر پدیده‌ای می‌تواند علّت‌های متعدد و مختلفی داشته باشد، از قواعد علوم تجربی محسوب نمی‌شود. اصل سنخیت می‌گوید هر پدیده دارای علّت خاص خود است.

۳۱۲۴. **گزینهٔ ۱** از نظر ابن سینا، اصل علّیت پایه و اساس تجربه است و خودش از طریق شناخت عقلی به‌دست آمده است.

۳۱۲۵. **گزینهٔ ۳** درست است که حواس دچار خطا می‌شوند؛ اما پی‌بردن به اشتباه و تصحیح آن نیز از طریق حس انجام می‌شود.

۳۱۲۶. **گزینهٔ ۱** عقل می‌تواند با به‌کارگیری قواعد شناخت عقلی به دانستنی‌هایی همانند ذات و صفات خدا یا مباحث فلسفهٔ اولی و ریاضیات دست یابد.

۳۱۲۷. **گزینهٔ ۴** معرفت شهودی به‌صورت تدریجی و گام‌به‌گام برای سالک به‌دست می‌آید، نه به‌صورت دفعی.

۳۱۲۸. **گزینهٔ ۴** برای درک بهتر وحی و کشف حقایق بیشتر دربارهٔ آن باید قواعد تدبر و اندیشه‌ورزی را در مورد وحی رعایت کنیم.

تذکر: وظیفهٔ پیامبران، دریافت و انتقال وحی است، نه تفسیر آن.

۳۱۲۹. **گزینهٔ ۳** قانون جاذبه از طریق شناخت تجربی به‌دست می‌آید که حاصل همکاری حس و عقل است (رد گزینه‌های «۱» و «۲»). دیدن با چشم دل همان معرفت شهودی است که از طریق، تقویت ایمان، تعالی‌بخشی به نفس و تهذیب آن حاصل می‌شود (رد گزینهٔ «۴»). شناخت احساسات درونی آدمی نیز با تأمل در نفس که نوعی درون‌نگری است، به‌دست می‌آید (رد گزینه‌های «۱» و «۴»).

۳۱۳۰. **گزینهٔ ۱** علومی مانند ریاضیات، فلسفه و الهیات، علوم تعقلی محض محسوب می‌شوند و تنها با شناخت عقلی پیش می‌روند (رد گزینهٔ «۳»). علوم تجربی مانند فیزیک و شیمی، از طریق همکاری حس و عقل؛ یعنی شناخت تجربی حاصل می‌شوند (رد گزینهٔ «۲»). شناخت خداوند نیز هم می‌تواند از طریق شناخت عقلی محض و در قالب علم الهیات باشد و هم از طریق معرفت شهودی (رد گزینهٔ «۴»).

۳۱۳۱. **گزینهٔ ۴** شناخت تجربی نوعی شناخت کلی است. سایر موارد همگی شناخت حسی هستند نه تجربی.

۳۱۳۲. **گزینهٔ ۱** هر پدیده‌ای لزوماً علّت نیست و می‌تواند معلول باشد.

۳۱۳۳. **گزینهٔ ۲** اینکه هر پدیده‌ای علّتی دارد، از حس یا به واسطهٔ حواس به‌دست نمی‌آید، بلکه استدلال عقلانی محض آن را اثبات می‌کند؛ پس نوعی شناخت عقلی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: شناخت تجربی / گزینهٔ «۳»: شناخت درون‌نگرانه / گزینهٔ «۴»: شناخت تجربی.

۳۱۳۴. **گزینهٔ ۴** شناخت تجربی محصول همکاری مشترک حس و عقل است. سایر گزینه‌ها از قوای حسی استفاده نمی‌کنند.

۳۱۳۵. **گزینهٔ ۱** ببینید! در صورت سؤال دربارهٔ شناخت عقلی پرسیده نه عقل به‌عنوان یکی از ابزارهای شناخت. شناخت عقلی نوعی از شناخت است که در آن، عقل بدون استفاده از یافته‌های حسی و درون‌نگری، و صرفاً از طریق استدلال‌های عقلانی محض، به شناخت جدید می‌رسد. مانند ریاضیات. بنابراین چون این شناخت متکی بر استدلال است، بدون واسطه نیست.

۳۱۳۶. **گزینه‌های ۳ و ۴** این سؤال کنکور درواقع دو جواب دارد! سازمان سنجش هم همین مسئله را اعلام کرده است. چون ابزارهای شناخت و هر کدام دارای ارزش متفاوتی هستند و وقتی ما از ابزارهای شناخت صحبت می‌کنیم (مثلا شناخت حسی یا عقلی)، از ارزش و اعتبار این ابزارها برای شناخت حرف زده‌ایم.

۳۱۳۷. **گزینهٔ ۳** شناخت حسی آنقدر برای انسان ارزشمند است که بر اساس آن از اشیای طبیعی بهره می‌برد و نیازهایش را برطرف می‌سازد. دقت کنید که دلیل نادرستی گزینهٔ «۴» این است که گفته «تنها» به‌وسیلهٔ آن می‌توانیم تفاوت چیزها را درک کنیم؛ درحالی‌که با استفاده از عقل هم می‌توان تفاوت امور غیرمحسوس را شناخت.

فلسفه — درس ۸

۳۱۳۸. **گزینهٔ ۲** بیشتر فیلسوفان پیش از سقراط، تنها به شناخت حسی توجه داشتند، نه شناخت عقلی. در این میان، هراکلیتوس و پارمنیدس مستثنی بودند؛ زیرا به عقل توجه داشتند.

۳۱۳۹. **گزینهٔ ۳** سوفسطائیان نه برای حس اعتباری قائل بودند و نه عقل.

۳۱۴۰. **گزینهٔ ۱** افلاطون معتقد بود که عالم مثل را هم با شهود می‌توان درک کرد و هم با عقل.

۳۱۴۱. **گزینهٔ ۴** افلاطون هم حس و عقل را ابزار معرفت می‌دانست و هم به شهود قلبی باور داشت و می‌گفت سقراط از این ابزار معرفتی بهره‌مند بوده است.

۳۱۴۲. **گزینهٔ ۴** ابن سینا با اینکه در فلسفه‌اش از معرفت شهودی استفاده نمی‌کند، در آثارش آن را به‌طور دقیق توضیح داده است.

۳۱۴۳. **گزینهٔ ۱** از نظر سهروردی، عارف ناقص فاقد نیروی تفکر و تحلیل عقلی است؛ اما به‌هرحال، این عارف توانسته با شهود قلبی حقایق بسیاری را ببیند.

۳۱۴۴. **گزینهٔ ۲** فیلسوفان مسلمان در دورهٔ معاصر، مانند ملاصدرا از همهٔ ابزارهای معرفتی بشر استفاده می‌کنند.

۳۱۴۵. **گزینهٔ ۲** در قرون وسطی، سیاست، فرهنگ و فلسفه تحت حاکمیت کلیسا قرار داشتند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: در قرون وسطی اصلاً به نقش تجربه در شناخت و معرفت توجهی نمی‌شد. / گزینهٔ «۳»: فرانسیس بیکن فیلسوف عصر جدید است، نه قرون وسطی. / گزینهٔ «۴»: این پرسش مربوط به دورهٔ جدید است، نه قرون وسطی.

۳۱۴۶. **گزینهٔ ۲** نزاع اصلی در معرفت‌شناسی عصر جدید این بود که اساساً چه ابزاری توانایی ارائهٔ شناخت معتبر دارد؟ عقل یا حس؟ حال فیلسوفان براساس ابزاری که برای شناخت معتبر می‌دانستند، حیطهٔ شناختی انسان را معین می‌کردند؛ مثلاً می‌گفتند که آیا انسان می‌تواند امور غیرمحسوس و غیرمادی را هم بشناسد یا خیر.

۳۱۴۷. **گزینهٔ ۱** خیلی دقت کنید! اینکه کسی شناخت عقلی را معتبر بداند، موجب رد یا تأیید وجود حرکت در جهان نمی‌شود؛ بلکه تأیید حس موجب تأیید حرکت و انکار حس، موجب انکار حرکت در عالم می‌شود (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). هراکلیتوس حس را تأیید کرده بود و به همین دلیل به وجود حرکت و دگرگونی در عالم باور داشت.

۳۱۴۸. **گزینهٔ ۴** هراکلیتوس شناخت حسی را معتبر می‌دانست و معتقد بود حرکت در عالم توسط شناخت حسی اثبات می‌شود.

۳۱۴۹. **گزینهٔ ۲** مهم‌ترین دستاورد ارسطو برای رسیدن به شناخت معتبر تدوین دانش منطق است.

۳۱۵۰. **گزینهٔ ۱** **بررسی گزینه‌ها:** گزینهٔ «۱»: بله پروتاگوراس حقیقت را چیزی می‌داند که به نظر هرکس می‌رسد و آن را برای همان فرد حقیقت می‌داند. / گزینهٔ «۲»: پروتاگوراس به مطابقت ادراک فرد با واقعیت اعتقادی نداشت؛ پس شیء لزوماً آن‌گونه که در واقعیت هست، به نظر من نمی‌رسد. / گزینهٔ «۳»: این گزینه نیز اعتقاد او نیست؛ زیرا معتقد است ما اصلاً نمی‌دانیم واقعیت و حقیقت شیء چیست تا بگوییم دقیقاً به همان نحو واقعی به نظر من می‌رسد یا نمی‌رسد. / گزینهٔ «۴»: این گزینه تعریف درست حقیقت و شناخت است که پروتاگوراس به آن باور نداشت.

۳۱۵۱. **گزینهٔ ۴** افلاطون عالم هستی را به معقول و محسوس تقسیم می‌کرد؛ پس در نظر او، هستی دارای مراتب است.

۳۱۵۲. **گزینهٔ ۱** هم افلاطون و هم پارمنیدس معتقد بودند که تنها با عقل می‌توان ثبات عالم را نشان داد. به همین دلیل، افلاطون عالم مثل را عالم ثبات و پایداری می‌دانست؛ اما افلاطون از یک نظر با پارمنیدس اختلاف‌نظر داشت و آن اینکه برای ادراک حسی نیز اعتبار قائل بود و می‌گفت جهان محسوسات را با حس می‌توان شناخت و دقیقاً در همین عالم محسوس است که تغییر و دگرگونی رخ می‌دهد؛ ولی پارمنیدس چون برای حس اعتباری قائل نبود، می‌گفت کل هستی ثابت است.

۳۱۵۳. **گزینهٔ ۱** افلاطون معتقد بود شناخت حسی تنها می‌تواند در عالم محسوسات به شناخت برسد و این در نظر او یعنی پایین‌ترین مرتبهٔ شناخت. با این حال، هیچ‌گاه منکر اعتبار کلی شناخت حسی نبود (رد گزینهٔ «۲»). از طرف دیگر، او نمی‌گفت حواس تنها به کمک عقل به شناخت می‌رسند (رد گزینهٔ «۳»). درضمن، همهٔ فیلسوفان باستان معتقد بودند ما به‌وسیلهٔ حواس است که حرکت را درمی‌یابیم (رد گزینهٔ «۴»).

۳۱۵۴. **گزینهٔ ۲** تاریخ معرفت‌شناسی در یونان باستان به ما نشان می‌دهد که وجود حرکت و تغییر در عالم به‌وسیلهٔ حواس انسان درک می‌شود و اگر کسی مانند پارمنیدس اعتبار حواس را انکار کند، ناگزیر می‌شود وجود حرکت در جهان را نیز نفی کند.

۳۱۵۵. **گزینهٔ ۳** سوفیست‌ها می‌گفتند برای شناخت واقعیت چیزی جز حواس در اختیار نداریم؛ اما همین حواس نیز نمی‌توانند گزارشی از واقعیت به دست ما دهند؛ پس شناخت حسی نیز معتبر نیست.

۳۱۵۶. **گزینهٔ ۳** در نظر پروتاگوراس، حقیقت در نظر افراد مختلف می‌تواند متفاوت باشد؛ زیرا حقیقت هر چیزی است که حواس هر فرد برای او گواهی دهد، نه اینکه همه بدان گواهی دهند.

۳۱۵۷. **گزینهٔ ۴** تنها پارمنیدس بود که شناخت را منحصراً توسط عقل ممکن می دانست (رد گزینهٔ «۲»). افلاطون، ارسطو و هراکلیتوس، هم عقل را معتبر می‌دانستند و هم حس را (رد گزینهٔ «۳»). تنها افلاطون به شهود قلبی باور داشت (رد گزینهٔ «۳»). پروتاگوراس نیز کسی بود که شناخت حسی را فقط برای خود فرد احساس‌کننده معتبر می‌دانست (رد گزینهٔ «۱»).

۳۱۵۸. **گزینهٔ ۴** گرچه فارابی همهٔ ابزارهای معرفتی بشر را معتبر می‌دانست؛ ولی وحی و شهود را در فلسفه‌اش وارد نکرده بود.

۳۱۵۹. **گزینهٔ ۴** از نظر شیخ اشراق، فیلسوفی که به شهود بی‌توجه باشد و نتوانسته باشد اسرار الهی را بی‌واسطه تجربه کند، فیلسوفی ناقص و کم‌قدر است.

۳۱۶۰. **گزینهٔ ۱** سهروردی نظام فلسفی خویش را بر الهامات شهودی بنا کرده بود، نه معارف وحیانی (رد گزینهٔ «۲») و معتقد بود فیلسوف حقیقی باید اهل سیروسلوک قلبی نیز باشد. از نظر او، راه و روش اصیل و فلسفی برای کشف اسرار الهی، همراه‌شدن سیروسلوک قلبی و معرفت شهودی با شناخت و استدلال عقلی است (رد گزینه‌های «۳» و «۴»).

۳۱۶۱. **گزینهٔ ۱** سهروردی نخستین فیلسوف مسلمانی بود که در فلسفه‌اش از معرفت شهودی بهره برده است. از این نظر، ملاصدرا ادامه‌دهنده و تکمیل‌کنندهٔ مسیر او بوده است.

۳۱۶۲. **گزینهٔ ۱** در نظر ملاصدرا احکام فلسفه باید با احکام دین و وحی سازگار باشد و علامه طباطبایی نیز در این زمینه پیرو ملاصدرا بود (رد گزینهٔ «۳»). سهروردی یا همان شیخ اشراق نیز معتقد بود فیلسوف حقیقی هم اهل سیروسلوک قلبی است و هم اهل استدلال عقلی (رد گزینهٔ «۲»). فارابی و ابن سینا نیز با وجود تأیید معرفت شهودی به‌عنوان نوعی شناخت از ورود آن به فلسفه پرهیز می‌کردند (رد گزینهٔ «۴»).

۳۱۶۳. **گزینهٔ ۴** فرانسیس بیکن، جان لاک و اوگوست کنت هر سه نفر تجربه‌گرا بودند و گزاره‌ها و قواعد عقلانی محض را معتبر نمی‌دانستند.

۳۱۶۴. **گزینهٔ ۱** رویکرد تجربه‌گرایانه در غرب موجب پیشرفت علوم تجربی شد، نه عدم پیشرفت آن‌ها.

۳۱۶۵. **گزینهٔ ۲** دکارت عقل‌گرا بود و می‌گفت عقل انسان ذاتاً معرفت‌هایی دارد که از تجربه به‌دست نیامده‌اند؛ اما این حرف به معنای نفی شناخت تجربی نبود (رد گزینهٔ «۴»)؛ بلکه او علاوه بر شناخت تجربی، شناخت عقلانی محض را نیز معتبر می‌دانست (رد گزینه‌های «۱» و «۳»).

۳۱۶۶. **گزینهٔ ۴** وقتی می‌گوییم در فلسفهٔ جدید غرب، رویکرد تجربه‌گرایانه غلبه دارد؛ پس بیکن بیشتر از سایر گزینه‌ها در میان فیلسوفان غربی نفوذ دارد.

۳۱۶۷. **گزینهٔ ۲** از نظر کانت، چیزی که شناسایی شده باشد، قطعاً از طریق داده‌های حسی به ما رسیده است. زیرا شناخت همان تجربه است و تجربه عبارت است از دریافت داده‌های حسی توسط عقل و ارائهٔ آن در قالب چارچوب‌های ذهن.

۳۱۶۸. **گزینهٔ ۲** کنت می‌گوید اگر چیزی تجربه‌پذیر نباشد، اساساً معنایی ندارد؛ پس میان تجربه‌پذیری و معناداری پیوند برقرار می‌کند.

۳۱۶۹. **گزینهٔ ۲** از نظر پوزیتیویست‌ها، اگر امری قابل بررسی تجربی نباشد، معنا ندارد و اگر با تجربه اثبات نشود، ارزش معرفتی ندارد.

۳۱۷۰. **گزینهٔ ۴** عدم اعتبار شناخت عقلی و عدم اعتبار گزاره‌های عقلی اولاً میان تمامی تجربه‌گراها پذیرفته است و ثانیاً به‌خودی خود موجب نسبی‌گرایی نمی‌شود. آنچه موجب می‌شود تا برخی فیلسوف‌ها نسبی‌گرا باشند، ناشی از این است که بپذیریم، حتی شناخت تجربی که قرار است امری کلی و مطلق باشد، بسته به ویژگی‌های فردی افراد، میان آن‌ها متفاوت باشد.

۳۱۷۱. **گزینهٔ ۲** از قضا در قرن بیستم، برخی فیلسوفان مانند هانری برگسون و ویلیام جیمز به بعد معنوی و شهود نیز توجه دارند. در عین اینکه هر دو تجربه‌گرا نیز هستند.

۳۱۷۲. **گزینهٔ ۴** هر دو فیلسوف تجربه‌گرا هستند؛ پس در گزینه‌های «۱» تا «۳» اختلاف‌نظری ندارند؛ اما این عقیده که گزاره‌ها و مفاهیم غیرتجربی بی‌معنایند، نظر خاص کنت است و بیکن چنین عقیده‌ای نداشته است.

۳۱۷۳. **گزینهٔ ۴** هر دو فیلسوف برای شهود قلبی ارزش و اعتبار قائل‌اند؛ ولی سهروردی تلاش می‌کند از معرفت شهودی در فلسفه‌اش بهره گیرد و فلسفه‌ای شهودی بنا کند؛ درست برخلاف ابن‌سینا.

۳۱۷۴. **گزینهٔ ۲** صورت سؤال کمی مبهم است. در واقع، گزینهٔ «۱» هم نقض نظریهٔ پوزیتیویست‌هاست؛ اما منظور طراح کنکور احتمالاً این است که کدام عبارتی که درست است، نظریهٔ پوزیتیویست‌ها را نقض می‌کند.
پوزیتیویست‌ها معتقد بودند تنها، چیزی که از نظر تجربی و علمی اثبات شود، ارزشمند است و درست تلقی می‌شود. حال چون می‌دانیم که در طول تاریخ، نظریه‌های علمی هم تغییر کرده‌اند، می‌توانیم بگوییم که دیدگاه پوزیتیویست‌ها نقض شده است.

۳۱۷۵. **گزینهٔ ۱** حتماً به صورت سؤال دقت کنید. قرار است عبارتی را بیابیم که نارسایی و کاستی‌های پوزیتیویسم را نشان می‌دهد. یکی از نارسایی‌های پوزیتیویسم هم این است که چون مدعی است فقط حیطه‌هایی که با علوم تجربی بررسی می‌شوند، معنادارند، نمی‌تواند از بسیاری حیطه‌ها و اموری که در زمینهٔ علوم نمی‌گنجند (مثل دین و اخلاق)، حرفی بزند.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: درست برعکس، بسیاری از نتایج علوم تجربی، باورهای سودمند هستند. / گزینهٔ «۳»: این دقیقاً دیدگاه پوزیتیویسم است نه نارسایی آن. / گزینهٔ «۴»: این مسئله نسبی‌گرایی است و خودش دارای نارسایی‌های فراوان است.

۳۱۷۶. **گزینهٔ ۳** دکارت معتقد بود عقل انسان، به‌طور ذاتی دارای معرفت‌هایی فطری است مثل معرفت به علّیت یا نفس یا خدا. این امور نیازی به اثبات تجربی یا استدلال عقلی ندارند.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: در نظر دکارت، درک نفس مجرد بدون استدلال عقلی درک می‌شود؛ زیرا جزء معرفت‌های ذاتی ماست. / گزینهٔ «۲»: دکارت نمی‌گفت مفهوم علّیت و خدا جزء ساختار ذهن است، بلکه می‌گفت این‌ها معرفت‌های ذاتی هستند. / گزینهٔ «۴»: شهودی یعنی قلبی؛ اما دکارت معتقد بود معرفت‌های ذاتی، معارف عقلی هستند.

۳۱۷۷. **گزینهٔ ۳** این گزینه دقیقاً و به‌درستی حرف کانت را نقل می کند. کانت معتقد بود که مفهوم علّیت جزء ساختار ادراکی ماست و در بیرون از ذهن وجود ندارد. یعنی آنچه توسط حس و ادراک حسی به ذهن ما منتقل می‌شود، درون قالب و چارچوب مفاهیمی مثل زمان، مکان و علّیت درک می‌شود.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: کانت نمی‌گوید شناخت ذاتی نداریم. / گزینهٔ «۲»: برعکس، می‌گوید علّیت جزء ساختار ادراکی ماست و فقط آن را در ذهن داریم و با آن دنیا را می‌فهمیم؛ اما نمی‌توانیم آن را اثبات عقلی کنیم. / گزینهٔ «۴»: علّیت، مکان و زمان در نظر کانت به‌دست‌آوردنی نیستند بلکه از پیش در ذهن ما هستند.

فلسفه — درس ۹

۳۱۷۸. **گزینهٔ ۴** خودشناسی یا به معنای شناخت ویژگی‌های فرد از خودش است (رد گزینه‌های «۲» و «۳») یا به معنای شناخت چیستی و ماهیت انسان (رد گزینهٔ «۱»).

۳۱۷۹. **گزینهٔ ۱** افلاطون می‌گوید مراقبت از نفس باید وظیفهٔ هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.

۳۱۸۰. **گزینهٔ ۱** از نظر دکارت، انسان همان «من» است که می‌اندیشد و غیرمادی است.

۳۱۸۱. **گزینهٔ ۲** نظریهٔ داروین دربارهٔ پیدایش انسان است از حیوان، نه پیدایش جهان (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). او در این نظریه دربارهٔ تحول تدریجی موجودات زنده بحث می‌کند (رد گزینه‌های «۱» و «۴»).

۳۱۸۲. **گزینهٔ ۲** اینکه توانایی مغز انسان چقدر است، در حوزهٔ علوم تجربی پاسخ داده می‌شود.

۳۱۸۳. **گزینهٔ ۲** اصطلاح «خودشناسی» تنها در حیطهٔ اخلاق و تربیت کاربرد ندارد؛ بلکه گاهی به‌معنای انسان‌شناسی به‌کار می‌رود و در این معنا، یکی از شاخه‌های فلسفهٔ مضاف است.

۳۱۸۴. **گزینهٔ ۳** افلاطون می‌گوید: «تنها موجودی که به‌طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این موجود چیزی نامرئی است.»

۳۱۸۵. **گزینهٔ ۴** از نظر ارسطو، نفس عامل حیات است و اگر بدن انسان با نفس همراه نباشد، یک موجود مُرده است و درواقع به جسمی بی‌جان تبدیل خواهد شد.

۳۱۸۶. **گزینهٔ ۴** ارسطو همانند افلاطون معتقد است که انسان دارای دو ساحت مادی (بدن) و غیرمادی (نفس) است. او نفس را عامل حیات و دارای توانایی تفکر و تعقل می‌داند که در بدو تولد حالت بالقوه دارد.

۳۱۸۷. **گزینهٔ ۲** در انسان‌شناسی دکارتی، نفس و بدن کاملاً از هم متمایزند؛ اما با این‌حال با یکدیگر رابطه دارند و نفس از بدن استفاده می‌کند. البته هرکدام از این دو، تابع قوانین مربوط به حیطه‌های خودشان هستند، نه قوانین حیطه‌های دیگری؛ یعنی نفس از قوانین مادی آزاد است و بدن در حیطهٔ قوانین مادی و فیزیکی گرفتار است.

۳۱۸۸. **گزینهٔ ۱** کانت معتقد است بدن انسان امری صرفاً مادی است و چنین موجودی نمی‌تواند دارای اراده و اختیار باشد؛ بلکه نفس است که اراده و اختیار دارد.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: این کتاب متعلق به دکارت است، نه کانت. / گزینهٔ «۳»: کانت انسان را صرفاً غیرمادی تفسیر نمی‌کند. / گزینهٔ «۴»: این دیدگاه متعلق به ماتریالیست‌ها است.

۳۱۸۹. **گزینهٔ ۳** ماتریالیست‌ها کل عالم هستی را مادی و تک‌ساحتی می‌دانند و به وجود نفس مجرد از ماده اعتقادی ندارند. به همین دلیل، ذهن و روان انسان را نیز، مجموعه‌ای از سلول‌های مغز و اعصاب می‌دانند.

۳۱۹۰. **گزینهٔ ۱** مارکس و هابز ماتریالیست هستند و بنابراین معتقدند که انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن؛ به عبارت دیگر، انسان دارای نفس غیرمادی نیست و آنچه اخلاق و فضیلت می‌دانیم، تنها ناشی از ضرورت‌های زیست انسان‌اند.

۳۱۹۱. **گزینهٔ ۲** نظریهٔ داروین می‌گوید که انسان نتیجهٔ سیر تحول تدریجی سایر حیوانات است و حیواناتِ پیچیده‌تر از حیوانات ساده‌تر به‌وجود آمده‌اند. سایر ادعاها چیزی بیش از نظریهٔ خود داروین است.

۳۱۹۲. **گزینهٔ ۱** کانت برای اثبات وجود نفس غیرمادی در انسان، از این پیش‌فرض شروع می‌کند که انسان ذاتاً موجودی اخلاقی و دارای وجدان اخلاقی است. سپس می‌گوید اخلاقی‌بودن بدون وجود اراده و اختیار معنا ندارد و اراده و اختیار بدون وجود نفس غیرمادی امکان ندارد.

۳۱۹۳. **گزینهٔ ۴** در اینجا پروانه سعی کرده است ماهیت و حقیقت انسان را تعریف کند. حالا چرا می‌گوید برخلاف ارسطو؟ چون ارسطو حقیقت انسان را ناطق بودن دانسته بود ولی پروانه حقیقت انسان را موجود اخلاقی بودن می‌داند.

۳۱۹۴. **گزینهٔ ۲** داروینیست‌ها و ماتریالیست‌ها اصلاً به وجود روح و بُعد غیرمادی برای انسان قائل نیستند؛ بنابراین مسئلهٔ تأثیر متقابل روح و بدن نیز برایشان معنا ندارد (رد گزینه‌های «۳» و «۴»). ملاصدرا نیز به‌خوبی رابطه و

تأثیر متقابل روح و بدن بر یکدیگر را تشریح کرده است. اما دکارت از یک طرف می‌گوید روح و بدن کاملاً از هم مجزا هستند و ویژگی‌های متفاوت دارند و از طرف دیگر می‌گوید این دو با هم رابطه دارند. درواقع چون دکارت روح و بدن را کاملاً از هم جدا می‌داند، نمی‌تواند رابطهٔ این دو با هم را تشریح کند.

فلسفه — درس ۱۰

۳۱۹۵. **گزینهٔ ۴** فیلسوفان مسلمان از آنچه از افلاطون و ارسطو به دستشان رسیده بود، استفاده کردند. سقراط نوشته‌ای نداشت و فارابی و ابن سینا خودشان فیلسوف مسلمان بودند. درضمن، فیلسوفان از عرفان الهام نمی‌گرفتند؛ بلکه از دین و آموزه‌های دینی الهام می‌گرفتند؛ اما برخی از فیلسوفان خودشان عارف بودند.

۳۱۹۶. **گزینهٔ ۳** ابن‌سینا تحت‌تأثیر دیدگاه ارسطو نسبت به انسان قرار داشت و نظر ارسطو را با عمق بیشتری تبیین کرد.

۳۱۹۷. **گزینهٔ ۴** هم ارسطو و هم ابن سینا معتقدند که انسان و حیوان در برخی ویژگی‌های غریزی با هم یکسان هستند.

تذکر: جنس انسان و حیوان یکی؛ ولی هر حیوانی دارای فصل مخصوص به خود است.

۳۱۹۸. **گزینهٔ ۱** سهروردی در فلسفه‌اش به‌جای مفهوم وجود یا هستی از اصطلاح «نور» استفاده می‌کند.

۳۱۹۹. **گزینهٔ ۳** «نورالانوار» در فلسفهٔ سهروردی درواقع، همان خداوند یا نور محض است که تمامی مراتب هستی، نور هستی خود را از او دریافت کرده‌اند.

۳۲۰۰. **گزینهٔ ۱** درست است که در تفکر اسلامی بدن و جسم در مقایسه با نفس ارزش کمتری دارد و در برخی موارد هم به قفس انسان و روح انسانی تشبیه شده است؛ اما هرگز به‌عنوان یک ماشین خودکار در نظر گرفته نشده و این دیدگاه مربوط به دکارت، فیلسوف دورهٔ جدید در اروپاست.

۳۲۰۱. **گزینهٔ ۴** در تمثیل انسان معلق، ابن سینا می‌خواهد نشان دهد که انسان حتی اگر شناخت حسی نسبت به بدنش نداشته باشد، با شناخت و تفکر عقلانی محض، از «خود» یک درک بی‌واسطه خواهد داشت.

۳۲۰۲. **گزینهٔ ۴** از نظر ابن سینا، نفس دارای خود آگاهی است. در یک مرحله از رشد جنینی به بدن اضافه می‌شود و ماهیت مشخصی دارد؛ اما این نفس نامتناهی و نامعین نیست.

۳۲۰۳. **گزینهٔ ۳** سهروردی از هستی و وجود به «نور» تعبیر می‌کرد و معتقد بود که عالم هستی «مراتب نور» است؛ یعنی هستی دارای مراتب است ومراتب بالاتر مانند نور، نوری قوی‌تر و مراتب پایین‌تر هستی، مانند نورهای ضعیف‌ترند.

۳۲۰۴. **گزینهٔ ۱** سهروردی خداوند را نور کامل، نور محض و یا همان نورالانوار می‌نامید که مشرق عالم محسوب می‌شود. در سوی دیگر، مغرب عالم نور ناقص است.

۳۲۰۵. **گزینهٔ ۴** در دیدگاه حکمت متعالیه، روح انسان آخرین درجهٔ تکاملی موجودات زنده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: در حکمت متعالیه، ذهن از بدن جدا نیست و این دو وحدت حقیقی دارند. / گزینهٔ «۲»: روح بخشی از ذهن نیست؛ بلکه ذهن بخشی از روح است. / گزینهٔ «۳»: بدن ظاهر روح و روح باطن جسم است؛ درحالی‌که در این گزینه برعکس بیان شده.

۳۲۰۶. **گزینهٔ ۲** از نظر ملاصدرا، نفس انسان ظرفیت دستیابی به تمامی کمالات را دارد و از سوی دیگر، انسان نیز دارای اراده و اختیار است. حال انتخاب آدمی است که می‌تواند او را به کمالات خویش برساند یا در جهت مخالف آن گام بردارد.

۳۲۰۷. **گزینهٔ ۴** هر سه فیلسوف بزرگ عالم اسلام، نفس را امری مجرد از ماده می‌دانند که از مبداء هستی دور افتاده و در شوق بازگشت به اصل خویش به سر می‌برد.

۳۲۰۸. **گزینهٔ ۱** در نظر ملاصدرا، روح انسان دارای مراحل تکاملی مختلفی است و این تکامل می‌تواند تا بی‌نهایت ادامه یابد؛ اما تلاش خود انسان است که می‌تواند نفس او را به مراحل والای جهان هستی برساند و ضرورتاً هر نفسی این مراحل را طی نمی‌کند. درضمن، روح نتیجهٔ رشد و تکامل بدن است نه بالعکس.

۳۲۰۹. **گزینهٔ ۴** براساس نظر ملاصدرا، روح و جسم در اصل یک چیزند و روح چیزی ضمیمه‌شده به بدن نیست که مثلاً روح درون جسم قرار گرفته باشد (رد گزینهٔ «۱»). در واقع، از نظر او، روح نتیجهٔ رشد و تکامل خود بدن است. این روح دارای مراتب تکاملی بی‌نهایت است و از مرحلهٔ مادی و طبیعت نیز می‌تواند فراتر رود (رد گزینهٔ «۳») و حتی به خدا برسد؛ اما طی کردن این مسیر تکاملی ضروری نیست و به ارادهٔ انسان بازمی‌گردد که آیا می‌خواهد این مسیر را طی کند یا خیر (رد گزینهٔ «۲»).

۳۲۱۰. **گزینهٔ ۲** هم ابن‌سینا و هم ملاصدرا انسان را متشکل از نفس و بدن می‌دانند؛ یعنی معتقدند که انسان حقیقتی دوبُعدی دارد (رد گزینهٔ «۱») و این دو بر هم تأثیر می‌گذارند. به طوری که هر اتفاقی برای جسم بیفتد، روح خبردار می‌شود (رد گزینهٔ «۴»). در ضمن، هر دو فیلسوف روح یا نفس را موجودی مجرد از ماده در نظر می‌گیرند (رد گزینهٔ «۲»). تفاوتشان در این است که ملاصدرا ظرفیت‌های روح انسانی را بی‌نهایت می‌داند؛ اما دیدگاه ابن‌سینا این‌گونه نیست.

۳۲۱۱. **گزینهٔ ۳** گزینه‌های «۱» و «۲» با دیدگاه هیچ‌کدام از این دو فیلسوف سازگار نیست. ابن سینا و ملاصدرا معتقدند که انسان دارای روح و نفس است و این دو بر هم تأثیرات متقابل دارند. یعنی اگر مشکلی برای هر یک از روح یا جسم پدید آید، بر دیگری تأثیر می‌گذارد. تفاوت این دو فیلسوف این است که ابن‌سینا به‌نوعی روح را گرفتار در بدن در نظر می‌گیرد؛ اما ملاصدرا این دو را دو جنبهٔ متفاوت یک چیز واحد می‌داند. به همین دلیل هم هست که ملاصدرا می‌گوید روح باطن بدن است و بدن ظاهر روح.

فلسفه — درس ۱۱

۳۲۱۲. **گزینهٔ ۴** خیانت‌کردن اصلاً کاری طبیعی نیست که انسان برای رفع نیازهای عادی خود انجام دهد. علاوه بر این، انسان از خیانت‌کردن انتظار سرزنش‌شدن هم دارد؛ بنابراین این فعل یک فعل اخلاقی بد است.

۳۲۱۳. **گزینهٔ ۱** افلاطون معتقد بود که فعل اخلاقی با سعادت و نیکبختی حقیقی انسان‌ها ارتباط دارد.

۳۲۱۴. **گزینهٔ ۳** هابز معتقد است فعل اخلاقی خوب، ارزش حقیقی ندارد و فضیلت نیست؛ بلکه قرارداد و ناشی از ضرورت زیست اجتماعی انسان است.

۳۲۱۵. **گزینهٔ ۱** از نظر طبیعت‌گرایان، فعل اخلاقی ناشی از نیازهای طبیعی انسان است و رفتاری طبیعی محسوب می‌شود.

۳۲۱۶. **گزینهٔ ۴** اینکه با چه روش‌هایی کودکان را به انجام افعال اخلاقی تشویق کنیم در حوزهٔ تربیت و روانشناسی است، نه فلسفهٔ اخلاق. فراموش نکنید فلسفه قرار است به پرسش‌های بنیادی هر علم پاسخ دهد.

۳۲۱۷. **گزینهٔ ۳** آدم‌ها همواره اخلاقی عمل نمی‌کنند و این مسئله کاملاً واضح است؛ بلکه انسان چون تنها موجودی است که توانایی درک خوب و بد اخلاقی را دارد، می‌تواند براساس اخلاق و خوب و بدهای اخلاقی، رفتار خوب را تشخیص دهد و براساس آن عمل کند.

۳۲۱۸. **گزینهٔ ۱** در نظر افلاطون، فضیلت فعلی است که مطابق با عقل و تحت حاکمیت عقل انجام شود.

تذکر: رفتار ناعادلانه در نظر افلاطون نوعی رذیلت است که منجر به شقاوت می‌شود، نه اینکه خودش شقاوت باشد.

۳۲۱۹. **گزینهٔ ۳** افلاطون و ارسطو معتقدند غضب یکی از قوای درونی انسان است که انسان را در برابر خطرها و موانع، دعوت به ایستادگی و عکس‌العمل می‌کند.

۳۲۲۰. **گزینهٔ ۴** افلاطون می‌گوید هر عملی که در خلاف جهت سعادت باشد و ما را به سمت شقاوت ببرد، رذیلت و از نظر اخلاقی فعلی بد است.

۳۲۲۱. **گزینهٔ ۴** فیلسوفان مسلمان ملاک خوب و بد افعال را «عقل»، معتزله نیز عقل و اشاعره «شرع اسلام» می‌دانستند.

۳۲۲۲. **گزینهٔ ۲** از نظر افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت باشد، فضیلت محسوب می‌شود؛ اما برای رسیدن به سعادت، قوای درونی انسان (عقل، غضب و شهوت) باید با راهنمایی قوهٔ عقل پیش بروند. در چنین حالتی، سه قوهٔ ذکرشده به‌ترتیب دارای صفات حکمت، شجاعت و خویشتن‌داری می‌شوند و میان آن‌ها نیز عدالت جاری می‌شود. از نظر افلاطون، این چهار صفت (عدالت، حکمت، شجاعت و خویشتن‌داری) فضایل انسانی‌اند که بر اثر کنترل قوای غضب و شهوت توسط عقل ایجاد شده‌اند.

بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: انسان برای رسیدن به سعادت است که عمل اخلاقی انجام می‌دهد، نه حکمت. / گزینهٔ «۲»: درست است! اگر عقل بر دو قوهٔ دیگر حاکم باشد، انسان دارای فضیلت می‌شود. / گزینهٔ «۳»: حکمت تنها صفت قوهٔ عقل است و میان قوا باید عدالت برقرار باشد. / گزینهٔ «۴»: این‌ها قوهٔ انسان نیستند؛ بلکه صفات سه قوهٔ آدمی‌اند.

۳۲۲۳. **گزینهٔ ۳** از نظر کانت، فعل اخلاقی باید قابلیت تعمیم داشته باشد؛ یعنی کاری اخلاقی است که بتوانیم بگوییم باید به‌صورت یک قانون عام و کلی در بیاید (رد گزینهٔ «۱»). این فعل اخلاقی براساس وجدان اخلاقی انجام می‌شود (رد گزینهٔ «۲») و هیچ‌گونه عواطف و احساساتی در آن دخالت ندارد (رد گزینهٔ «۴») و حتی انسان نباید براساس رسیدن به خیر و سعادت آن را انجام دهد. بنابراین گزینهٔ «۳» با دیدگاه کانت ناسازگار است و پاسخ نیز همین گزینه است.

۳۲۲۴. **گزینهٔ ۲** از نظر افلاطون، انسان نیکبخت کسی است که قوهٔ عقل او اداره و کنترل دو قوهٔ دیگر نفس او را بر عهده داشته باشد. در واقع افلاطون معتقد است که باید به هر سه قوای نفس توجه کرد (رد گزینهٔ «۱») و هیچ‌کدام از آن‌ها نباید سرکوب شوند (رد گزینهٔ «۴»)، بلکه باید همهٔ آن‌ها تحت کنترل عقل، به حالت اعتدال خود برسند. اعتدال قوهٔ عقل، شهوت و غضب به‌ترتیب عبارت است از ایجاد سه فضیلت حکمت، خویشتن‌داری و شجاعت. در چنین حالتی از نظر افلاطون، انسان میان سه قوهٔ خود حالت اعتدال دارد و دارای فضیلت عدالت نیز شده است. پس درنهایت، افلاطون نمی‌گوید باید از امیال و افعال طبیعی دوری کرد (رد گزینهٔ «۳») بلکه معتقد است به امیال باید در حد اعتدال توجه کرد و بها داد.

۳۲۲۵. **گزینهٔ ۳** برای پاسخ به این سؤال باید به‌دقت همهٔ گزینه‌ها را بررسی کنیم: گزینهٔ «۱»: از نظر ارسطو، حد اعتدال و فضیلت قوهٔ غضب، شجاعت است نه خویشتن‌داری. خویشتنداری فضیلت قوهٔ شهوت است. / گزینهٔ «۲»: درست است که کانت می‌گوید در فعل اخلاقی نباید نفع شخصی باشد؛ اما می‌گوید هیچ عامل دیگری غیر از حکم وجدان هم نباید باشد؛ مثلاً احساس ترحم و دلسوزی هم نباید باشد. / گزینهٔ «۳»: فیلسوفان مسلمان دقیقاً همین اعتقاد را داشتند و می‌گفتند انسان از یک طرف گرایش ذاتی به خیر اخلاقی دارد و از طرف دیگر، امیال طبیعی‌اش بر سر راه این گرایش قرار می‌گیرند. بنابراین پاسخ درست همین گزینه است. / گزینهٔ «۴»: درست برعکس، گرچه فیلسوفان ماتریالیست نفع شخصی را ملاک می‌گذاشتند؛ اما نفع شخصی همهٔ افراد جامعه را ملاک می‌دانستند. به همین دلیل معتقد بودند این نفع شخصی با ایجاد محدودیت برای همهٔ افراد جامعه برآورده می‌شود.

۳۲۲۶. **گزینهٔ ۲** افلاطون می‌گفت اعتدال یعنی قوهٔ عقل بر قوای دیگر حکم‌رانی کند و آنها را به سمت حد اعتدالشان هدایت کند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: افلاطون به هیچ‌وجه به تساوی میان قوا معتقد نبود؛ بلکه می‌گفت مدیریت و ادارهٔ انسان باید بر عهدهٔ عقل باشد تا هر کدام از قوای وجودی ما به سمت اعتدال برود. / گزینهٔ «۳»: افلاطون نمی‌گفت قوهٔ عقل باید از عمل قوای دیگر جلوگیری کند؛ زیرا آن قوا نیز امیال درونی انسان هستند. بلکه می‌گفت باید آنها را اداره کند تا دچار افراط و تفریط نشوند. / گزینهٔ «۴»: عدالت در نظر افلاطون هیچ ربطی به تساوی و برابری ندارد. عدالت در نظر او یعنی هر قوه‌ای از قوای وجودی انسان به‌اندازه عمل کند و هر فردی در اجتماع بر اساس توانایی‌هایش جایگاه اجتماعی داشته باشد.

۳۲۲۷. **گزینهٔ ۴** با نگاه کردن به گزینه‌ها ممکن است به این نتیجه برسیم که در تمام موارد، به رفتار، فرایندهای ذهنی و اختلال‌هایی اشاره شده که در روان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرند، اما باید به این نکته دقت داشته باشیم که در علم روان‌شناسی به بایدها و نبایدها و درست و نادرست، پرداخته نمی‌شود؛ بلکه رابطهٔ بین پدیده‌ها بررسی می‌شود. بایدها، نبایدها، درست و نادرست، مواردی هستند که در علم اخلاق مطرح می‌شوند.

۳۲۲۸. **گزینهٔ ۱** در این سؤال به تأثیر عواملی مثل علاقه به کار، قدرت اراده و ... بر پیشرفت تحصیلی افراد اشاره شده است، به عبارت دیگر به تأثیر ویژگی‌های روان‌شناختی افراد بر عملکرد آن‌ها اشاره شده است.

۳۲۲۹. **گزینهٔ ۴** پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش‌های روان‌شناسی زمانی باارزش هستند که دقیق و معتبر؛ یعنی علمی باشند.

۳۲۳۰. **گزینهٔ ۳** روش شهودی ← مبتنی بر درک درونی و یا بینش درونی
روش عقلی ← مبتنی بر منطق

۳۲۳۱. **گزینهٔ ۴** در منطق خوانده‌ایم که نتیجه‌گیری از کلیات به جزئیات، استدلال قیاسی است که یکی از استدلال‌های منطقی است.

۳۲۳۲. **گزینهٔ ۱** روش علمی یا تجربی پدیده‌های طبیعی و قابل مشاهده را بررسی می‌کند، بنابراین، پاسخ سؤال مذکور در حیطهٔ علم نمی‌گنجد.

۳۲۳۳. **گزینهٔ ۴** بهره‌گیری از مشاهده و روش‌های عینی برای کسب آگاهی و معرفت، بیانگر استفاده از روش‌های تجربی یا علمی است.

۳۲۳۴. **گزینهٔ ۱** بررسی پدیده‌ها در آزمایشگاه، روشی است که توسط پژوهشگران، و به‌صورت علمی به کار گرفته می‌شود.

۳۲۳۵. **گزینهٔ ۳** در روش علمی با روش‌های تجربی و مثال‌های مختلف به سؤال‌ها پاسخ داده می‌شود؛ نه روش شهودی.

۳۲۳۶. **گزینهٔ ۳** پژوهش علمی با طرح مسئله یا سؤال پژوهش آغاز می‌شود؛ پس از آن، فرضیه مطرح می‌شود؛ سپس فرضیه به‌صورت تجربی بررسی می‌شود و مورد آزمون قرار می‌گیرد، و در صورت تأیید به قانون تبدیل می‌شود.

۳۲۳۷. **گزینهٔ ۴** متن سؤال را تجزیه و تحلیل می‌کنیم: ۱- یک راه‌حل برای پاسخ‌گویی به سؤال ارائه‌شده، یعنی فرضیه بیان شده است. ۲- راه‌حل یا فرضیهٔ ارائه‌شده، مبتنی بر مطالعات انجام‌شده در مورد موضوع مورد نظر است. پس براساس دانش، و سنجیده است. گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» با مفهوم متن این سؤال مطابقت ندارند.

۳۲۳۸. **گزینهٔ ۳** فرضیه، پاسخ تا حد ممکن سنجیده‌ای است که براساس دانش و تجربه بیان می‌شود، پس منطقی نیست که با قوانین تدوین‌شدهٔ پیشین، مغایرت داشته باشد. با این توضیح، گزینهٔ «۱» را رد می‌کنیم اما با توجه به همین توضیح، بر صحت گزینهٔ «۳» تأکید می‌کنیم. گزینهٔ «۲» نیز نادرست است؛ چون یک پاسخ، تا زمانی به‌عنوان فرضیه پذیرفته می‌شود که مورد آزمون تجربی قرار نگرفته باشد. گزینهٔ «۴» هم نادرست است؛ چون به واژهٔ اثبات اشاره دارد.

۳۲۳۹. **گزینهٔ ۱** پاسخ خردمندانه یا سنجیده به مسائل علمی، فرضیه است.

۳۲۴۰. **گزینهٔ ۳** جملهٔ ذکرشده در متن سؤال، یک فرضیه است. چرا گزینهٔ «۱» نادرست است؟ چون در متن سؤال به آزمون شدن و بررسی علمی و در نهایت، به پذیرفته شدن آن اشاره نشده است. دقت داشته باشید که تفاوت فرضیه و قانون یا اصل، این است که فرضیه یک بیان تأییدنشده است، ولی قانون، فرضیه‌ای است که به‌صورت علمی بررسی و تأیید شده است.

۳۲۴۱. **گزینهٔ ۳** گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» نادرست‌اند؛ چون به‌صورت سؤال طرح شده‌اند.

۳۲۴۲. **گزینهٔ ۳** گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» به‌صورت سؤال طرح شده‌اند.

۳۲۴۳. **گزینهٔ ۴** گزینهٔ «۱» به‌شکل سؤال مطرح شده، گزینهٔ «۲» با قطعیت و گزینهٔ «۳» به‌صورت ارزشی بیان شده است. منظور از رابطهٔ معکوس میان

میزان اضطراب و کیفیت یادگیری که در گزینهٔ «۴» به آن اشاره شده، این است که میزان اضطراب و کیفیت یادگیری، در جهت عکس هم تغییر می‌کنند؛ یعنی هر چه میزان اضطراب بیشتر باشد، کیفیت یادگیری کمتر می‌شود.

۳۲۴۴. **گزینهٔ ۴** گزینهٔ «۱» به رابطهٔ تماشای فیلم‌های خشن و تقویت پرخاشگری در کودکان، گزینهٔ «۲» رابطهٔ میان ارتباط عزت نفس و میزان پیشرفت تحصیلی، و گزینهٔ «۳» به رابطهٔ اضطراب و جنسیت (دختر و پسر بودن) اشاره دارد اما گزینهٔ «۴» نه‌تنها بیانگر رابطهٔ بین پدیده‌ها نیست، بلکه با مفاهیم اخلاقی و ارزشی بیان شده است. مفاهیمی مثل خوب و بد در اخلاق مطرح است.

۳۲۴۵. **گزینهٔ ۴** گزینهٔ «۱» نادرست است؛ چون تغییر پیش‌فرض‌ها یکی از دلایلی است که به نادرست تلقی شدنِ فرضیهٔ پذیرفته‌شده منجر می‌شود. گزینهٔ «۲» نیز نادرست است؛ چون فرضیه‌هایی که مورد آزمون قرار گرفته‌اند و نتایج آن‌ها با یافته‌های مقبول علمی همخوان است، ممکن است بعد از مدتی بنا به دلایلی که در صفحهٔ ۱۳ کتاب درسی ذکر شده، نادرست تلقی شوند. گزینهٔ «۳» نادرست است؛ چون دانش و تجربه نیز از منابع مهم بیان فرضیه‌ها است.

۳۲۴۶. **گزینهٔ ۱** چگونگیِ توصیف پدیده‌ها تأثیر بسیار زیادی در مواجهه با آن پدیده و بررسی علمی آن دارد. بنابراین، گزینهٔ «۱» نادرست است.

۳۲۴۷. **گزینهٔ ۳** مفهوم علمی که رابطهٔ بین متغیرها را بیان می‌کند، فرضیه است. اگر این فرضیه به‌صورت تجربی بررسی و تأیید شود، به قانون تبدیل می‌شود.

۳۲۴۸. **گزینهٔ ۲** وقتی که همهٔ اصول یا قوانین مربوط به حافظه کنار هم قرار بگیرند، نظریه‌های فراموشی شکل می‌گیرد.

۳۲۴۹. **گزینهٔ ۳** گزینهٔ «۱» نادرست است؛ چون نظریه از ترکیب چند اصل تشکیل می‌شود؛ نه برعکسِ آن. گزینهٔ «۲» نیز نادرست است؛ چون پاسخ اولیه به مسئله، فرضیه نام دارد. گزینهٔ «۳» درست است. اما گزینهٔ «۴» نادرست است؛ چون فرضیه است که به‌طور تجربی آزمون می‌شود تا درست یا نادرست بودن آن مشخص شود.

۳۲۵۰. **گزینهٔ ۱** اینکه یک نظریه منبع طرح سؤال و فرضیه‌های پژوهشی شود، حاکی از وجود رابطهٔ بالا به پایین، در بین مفاهیم علمی است.

۳۲۵۱. **گزینهٔ ۲** نخستین هدف روان‌شناسی علمی ← بیان دقیق و روشن از چیستیِ پدیده‌ها (توصیف پدیده‌ها)

۳۲۵۲. **گزینهٔ ۳** تعیین دقیق معانی خاص پدیده‌ها، به معنی توصیف دقیق آن‌ها و تحقق اولین هدفِ علوم تجربی است.

۳۲۵۳. **گزینهٔ ۳** اینکه انسان به‌عنوان موجودی جسمانی شناخته شود یا دارای ابعادی فراتر از بدن جسمانی، به معنیِ توصیف انسان به‌عنوان موجودی است که دارای ویژگی‌های جسمانی، یا دارای ویژگی‌هایی فراتر از بُعد جسمانی است. ما می‌دانیم که نحوهٔ توصیف دانشمندان از پدیده‌ها تأثیر زیادی در بررسی‌های آنان دارد، و درصورتی‌که در بررسی‌های مختلف که بر روی یک پدیدهٔ خاص تمرکز دارند، پدیدهٔ مورد نظر از زوایای متفاوت توصیف شود، بررسی‌های انجام‌شده، متفاوت خواهند بود. بنابراین، در این پرسش به تأثیر چگونگیِ توصیف انسان در بررسی‌های علمی اشاره شده است.

۳۲۵۴. **گزینهٔ ۲** پاسخ به سؤالی که چرایی را مورد پرسش قرار می‌دهد، به تبیین اشاره دارد.

۳۲۵۵. **گزینهٔ ۱** پاسخ به سؤالی که چرایی را مورد پرسش قرار می‌دهد، به تبیین اشاره دارد.

۳۲۵۶. **گزینهٔ ۴** پدیده‌های روان‌شناختی علل متعددی دارند که این امر، پیش‌بینی آن‌ها را دشوار می‌سازد. در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»، به پیش‌بینی پدیده‌هایی غیر از پدیده‌های روان‌شناختی اشاره شده است.

۳۲۵۷. **گزینهٔ ۴** عدم توجه به هدف مشخص در بررسی‌های علمی، باعث می‌شود که آن بررسی‌ها نتیجه‌بخش نباشند.

۳۲۵۸. **گزینهٔ ۲** منظور از نظام‌دار بودن روش علمی این است که روش علمی تابع قواعد مشخصی است که به‌صورت منظم طی می‌شود.

۳۲۵۹. **گزینهٔ ۳** متن سؤال را تجزیه می‌کنیم: ۱- تحقیقی انجام شده و نشان داده که تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز در کودکان، موجب افزایش پرخاشگری در آن‌ها می‌شود. ۲- تحقیقات دیگری در موقعیت‌های مشابه این تحقیق انجام شده و همان نتیجه به دست آمده است.

از این دو مورد نتیجه می‌گیریم که نتایج در تحقیقات مکرری که در موقعیت مشابه انجام شده، تکرار شده است.

۳۲۶۰. **گزینهٔ ۳** مطالعهٔ علمی رفتار و فرایندهای ذهنی، تعریفِ روان‌شناسی است.

۳۲۶۱. **گزینهٔ ۲** گزینهٔ «۱» نادرست است، چون همان‌طور که در درس چهار مطالعه خواهید کرد، «بازیابی» به معنی بیرون کشیدن اطلاعات از حافظه است، و بیرون کشیدن اطلاعات از حافظه منجر به دستیابی به مراتب بالاتر شناخت نمی‌شود. در گزینهٔ «۳» اگر فعل «ندارند» به فعل «دارند» تبدیل می‌شد، درست بود. گزینهٔ «۴» نیز نادرست است؛ زیرا استنباط از اطلاعات، زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات در حافظه ذخیره شده باشد. اما چرا گزینهٔ «۲» درست است؟ چون انسان‌ها سعی می‌کنند از اطلاعات خامِ موجود در حافظه استفاده کنند و استنباط‌های زیادی از آن‌ها داشته باشند و به مراتب بالاتر شناخت دست یابند.

۳۲۶۲. **گزینهٔ ۱** منظور از رفتار واقعی، رفتاری است که دقیقاً رخ می‌دهد و مناسب‌ترین روش برای ثبت آن، روش مشاهده است؛ چون در این روش، رفتار دقیقاً همان‌گونه که رخ می‌دهد، ثبت می‌شود. در روش‌های دیگر نیز برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد رفتار افراد از خود آن‌ها در مورد رفتارشان سؤال می‌شود، اما ممکن است آن‌ها واقعیت را در مورد رفتار خود بیان نکنند و اطلاعات به‌دست‌آمده مربوط به رفتار واقعی آن‌ها نباشد.

۳۲۶۳. **گزینهٔ ۲** در کتاب درسی شما به این موضوع اشاره نشده است اما این را بدانید که بررسی تأثیر یک متغیر بر متغیر دیگر با استفاده از روش آزمایشی صورت می‌گیرد اما در روش مشاهده، الگوهای رفتاریِ قابل مشاهده ثبت می‌شود.

۳۲۶۴. **گزینهٔ ۳** گزینهٔ «۱» در مورد پرسش‌نامه درست است؛ چون پرسش‌نامه به‌صورت مکتوب به افراد ارائه می‌شود؛ پس پرسش‌های آن از پیش آماده و تعیین می‌شوند. گزینهٔ «۲» نیز درست است؛ چون ما می‌دانیم که در پرسش‌نامه در مورد افکار و رفتار افراد از خود آن‌ها سؤال می‌شود، پس در این روش، اطلاعاتی در مورد افکار و رفتار افراد جمع‌آوری می‌شود که می‌تواند در پژوهشی که ارتباط افکار و رفتار بررسی می‌شود به کار رود. جمع‌آوری مستقیم اطلاعات در مورد تماس چشمی افراد، حرکات بدنی، حالات چهره و یا لحن کلام آنان، نیازمند مشاهدهٔ افراد است؛ نه به‌کارگیری پرسش‌نامه، پس گزینهٔ «۳» نادرست است. ما می‌دانیم که در پرسش‌نامه از خود افراد در مورد رفتار و افکار آنان سؤال می‌شود و افکار از موضوعات غیرقابل مشاهدهٔ مستقیم است، پس گزینهٔ «۴» در مورد پرسش‌نامه درست است.

۳۲۶۵. **گزینهٔ ۴** واژهٔ کلیدی که در این پرسش باید به آن دقت کنیم، واژهٔ «اندازه‌گیری» است. کمّی کردن و اندازه‌گیری ویژگی‌های روان‌شناختی، با استفاده از آزمون‌ها امکان‌پذیر است.

۳۲۶۶. **گزینهٔ ۳** جمع‌آوری اطلاعات عمیق، از ویژگی‌های روش مصاحبهٔ بدون ساختار است که در کتاب درسی به آن اشاره نشده؛ پس گزینهٔ «۱» نادرست است. در اجراهای متعدد یک آزمون، متغیرهای مشخص اندازه‌گیری می‌شود؛ نه متغیرهای متفاوت؛ بنابراین گزینهٔ «۲» نیز نادرست است. گزینهٔ «۳» درست است اما گزینهٔ «۴» نادرست است؛ چون در روش مشاهده، رفتار مورد مشاهده قرار می‌گیرد.

روان‌شناسی — درس ۲

۳۲۶۷. **گزینهٔ ۱** شناسایی و پیش‌بینی تغییرات افراد در طول زندگی آن‌ها توسط روان‌شناسان رشد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳۲۶۸. **گزینهٔ ۲** ابراز خشم، یک رفتار هیجانی است.

۳۲۶۹. **گزینهٔ ۳** تغییراتی که در طول دورهٔ زندگی افراد رخ می‌دهد، هم معلول عوامل وراثتی و هم معلول عوامل محیطی است؛ به عبارت دیگر، بروز تغییرات رشد، محصول تعامل عوامل محیطی و وراثتی است.

۳۲۷۰. **گزینهٔ ۳** در بیت اول به «تأثیر همنشین» (عامل محیطی) اشاره شده، پس بر نقش عامل محیطی تأکید دارد. در بیت دوم، سیه‌دل به سنگی تشبیه شده که سنگ بودن، ویژگی ذاتی و غیرقابل تغییرِ آن است و در برابر پند و اندرز (عامل محیط) تغییر نمی‌کند؛ بنابراین به نقش وراثت تأکید دارد.

۳۲۷۱. **گزینهٔ ۴** در این ابیات به سرشت و طبیعت (وراثت) تأکید شده که محیط تغییری در آن ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین به اهمیت وراثت تأکید دارد.

۳۲۷۲. **گزینهٔ ۳** رسش، آمادگی زیستی است که دارای برنامهٔ رشد طبیعی است.

۳۲۷۳. **گزینهٔ ۴** رسش یا پختگی ← رفتارهای وابسته به آمادگی زیستی

۳۲۷۴. **گزینهٔ ۱** رسش، رفتارهای وابسته به آمادگی زیستی است.

۳۲۷۵. **گزینهٔ ۱** محرک، عاملی است که از محیط دریافت می‌شود؛ بنابراین در این پرسش به تأثیر محیط بر رشد تأکید شده است.

۳۲۷۶. **گزینهٔ ۲** در گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» به مواردی اشاره شده که نتیجهٔ تأثیر عامل محیطی، یعنی به‌ترتیب، نتیجهٔ «تمرین زیاد»، «دریافت آموزش» و «شنیدن مکرر لغات» هستند. اما برای اینکه یک کودک توانایی شناختی لازم برای ورود به مدرسه را کسب کند، هم باید از آمادگی زیستی لازم برخوردار باشد و هم در محیط مناسبی رشد کرده باشد؛ پس کسب توانایی شناختی لازم برای ورود کودک به مدرسه، صرفاً نتیجهٔ تأثیر عامل محیطی نیست.

۳۲۷۷. **گزینهٔ ۲** رسش، جنبهٔ زیستی دارد اما یادگیری مبتنی بر تجربه است.

۳۲۷۸. **گزینهٔ ۳** رشد مرحله‌ای، رشدی است که تغییرات رشد در آن به مراحل مختلف تقسیم می‌شود.

۳۲۷۹. **گزینهٔ ۴** زمانی می‌گوییم رشد، پیوسته است که تغییرات رشد، تغییرات کمّی، یعنی در تعداد و مقدار و اندازه باشد. مانند مواردی که در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» به آن‌ها اشاره شده است. زمانی می‌گوییم رشد، مرحله‌ای یا تحولی است که تغییرات اساسی و کیفی در رشد اتفاق افتاده باشد، یعنی تغییرات جدیدی که قبلاً وجود نداشته، ولی در دورهٔ جدید رشد به وجود آمده است، مانند بروز توانایی بازنمایی اشیا در ذهن کودک دوساله که پیش از آن، در او بروز نکرده بود.

۳۲۸۰. **گزینهٔ ۲** مطابق با گزینهٔ «۱»، در اسلام به امر و نهی‌کردن به کودکان در هفت سال اول زندگی آنان توصیه نمی‌شود. اسلام توصیه می‌کند به کودکان در هفت سال اول باید بیشتر به‌صورت غیرمستقیم و از طریق بهره‌گیری از حس تقلید آنان آموزش داد؛ بنابراین گزینهٔ «۲» با دیدگاه اسلام مطابقت ندارد. در گزینهٔ «۳» به انجام عمل صحیح و بهره‌گیری از حس تقلید کودکان در هفت سال اول زندگی آنان اشاره شده است، پس مطابق با دیدگاه اسلام است. گزینهٔ «۴» نیز مطابق با دیدگاه اسلام است.

۳۲۸۱. **گزینهٔ ۱** صفات از طریق ژن‌هایی که روی کروموزوم‌های پدر و مادر قرار دارند، به جنین منتقل می‌شوند. ما می‌دانیم که نطفه یا تخمک بارورشده، ۲۳ کروموزوم را از مادر و ۲۳ کروموزوم دیگر را از پدر دریافت می‌کند؛ یعنی در مجموع، نطفه ۲۳ جفت کروموزوم را از پدر و مادر خود دریافت می‌کند که حامل ژن‌هایی هستند که صفات را به کودک منتقل می‌کنند.

۳۲۸۲. **گزینهٔ ۴** ناشنوایی، ناشی از بروز نقص در دستگاه شنوایی است؛ پس به رشد جسمانی مربوط است. اما عاملی که موجب آن شده (ترشح پادتن در بدن مادر) بیرون از کودک قرار دارد و عامل محیطی است، پس رشد جسمانی کودک تحت تأثیر عامل محیطی قرار گرفته است.

۳۲۸۳. **گزینهٔ ۳** توانایی کودک در راه رفتن، نتیجهٔ رشد جسمانی ـ حرکتی است.

۳۲۸۴. **گزینهٔ ۴** گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» مربوط به رشد شناختی در دورهٔ نوجوانی است.

۳۲۸۵. **گزینهٔ ۲** کودک پیش‌دبستانی هدیهٔ بزرگ کم‌ارزش را به هدیهٔ کوچک باارزش ترجیح می‌دهد؛ زیرا پردازش او از نوع ادراکی است و براساس ظواهر اشیا تصمیم می‌گیرد.

۳۲۸۶. **گزینهٔ ۱** علت اینکه کودکان برجسته‌ترین ویژگی اشیا را مهم‌ترین ویژگی آن‌ها تلقی می‌کنند، نحوهٔ پردازش آن‌ها از اطلاعات است که از نوع ادراکی است. پردازش اطلاعات به حیطهٔ شناختی رشد مربوط است، بنابراین محدودیت‌های شناختی کودکان باعث می‌شود که آن‌ها برجسته‌ترین ویژگی اشیا را مهم‌ترین ویژگی آن‌ها تلقی کنند.

۳۲۸۷. **گزینهٔ ۴** گزینهٔ «۱» درست است؛ زیرا احساس گناه، یکی از اشکال هیجانی مرکب، و توضیحات ارائه‌شده در مورد آن نیز مربوط به این نوع از هیجان‌ها است. گزینه‌های «۲» و «۳» درست هستند؛ زیرا ترس و محبت از هیجان‌های ساده، و توضیحات ارائه‌شده در مورد آن‌ها نیز مربوط به هیجان‌های ساده است. گزینهٔ «۴» نادرست است؛ زیرا اصرار بر خواسته داشتن از هیجان‌های مرکب است که در روند رشد کودک، پس از هیجان‌های ساده مانند خشم، شکل می‌گیرد.

۳۲۸۸. **گزینهٔ ۲** گزینهٔ «۱» نادرست است. گزینهٔ «۲» درست است. گزینهٔ «۳» نادرست است؛ زیرا ابتدایی‌ترین جنبهٔ رشد، رشد جسمانی ـ حرکتی است. گزینهٔ «۴» نادرست است؛ زیرا همان‌طور که ترحم و سپاسگزاری از هیجان‌های ساده نیستند، ترس و خشم نیز هیجان مرکب نیستند.

۳۲۸۹. **گزینهٔ ۲** آگاهی بیشتر انسان و برخورداری او از محیط متنوع‌تر باعث می‌شود که او در مقایسه با حیوانات، رشد هیجانی پیشرفته‌تری داشته باشد.

۳۲۹۰. **گزینهٔ ۲** رفتار این کودک ناشی از این است که او تنها به نیازهای خود توجه دارد و تفکر او خودخواهانه است.

۳۲۹۱. **گزینهٔ ۴** گزینهٔ «۱» نادرست است؛ زیرا بازی‌های انفرادی زودتر از بازی‌های گروهی شکل می‌گیرد. گزینهٔ «۲» نادرست است؛ زیرا پشیمانی و ترحم از هیجان‌های ساده نیستند، و ترس و محبت نیز هیجان مرکب نیستند. گزینهٔ «۳» نادرست است؛ زیرا ابتدا مهارت‌های درشت رشد می‌کنند و سپس مهارت‌های ظریف به دست می‌آیند.

۳۲۹۲. **گزینهٔ ۲** رشد جسمانی در دورهٔ نوجوانی ناگهانی است؛ نه تدریجی؛ پس گزینهٔ «۱» نادرست است. اندازه و ظرفیت شش‌ها و قلب در دورهٔ نوجوانی افزایش می‌یابد؛ پس گزینهٔ «۲» درست است. تناسب بدن در دورهٔ نوجوانی به‌سرعت تغییر می‌کند؛ پس گزینهٔ «۳» نادرست است. رشد ماهیچه‌ها در دورهٔ نوجوانی، یک سال بعد از رشد قد و وزن بیشتر می‌شود؛ بنابراین گزینهٔ «۴» نیز نادرست است.

۳۲۹۳. **گزینهٔ ۱** رشد دستگاه تولیدمثل در دورهٔ نوجوانی، یکی از تغییرات اساسی این دوره است که مربوط به رشد جسمانی نوجوانان است.

۳۲۹۴. **گزینهٔ ۴** گزینشی‌تر شدن توجه به معنای تمرکز بر اطلاعات مرتبط و سازگاری بیشتر با ضرورت‌های تکلیف مورد نظر است.

۳۲۹۵. **گزینهٔ ۳** توصیهٔ روان‌شناسان برای کاهش حساسیت نوجوان نسبت به انتقاد دیگران، عدم عیب‌جویی از آن‌ها در حضور دیگران است.

۳۲۹۶. **گزینهٔ ۱** نوجوانی که نسبت به خود، احساس اغراق‌آمیز منحصربه‌فرد بودن دارد، دیدگاه متعادلی نسبت به خود ندارد؛ پس تا زمانی که دیدگاه متعادل‌تری پیدا کند، باید ویژگی‌های منحصربه‌فرد او را پذیرفت.

۳۲۹۷. **گزینهٔ ۴** گزینهٔ «۱» درست است؛ زیرا خلاقیت، توانایی شناختی است. گزینهٔ «۲» درست است؛ زیرا منظور از تصویر ظاهر، ویژگی‌های جسمانی است. گزینهٔ «۳» درست است؛ زیرا انتخاب رشتهٔ متناسب با شغل مورد علاقه، به معنی برنامه‌ریزی برای انتخاب شغل خاصی در آینده و مربوط به ویژگی اجتماعی هویت است. گزینهٔ «۴» نادرست است؛ زیرا درک یک فرد از خود به‌عنوان دختر یا پسر بودن، هویت جنسی فرد را تشکیل می‌دهد؛ نه هویت نقش جنسیتی او را.

۳۲۹۸. **گزینهٔ ۲** احساس خودمختاری و استقلال مربوط به رشد اجتماعی، و درگیر شدن با مسائل ارزشی مربوط به رشد اخلاقی است؛ بنابراین، تأثیر بروز احساس خودمختاری و استقلال بر درگیر شدن با مسائل ارزشی، بیانگر تأثیر رشد اجتماعی بر رشد اخلاقی است.

۳۲۹۹. **گزینهٔ ۳** عملکرد تحصیلی متوسط، و علاقه‌مندی به فلسفه ← خود واقعی
تمایل برای تبدیل شدن به ورزشکار معروف ← خود آرمانی

۳۳۰۰. **گزینهٔ ۴** ایده‌آل‌های یک فرد، خودِ آرمانی او را شکل می‌دهد.

روان‌شناسی درس ۳

۳۳۰۱. **گزینهٔ ۴** توجه ← انتخاب دریافت‌های حسی
احساس ← نتیجهٔ تحریک اندام‌های حسی
ادراک ← سازمان دادن به محرک‌های انتخاب‌شده

۳۳۰۲. **گزینهٔ ۲** گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» به فرایندی فراتر از احساس اشاره دارند اما تحریک گیرنده‌های پوست، به احساس منجر می‌شود.

۳۳۰۳. **گزینهٔ ۴** در گزینهٔ «۱» به فرایند تفکر اشاره شده، در گزینهٔ «۲» احساس، فراتر از دریافت سادهٔ حسی توصیف شده، و در گزینهٔ «۳» تعاریف احساس و ادراک با هم جابه‌جا شده است، اما گزینهٔ «۴» درست است؛ چون ادراک به معنیِ تفسیر اطلاعات است، نه دریافت سادهٔ آن‌ها. دریافت سادهٔ اطلاعات، به معنی شکل‌گیری احساس است.

۳۳۰۴. **گزینهٔ ۳** ما فاصلهٔ زمانی احساس، توجه و ادراک را نادیده می‌گیریم، زیرا بسیار سریع اتفاق می‌افتد.

۳۳۰۵. **گزینهٔ ۴** درگیری حواس مختلف با یک محرک، به معنی دریافت چندحسی است که کارایی بیشتری در یادگیری دارد.

۳۳۰۶. **گزینهٔ ۳** تماس اولیهٔ ما با دنیای خارج و دریافت اطلاعات نهفته در آن، از طریق دریافت‌کننده‌های حسی یا حواس مختلف صورت می‌گیرد.

۳۳۰۷. **گزینهٔ ۴** حداقل انرژی لازم برای تحریک یک اندام حسی ← آستانهٔ مطلق

۳۳۰۸. **گزینهٔ ۴** در متن سؤال به پدیدهٔ آماده‌سازی اشاره شده که براساس آن، ارائهٔ پیشین محرک، دریافت بعدی آن را آسان می‌کند.

۳۳۰۹. **گزینهٔ ۲** پدیدهٔ آماده‌سازی بیانگر این نکته است که ما نسبت به همهٔ آنچه در حیطهٔ توجهمان قرار می‌گیرد، آگاهی کامل نداریم.

۳۳۱۰. **گزینهٔ ۴** متن سؤال به تأثیر ارائهٔ پیشین بر دریافت بعدی محرک اشاره دارد که بیانگر پدیدهٔ آماده‌سازی است.

۳۳۱۱. **گزینهٔ ۱** عادت کردن به محرک خاص، به‌نحوی که به‌تدریج کمتر و کمتر به آن بپردازیم، خوگیری نام دارد.

۳۳۱۲. **گزینهٔ ۳** گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» موجب ایجاد تمرکز می‌شوند؛ اما ارائهٔ محرک به دفعات زیاد، باعث ایجاد خوگیری می‌شود.

۳۳۱۳. **گزینهٔ ۱** تدریس بدون وقفهٔ یک موضوع، آگاهی و آشنایی نسبی دانش‌آموزان با موضوع و مواجههٔ متعدد آنان با موضوع، موجب کاهش تمرکز می‌شود اما تدریس موضوع جدید و تازه، تمرکز را افزایش می‌دهد.

۳۳۱۴. **گزینهٔ ۳** برای پاسخ‌گویی به این پرسش باید ساعت دیواری و دستگاه تلفن را با هم مقایسه کنید. یک ساعت دیواری در مقایسه با تلفن همراه، تغییرات درونی کمتری دارد. به همین دلیل، خوگیری ما نسبت به آن بیشتر است. به این نکته توجه داشته باشید که عدم وجود عاملی مورد پرسش است که تمرکز ایجاد می‌کند و تنها در گزینهٔ «۳» به آن اشاره شده است.

۳۳۱۵. **گزینهٔ ۴** منظور از شرایط معنایی جذاب، تغییرات درونی موضوع است.

۳۳۱۶. **گزینهٔ ۴** گزینهٔ «۱» نادرست است؛ چون به تمرکز پیوسته و پایدار، توجه نمی‌گویند. گزینهٔ «۲» نادرست است؛ چون فرایند انتخاب محرک، توجه نام دارد. گزینهٔ «۳» نادرست است؛ چون در ادراک، همهٔ دریافت‌های حسی تفسیر نمی‌شوند، بلکه تنها دریافت‌های انتخاب‌شده تفسیر می‌شوند.

۳۳۱۷. **گزینهٔ ۴** عدم ردیابی محرک حاضر ← از دست دادن محرک هدف
ردیابی محرک حاضر ← اصابت (تصمیم درست)

۳۳۱۸. **گزینهٔ ۳** هشدار کاذب ← ردیابی علامت غایب
تصمیم درست یا اصابت ← ردیابی علامت حاضر

۳۳۱۹. **گزینهٔ ۲** ردیابی علامت غایب، بیانگر موقعیت هشدار کاذب است.

۳۳۲۰. **گزینهٔ ۳** توانایی یک فرد برای یافتن محرک هدف در یک دورهٔ طولانی، به گوش‌به‌زنگی اشاره دارد و مهم‌ترین عامل کاهش توانایی فرد در آن، خستگی است.

۳۳۲۱. **گزینهٔ ۴** ویژگی منحصربه‌فرد هدف باعث می‌شود آن را در موقعیت ردیابی پیدا کنیم، پس جست‌وجوی محرک، هدف را کند نمی‌کند.

۳۳۲۲. **گزینهٔ ۴** دایره در این تصویر به‌سرعت پیدا می‌شود؛ چون مربع‌ها (عوامل انحرافی) گوشه دارند، اما دایره منحنی‌شکل است و نسبت به مربع‌ها خصیصهٔ منحصربه‌فردی دارد.

۳۳۲۳. **گزینهٔ ۱** تعداد عوامل انحرافی در این تصویر زیاد است. علاوه بر این، حرف T که محرک هدف است و حروف L (عوامل انحرافی) که به‌صورت واژگون نوشته شده‌اند، حروف گوشه‌دار هستند و از این جهت، ویژگی مشابهی با هم دارند؛ پس تعداد عوامل انحرافی و ویژگی مشابه محرک هدف و عوامل انحرافی در این تصویر، موجب کند شدن جست‌وجوی محرک هدف می‌شود.

۳۳۲۴. **گزینهٔ ۴** در توجه تقسیم‌شده، چند فعالیت به‌طور هم‌زمان انجام می‌شود. در گزینهٔ «۳» به دریافت اطلاعات اشاره شده، درحالی‌که فرایند توجه، به معنی انتخاب اطلاعات دریافت‌شده است، نه دریافت آن‌ها.

۳۳۲۵. **گزینهٔ ۱** به ادراک پدیده‌های بدون احساس، توهم گفته می‌شود.

۳۳۲۶. **گزینهٔ ۳** در خطای ادراکی، محرک وجود دارد و احساس می‌شود، ولی ادراک محرک با احساس مطابقت ندارد و نادرست است.

۳۳۲۷. **گزینهٔ ۳** ادراک ما در این تصویر براساس اصل شکل و زمینه سازمان می‌یابد؛ چون با تغییر اندازهٔ دایره‌هایی که دایره‌های سیاه را احاطه کرده‌اند (زمینه)، اندازهٔ دایره‌های سیاه (شکل) را که به‌طور مساوی احساس می‌شوند، به‌صورت متفاوت ادراک می‌کنیم.

۳۳۲۸. **گزینهٔ ۲** دسته‌بندی اشیا براساس شکل، اندازه و رنگ آن‌ها، به معنی دسته‌بندی آن‌ها براساس شباهت آن‌ها است.

۳۳۲۹. **گزینهٔ ۱** الف: یک کفش کامل را می‌بینیم. ← تکمیل
ب: هم خطوط منحنی و هم خطوط شکسته را به‌صورت پیوسته می‌بینیم. ← استمرار
پ: اشکال شبیه به هم را با هم می‌بینیم. ← مشابهت

۳۳۳۰. **گزینهٔ ۳** الف: نقطه‌های نزدیک به هم را با هم می‌بینیم. ← مجاورت
(پس از آن، براساس اصل تکمیل، حروف K و I را هم کامل می‌بینیم.)
ب: نقطه‌های شبیه به هم را با هم می‌بینیم. ← مشابهت
پ: یک هواپیمای کامل را می‌بینیم. ← تکمیل

۳۳۳۱. **گزینهٔ ۱** الف: در درجهٔ اول، اشکال نزدیک به هم را با هم می‌بینیم. ← یعنی ابتدا براساس اصل مجاورت، چهار گروه از حشرات را به‌صورت چهار ستون می‌بینیم. (در مرحلهٔ بعد، رابطهٔ مشابهی را بین این چهار ستون ادراک می‌کنیم و این تصویر را براساس اصل مشابهت به‌صورت یک کل یا یک گروه یکپارچه ادراک می‌کنیم.)
ب: حروف O را با هم می‌بینیم. ← مشابهت
پ: خطوط منحنی و خط صاف، به‌شکل پیوسته ادراک می‌شوند. ← استمرا

۳۳۳۲. **گزینهٔ ۱** الف: دو خط کامل و پیوسته را می‌بینیم. ← پس ادراک ما از آن، براساس اصول تکمیل و استمرار سازمان می‌یابد.
ب: دلفین را به‌صورت کامل می‌بینیم. ← تکمیل
پ: اشکال نزدیک به هم را با هم می‌بینیم. ← مجاورت

۳۳۳۳. **گزینهٔ ۲** الف: مثلث‌های سفید را با هم و مثلث‌های سیاه را نیز با هم می‌بینیم. ← مشابهت
ب: شکل کاملی از یک مربع را می‌بینیم. ← تکمیل
پ: دایره‌های نزدیک به هم را با هم می‌بینیم؛ یعنی چهار ستون از دایره‌های دوتایی را می‌بینیم. ← مجاورت

۳۳۳۴. **گزینهٔ ۳** الف: تصویر ناقص سگ را به‌طور کامل می‌بینیم. ← تکمیل
ب: اشکال نزدیک به هم را با هم، در سه گروه می‌بینیم. ← مجاورت
پ: مجموع دایره‌ها را در یک گروه می‌بینیم. ← چون روابط مشابهی را بین آن‌ها ادراک می‌کنیم. (شکل، رنگ و فاصلهٔ آن‌ها یکسان است.)

۳۳۳۵. **گزینهٔ ۲** روان‌شناسان گشتالت ادراک را براساس ویژگی‌های حسی اشیا مورد بررسی قرار داده‌اند و به نوع پردازش افراد توجهی نداشته‌اند.

روان شناسی — درس ۴

۳۳۳۶. **گزینهٔ ۴** شرایطی که در آن قادر به یادآوری هیچ دانشی نباشیم، شرایطی است که ما همهٔ دانش خود را از دست داده‌ایم.

۳۳۳۷. **گزینهٔ ۴** مراحل حافظه به‌ترتیب شامل رمزگردانی، ذخیره‌سازی و بازیابی است.

۳۳۳۸. **گزینهٔ ۴** محافظت یا نگهداری اطلاعات ثبت‌شده ← ذخیره‌سازی
یادآوری اطلاعات ← بازیابی
تبدیل اطلاعات به رمزهای قابل قبول و به حافظه سپردن ← رمزگردانی

۳۳۳۹. **گزینهٔ ۴** برای بازیابی پاسخ این سؤال، چه نوع اطلاعاتی بازیابی می‌شود؟ شما تنها از طریق بازیابی تصاویری که از منزل دوستتان به حافظه سپرده‌اید، می‌توانید به این پرسش پاسخ دهید. پس در مرحلهٔ رمزگردانی نیز اطلاعات باید به رمزهای تصویری و دیداری تبدیل و به حافظه سپرده شده باشد.

۳۳۴۰. **گزینهٔ ۴** رمزگردانی در این شرایط، شنیداری و معنایی نیست؛ بلکه دیداری است. اما در گزینه‌ها به رمزگردانی دیداری اشاره نشده است، پس گزینهٔ دیگری درست است که برای یافتن آن، متن پرسش را تجزیه می‌کنیم: ۱- همهٔ قطعات چوبی هستند. ۲- برخی از آن‌ها به رنگ آبی و برخی دیگر به رنگ سفید هستند. ۳- تعداد قطعات آبی بیشتر از قطعات سفید است. ۴- تعداد قطعات آبی را بیشتر از قطعات چوبی می‌داند. چرا؟ چون به ویژگی‌های جزئی، یعنی سفید و آبی بودن توجه دارد و این ویژگی‌ها را رمزگردانی می‌کند. چوبی بودن قطعات در مقایسه با رنگ آن‌ها، ویژگی کلی است، پس رمزگردانی از نوع جزءبه‌جزء است؛ چون به ویژگی‌های جزئی توجه شده و این اطلاعات رمزگردانی شده است.

۳۳۴۱. **گزینهٔ ۳** اعضای تیم فوتبال به‌صورت گروهی بازی می‌کنند. هماهنگی گروهی تیم خوب است، به معنیِ رمزگردانی کلی اطلاعات است. دروازه‌بان نمی‌توانست توپ را بگیرد، به معنیِ رمزگردانی جزءبه‌جزء است.

۳۳۴۲. **گزینهٔ ۴** تعبیر و تفسیر اطلاعات در حافظهٔ حسی صورت نمی‌گیرد.

۳۳۴۳. **گزینهٔ ۲** رمزگردانی در حافظهٔ بلندمدت، بیشتر از نوع معنایی است، نه فقط از نوع معنایی. یعنی در حافظهٔ بلندمدت، علاوه بر رمزگردانی معنایی، از رمزگردانی حسی نیز استفاده می‌شود. رمزگردانی در حافظهٔ کوتاه‌مدت، رمزگردانی حسی همراه با توجه است.

۳۳۴۴. **گزینهٔ ۲** حافظهٔ کاری به سایر اجزای شناخت خدمت‌رسانی می‌کند.

۳۳۴۵. **گزینهٔ ۱** در حافظهٔ کاری، بسیاری از اطلاعات را براساس میزان استفاده از آن‌ها، در مدت‌زمان کوتاه به خاطر می‌سپاریم.

۳۳۴۶. **گزینهٔ ۳** مرور یا بازگویی و تمرین اطلاعات، یکی از ساده‌ترین شیوه‌های انتقال اطلاعات به حافظهٔ بلندمدت و شکل‌گیری این حافظه است.

۳۳۴۷. **گزینهٔ ۳** گزینه‌های «۱» و «۲» بیانگر دانش عمومی است، پس به حافظهٔ معنایی مربوط است. گزینهٔ «۳» بیانگر تجربهٔ شخصی است که در زمان و مکان مشخصی روی داده است، پس به حافظهٔ رویدادی مربوط است. گزینهٔ «۴» مربوط به حافظهٔ رویه‌ای است که در کتاب درسی نظام جدید به آن اشاره نشده است.

۳۳۴۸. **گزینهٔ ۲** جملهٔ اول به تجربهٔ مشخص زمانی و مکانی مربوط است و از حافظهٔ رویدادی بازیابی می‌شود. جملهٔ دوم به دانش عمومی ما مربوط است و از حافظهٔ معنایی بازیابی می‌شود.

۳۳۴۹. **گزینهٔ ۴** مفاهیم به‌صورت شبکه‌ای از سلسله‌مراتب در حافظهٔ معنایی ذخیره می‌شود که یکی از انواع حافظهٔ بلندمدت است.

۳۳۵۰. **گزینهٔ ۳** فراموشی به معنی ناتوانی در یادآوری و بازشناسی اطلاعاتی است که قبلاً وارد حافظه شده است. یادآوری و بازشناسی اطلاعات واردشده به حافظه نیز به معنی بازیابی اطلاعات است. پس می‌توانیم بگوییم فراموشی به معنی ناتوانی در بازیابی اطلاعات گذشته است.

۳۳۵۱. **گزینهٔ ۲** به‌دلیل خطای اضافه کردن، احتمال یادآوری غیرواقعی رویدادی که اتفاق نیفتاده است، وجود دارد.

۳۳۵۲. **گزینهٔ ۳** بهترین شیوهٔ کنترل اثر گذشت زمان در فراموشی، مرور اطلاعات در زمان مناسب است.

۳۳۵۳. **گزینهٔ ۴** با توجه به آزمایش ابینگهوس، بیشترین میزان فراموشی در ساعت‌های نخست پس از یادگیری روی می‌دهد و پس از آن، با گذشت زمان، شدت فراموشی کم می‌شود.

۳۳۵۴. **گزینهٔ ۱** هرچه زمان بیشتری از یادگیری بگذرد، میزان فراموشی هم بیشتر می‌شود؛ یعنی با بیشتر شدن یکی، دیگری نیز بیشتر می‌شود، پس بین میزان فراموشی و گذشت زمان، رابطهٔ مستقیم وجود دارد.

۳۳۵۵. **گزینهٔ ۱** وقتی نمودار صفحهٔ ۱۰۰ کتاب درسی را نگاه کنیم، می‌بینیم که هرچه از چپ به راست حرکت می‌کنیم، منحنی به‌سمت پایین می‌رود، یعنی نزول می‌کند؛ چون هرچه زمان بیشتری می‌گذرد، میزان ذخیره‌سازی اطلاعات کمتر می‌شود، بنابراین نمودار فراموشی، یک نمودار نزولی است.

۳۳۵۶. **گزینهٔ ۳** یک شبانه‌روز مساوی ۲۴ ساعت است، بنابراین از عدد ۲۴ بر روی محور گذشت زمان یک خط عمود رسم می‌کنیم تا به نقطهٔ مشخص‌شده بر روی منحنی برسیم و از همان نقطه، یک خط افقی به محور درصد صرفه‌جویی رسم می‌کنیم و به نقطه‌ای بالاتر از ۴۰، یعنی حدود ۴۵ می‌رسیم که این به معنی فراموش کردن حدود ۵۵ درصد از اطلاعات و باقی ماندن حدود ۴۵ درصد از آن است.

۳۳۵۷. **گزینهٔ ۳** تداخل زمانی ایجاد می‌شود که یادگیری قبلی، مانع یادآوری مطالبی شود که بعداً یاد گرفته‌ایم و یا یادگیری بعدی، مانع یادآوری مطالبی شود که قبلاً یاد گرفته‌ایم. در گزینهٔ «۲» به مفهوم انتقال اشاره شده که شما آن را در درس ۵ می‌خوانید.

۳۳۵۸. **گزینهٔ ۴** توجه به اطلاعات حافظهٔ حسی، موجب انتقال این اطلاعات به حافظهٔ کوتاه‌مدت می‌شود. بنابراین، کم‌توجهی یا عدم رمزگردانی اطلاعات حافظهٔ حسی، موجب تخریب این اطلاعات می‌شود.

۳۳۵۹. **گزینهٔ ۳** مطلب را در یک مکان به حافظه می‌سپاریم و در همان مکان هم به یاد می‌آوریم. مکان در این پرسش، در حکم نشانهٔ بیرونی است.

۳۳۶۰. **گزینهٔ ۴** مفهوم بیت این است که: «از مکانی که در آن خاطراتی داشته عبور می‌کند تا آن خاطرات برایش تازه شود». چه چیز باعث یادآوری خاطرات گذشته می‌شود؟ قرار گرفتن در مکانی که خاطرات در آنجا تجربه شده است. مکان در اینجا نشانهٔ بیرونی فراهم می‌کند؛ پس این بیت شعر به غلبه بر مشکلات مربوط به نشانهٔ بازیابی اشاره دارد.

۳۳۶۱. **گزینهٔ ۴** این گزینه نادرست است؛ زیرا بخش اجرایی حافظه مربوط به حافظهٔ کاری است، پس حافظهٔ کاری کمک خوبی برای اجرای وظایف و تکالیف ذهنی است؛ نه حافظهٔ بلندمدت.

۳۳۶۲. **گزینهٔ ۱** تأثیر یادگیری بعدی بر فراموش کردن مطالبی که قبلاً یادگیری شده‌اند، به اثر تداخل اشاره دارد که از طریق یادگیری با رعایت فاصلهٔ زمانی و یادگیری عمیق مطالب قابل پیشگیری است.

۳۳۶۳. **گزینهٔ ۲** استراحت کردن پس از یادگیری، تأثیر یادگیری یک مطلب بر یادآوری مطالب دیگر، یعنی اثر تداخل را کنترل می‌کند.

۳۳۶۴. **گزینهٔ ۱** با صدای بلند خواندن مطالب و هم‌زمان، نگاه کردن به تصاویر آن، به مطالعهٔ چندحسی اشاره دارد که به یادگیری عمیق و درنتیجه به کاهش اثر تداخل منجر می‌شود.

۳۳۶۵. **گزینهٔ ۲** در متن سؤال به استفاده از چند حس برای یادگیری مطالب اشاره شده است. استفاده از این روش به یادگیری عمیق منجر می‌شود، درنتیجه احتمال تداخل کاهش می‌یابد. چرا گزینهٔ «۴» نمی‌تواند پاسخ این پرسش باشد؟ چون در متن پرسش به کاهش عاملی اشاره شده که در ایجاد فراموشی نقش دارد و شکل‌گیری حافظهٔ کاذب، یکی از خطاهای اضافه کردن است؛ نه فراموشی اطلاعات.

۳۳۶۶. **گزینهٔ ۴** خواندن فهرست مطالب درس، مرور سریع آن و توجه کردن به عناوین اصلی و فرعی مطالب، به معنی این است که پیش‌خوانی اطلاعات صورت گرفته است.

۳۳۶۷. **گزینهٔ ۳** خلاصه‌نویسی، یکی از روش‌های حرکتی است.

۳۳۶۸. **گزینهٔ ۳** اثر آزمون، اصطلاحی است که برای کسب نشانه‌های بازیابی بیشتر در نتیجهٔ شرکت در آزمون‌های مکرر به کار می‌رود.

۳۳۶۹. **گزینهٔ ۴** حافظه، مکانیزمی است که داده‌های خام را برای شکل‌گیری تفکر فراهم می‌سازد، پس گزینه‌های «۱» و «۳» نادرست هستند؛ چون نانوا و نان در حکم مواد خام نیستند. گزینهٔ «۲» نیز نادرست است؛ چون وجود خمیر، تولید نان را تضمین نمی‌کند و به عوامل دیگر مثل نانوا نیز نیاز است.

روان‌شناسی — درس ۵

۳۳۷۰. **گزینهٔ ۳** اطلاعات حافظه ارزشمند است، چون تفکر ما را می‌سازد. داشتن حافظهٔ قوی، به خودیِ خود ارزشمند نیست، بلکه باید بتواند تفکر ما را بسازد، پس گزینهٔ «۲» را نمی‌توانیم به‌عنوان پاسخ این سؤال بپذیریم. گزینه‌های «۱» و «۴» را نیز به همین دلیل رد می‌کنیم.

۳۳۷۱. **گزینهٔ ۲** وقتی ما ندانیم چگونه از یک موقعیت به موقعیت دیگر برسیم، مسئله شکل می‌گیرد.

۳۳۷۲. **گزینهٔ ۲** با توجه به اشارهٔ متن سؤال، پاسخ باید با توجه به ویژگی‌های مسئله ارائه شود. در گزینهٔ «۲» به ویژگی مسئله اشاره نشده است.

۳۳۷۳. **گزینهٔ ۴** درک ما از مسئله، زمانی ناقص است که هدف روشن نباشد.

۳۳۷۴. **گزینهٔ ۴** عدم اتکای حل مسئله به فرایندهای خودکار و ناخودآگاه، بیانگر این است که هنگام حل مسئله کاملاً با آن درگیر می‌شویم و از آنچه انجام می‌دهیم، کاملاً آگاه هستیم؛ یعنی مسئله تحت کنترل ما است.

۳۳۷۵. **گزینهٔ ۴** متن سؤال را به دقت بخوان. ممکن است فقط به‌دلیل اینکه در متن سؤال به محدودیت اشاره شده و گزینهٔ «۲» نیز به محدودیت توانمندی اشاره دارد، این گزینه را پاسخ درست بدانی. محدودیت توانمندی نمی‌تواند به شناسایی محدودیت‌های موجود در مسیر حل مسئله که در این سؤال، یادگیری مطالب است، کمک کند. گزینهٔ «۳» نیز پاسخ این سؤال نیست؛ چون ارائهٔ راه‌حل بعد از شناسایی محدودیت‌های موجود برای حل مسئله امکان‌پذیر است، نه پیش از آن. تکلیف گزینهٔ «۱» هم روشن است. اما این نکته را هم بدان که منظور از محدودیت‌های موجود در مسیر حل مسئله، موانع احتمالی در مسیر حل مسئله است.

۳۳۷۶. **گزینهٔ ۳** در گزینه‌های «۱» و «۲» به ویژگی‌های مسئله اشاره نشده است. گزینهٔ «۴» نیز نادرست است، چون محدودیت توانمندی حل‌کنندهٔ مسئله به استفاده از راه‌حل‌های غیرمنطقی منجر می‌شود، نه به یافتن بهترین راه‌حل.

۳۳۷۷. **گزینهٔ ۱** هدف نظام تعلیم و تربیت از آموزش حل مسئله، صرفاً دستیابی به راه‌حل مسئلهٔ خاص نیست، بلکه دستیابی به قوانین تعمیم‌پذیر به موقعیت‌های دیگر نیز مورد نظر است و این کار به‌منظور پرورش افراد صورت می‌گیرد که بتوانند بر مشکلات روزمرهٔ خود غلبه کنند.

۳۳۷۸. **گزینهٔ ۳** در مسئلهٔ خوب‌تعریف‌شده، موقعیت اولیه و راه‌حل آن روشن و واضح است، نه نامحتمل که در گزینهٔ «۳» اشاره شده است.

۳۳۷۹. **گزینهٔ ۳** مسائل خوب‌تعریف‌نشده، علل متعددی دارند، به همین دلیل پیچیده هستند و به‌راحتی قابل تعریف نیستند.

۳۳۸۰. **گزینهٔ ۱** ترافیک شهرهای بزرگ، موضوعی است که در علوم انسانی بررسی می‌شود و علل متعددی برای آن وجود دارد؛ پس یک مسئلهٔ پیچیده و خوب‌تعریف‌نشده است. برای انتخاب شهردار اقدام مشخصی وجود دارد که براساس قوانین هر کشور تعیین می‌شود، پس خوب‌تعریف‌شده است. برای شرکت در مسابقات ورزشی نیز اقدام مشخصی وجود دارد که توسط فدراسیون‌های ورزشی جهانی تعیین می‌شود، پس خوب‌تعریف‌شده است. برای پخش غذا بین اعضای خانواده اقدام مشخصی وجود دارد و هر فرد می‌داند که چطور باید آن را انجام دهد و برای انجام آن کافی است از مسئله شروع کند و پیش برود، پس خوب‌تعریف‌شده است.

۳۳۸۱. **گزینهٔ ۲** سارا می‌خواهد نمرهٔ امتحان بعدیِ ریاضی خود را از ۱۱ به ۱۵ برساند. پس در این پرسش، هدف به‌طور دقیق روشن شده است، یعنی مسئله به‌طور دقیق تشخیص داده شده است. اگر بخواهیم از پاسخ خود مطمئن شویم، گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» را بررسی می‌کنیم که با توجه به اینکه این گزینه‌ها به مراحل بعد از اجرای راه‌حل مربوط می‌شوند و هنوز راه‌حلی برای مسئله اجرا نشده است، به‌راحتی حذف می‌شوند و تنها گزینهٔ «۲» باقی می‌ماند.

۳۳۸۲. **گزینهٔ ۱** انتخاب رشتهٔ تحصیلی دوم متوسطه، به معنی تعریف دقیق مسئله است که در مرحلهٔ تشخیص مسئله صورت می‌گیرد.

۳۳۸۳. **گزینهٔ ۳** ارزیابی راه‌حل انتخاب‌شده برای حل یک مسئله، ملاک روشنی برای فهم موقعیت ایجاد می‌کند.

۳۳۸۴. **گزینهٔ ۳** با مشاهدهٔ گزینه‌ها متوجه می‌شویم که یکی از مراحل حل مسئله مورد پرسش است. با توجه به این مراحل، دستیابی به درک بهتر از عملکرد، زمانی محقق می‌شود که آن را مورد ارزیابی قرار دهیم.

۳۳۸۵. **گزینهٔ ۲** افرادی که مسائل را به‌خوبی حل می‌کنند، تمایل دارند روش‌های قبلی را بهبود بخشند و از راه‌حل‌های جدید استفاده کنند.

۳۳۸۶. **گزینهٔ ۳** در گزینهٔ «۳» به عوامل مؤثر در حل مسئله اشاره نشده است.

۳۳۸۷. **گزینهٔ ۱** ناتوانی در استفاده از یک ابزار به‌شیوهٔ غیرمعمول به این معنی است که استفاده از آن ابزار به‌شیوهٔ معمولی که قبلاً تجربه شده، از حافظه بازیابی می‌شود و این اطلاعات مانع استفاده از آن ابزار به‌شیوهٔ غیرمعمول می‌شود، یعنی تجربهٔ گذشته (استفادهٔ معمولی از ابزار) مانع به‌کارگیری آن ابزار به‌شیوهٔ غیرمعمول می‌شود. تأثیر تجربهٔ گذشته بر حل مسئله، به انتقال اشاره دارد که اگر مانع حل مسئله شود، از نوع انتقال منفی خواهد بود.

۳۳۸۸. **گزینهٔ ۲** بازتولید مهارت‌های پیشین در موقعیت جدید، به معنی به‌کارگیری تجربهٔ گذشته در موقعیت جدید است و این به معنیِ تأثیر انتقال بر توانایی حل مسئله است.

۳۳۸۹. **گزینهٔ ۳** تسریِ مهارت از موقعیت پیشین به موقعیت فعلی، به تأثیر یادگیری گذشته بر حل مسئله، یعنی به انتقال اشاره دارد.

۳۳۹۰. **گزینهٔ ۱** تغییر تصور، به معنی تغییر نوع نگاه یا تغییر بازنمایی است. همیشه باید به متن سؤال دقت فوق‌العاده داشته باشیم. در این پرسش به غلبه بر تأثیر عاملی که موجب ناتوانی ما در حل مسئله می‌شود، اشاره شده است. توجه به همین نکته باعث می‌شود که ما به‌راحتی بتوانیم گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» را حذف کنیم؛ چون موارد مطرح‌شده در گزینه‌های «۲» و «۳» توانایی ما در حل مسئله را افزایش می‌دهند. در گزینهٔ «۴» نیز به عدم انتقال اشاره شده و از این جهت نادرست است که تغییر تصور از یک چیز؛ ارتباطی با آن ندارد.

۳۳۹۱. **گزینهٔ ۳** در متن سؤال گفته شده «هیچ‌یک از راهبردهای پیشین را که به خاطر می‌آورید، برای حل مسئله مناسب نیست.» پس به راهبردهای جدید نیاز داریم. تحکیم چارچوب‌های ذهنی خاص در گزینهٔ «۱» به شیوهٔ ثابت و غیرقابل تغییر حل مسئله اشاره دارد، پس بازیابی راهبردهای جدید را امکان‌پذیر نمی‌کند و نادرست است. تشخیص نادرست بودن گزینهٔ «۲» نیز دشوار نیست. گزینهٔ «۴» نیز ارتباطی با این پرسش ندارد. اما در گزینهٔ «۳» به اثر نهفتگی اشاره شده که موجب می‌شود عوامل و اطلاعاتی که مانع حل مسئله می‌شوند را کنار بگذاریم و از طریق بازنمایی جدید مسئله، اطلاعات جدید را بازیابی و مسئله را حل کنیم.

۳۳۹۲. **گزینهٔ ۴** موارد مطرح‌شده در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» به حل مسئله کمک می‌کنند؛ اما انتقال منفی مانع حل مسئله می‌شود.

۳۳۹۳. **گزینهٔ ۳** تسهیل یادگیری بعدی، تحت تأثیر یادگیری قبلی، بیانگر تأثیر تجربه بر حل مسئله یا انتقال است. دقت داشته باشید که تداخل زمانی اتفاق می‌افتد که یادگیری یک مطلب، یادآوری مطلب دیگر را مختل سازد، نه یادگیری آن را.

۳۳۹۴. **گزینهٔ ۱** تأثیر یادگیری گذشته بر حل مسئله را انتقال می‌نامند.

۳۳۹۵. **گزینهٔ ۳** عامل مؤثر بر خروج از بن‌بست ناتوانی در حل مسئله با نگاه فعلی، تغییر بازنمایی از مسئله است.

۳۳۹۶. **گزینهٔ ۱** روش تحلیلی در بسیاری از موارد زمان‌بر است؛ نه همیشه و همواره.

۳۳۹۷. **گزینهٔ ۳** روش تحلیلی عمدتاً زمان‌بر است، از این رو، گرایش افراد به استفاده از آن کمتر از روش‌های اکتشافی است. اما روش تحلیلی مورد قبول همه است؛ چون دستیابی به راه‌حل را تضمین می‌کند.

۳۳۹۸. **گزینهٔ ۲** در گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» به ویژگی‌های روش تحلیلی اشاره شده است.

۳۳۹۹. **گزینهٔ ۲** متن سؤال به این نکته اشاره دارد که با توجه به تجربهٔ گذشته، حدس می‌زنیم که عروسک باید جایی باشد که خواهر کوچک ما بیشتر در آن مکان‌ها بازی می‌کند. یعنی روشی را براساس نظر شخصی خود برای حل مسئله اتخاذ می‌کنیم؛ پس از روش اکتشافی استفاده می‌کنیم، نه روش تحلیلی. روش اتخاذشده، روش اکتشافی است ولی ویژگی‌های روش شروع از آخر یا روش بارش فکری که در گزینهٔ «۴» اشاره شده را ندارد، پس گزینهٔ «۲» درست است.

۳۴۰۰. **گزینهٔ ۲** نکتهٔ مورد توجه در این پرسش، اشارهٔ آن به جمع‌آوری فهرستی از ایده‌ها یا راه‌حل‌ها و رسیدن به یک راه‌حل از طریق جمع‌بندی آن‌ها است که ویژگی روش بارش مغزی است.

۳۴۰۱. **گزینهٔ ۱** در روش بارش مغزی است که همهٔ راه‌حل‌های احتمالی ارائه و معیاری برای ارزیابی آن‌ها تعیین و در نهایت بهترین راه‌حل انتخاب می‌شود.

۳۴۰۲. **گزینهٔ ۱** روش تحلیلی مورد قبول همه است.

۳۴۰۳. **گزینهٔ ۴** افرادی که دانش و تجربهٔ لازم در حل مسئله را دارند، نسبت به دیگران احساس عاطفی مثبت‌تری دارند، زندگی را شیرین می‌دانند و از بودن با دیگران ابراز رضایت می‌کنند.

۳۴۰۴. **گزینهٔ ۲** پاسخ این سؤال، قطعاً تعارض نیست؛ چون موضوع مورد پرسش، ناتوانی در تصمیم‌گیری نیست. در مورد گزینه‌های «۳» و «۴» نیز در کتاب درسی سخنی به میان نیامده است. اما وقتی متن سؤال را تجزیه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که آقای جعفری هدفی داشته (استخدام در شغل مورد علاقه) که در رسیدن به آن موفق نبوده است، یعنی مسئله‌ای وجود داشته و او در حل آن ناتوان بوده است. ناتوانی در حل مسئله موجب بروز ناکامی می‌شود.

۳۴۰۵. **گزینهٔ ۱** فشار روانی علاوه بر ناکامی، یکی از پیامدهای ناتوانی در حل مسئله است و با پرورش روش‌های کارآمد حل مسئله کاهش می‌یابد.

۳۴۰۶. **گزینهٔ ۴** افرادی که مدام در حالت فشار روانی قرار دارند، روش‌های کارآمد حل مسئله را نمی‌دانند.

روان‌شناسی — درس ۶

۳۴۰۷. **گزینهٔ ۴** عالی‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت شناختی انسان ← تصمیم‌گیری

۳۴۰۸. **گزینهٔ ۱** حضرت علی (ع) دربارهٔ اهمیت مشورت کردن در تصمیم‌گیری می‌فرماید: «آن کس که از افکار و ... صحیح را از خطا به‌خوبی تشخیص می‌دهد.»

۳۴۰۹. **گزینهٔ ۳** سخن حضرت علی (ع) مبنی بر «چون به یقین رسیدید، اقدام کنید»، بر تصمیم‌گیری تأکید دارد.

۳۴۱۰. **گزینهٔ ۴** در یک تصمیم‌گیری ممکن است همهٔ اولویت‌ها مطلوب نباشد، پس گزینهٔ «۱» نادرست است. گزینهٔ «۲» نیز نادرست است؛ چون جست‌وجوی روش‌های موفق و کارآمد، مربوط به حل مسئله است، نه تصمیم‌گیری. اما چرا گزینهٔ «۳» نادرست است؟ چون در تصمیم‌گیری، هر اولویتی می‌تواند فرد را به مقصد برساند، ولی ممکن است اولویت مطلوب نباشد.

۳۴۱۱. **گزینهٔ ۴** در تصمیم‌گیری، بیشتر با اولویت‌ها سروکار داریم.

۳۴۱۲. **گزینهٔ ۲** در این تصمیم تنها یک ویژگی، یعنی سابقهٔ تدریس در نظر گرفته شده و انتخاب از میان دو متقاضی است؛ پس به بررسی و مطالعهٔ طولانی نیاز ندارد و به اندازهٔ کافی ساده است. اما از آنجا که نحوهٔ تدریس استادان، تعداد زیادی از دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یک تصمیم مهم است. این را هم بدانیم که انتخاب توسط کمیتهٔ گزینش صورت می‌گیرد، پس یک تصمیم گروهی است.

۳۴۱۳. **گزینهٔ ۲** شکی نیست که این تصمیم، یک تصمیم مهم است، اما پرخطر نیز هست، چون در مورد نتایج آن عدم قطعیت وجود دارد و اطمینانی نیست که آیا ساختمان ریزش می‌کند و نیروهای آتش‌نشانی همراه با مردمی که در دام آتش افتاده‌اند، از بین می‌روند یا فرصتی برای نجات مردم توسط آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین پیچیده نیز هست.

۳۴۱۴. **گزینهٔ ۴** در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» به تصمیمات مهمی اشاره شده که در آن‌ها باید ویژگی‌های متعددی در نظر گرفته شود و با توجه به برآورد ویژگی‌ها، تصمیم مورد نظر اتخاذ شود، به همین دلیل تصمیمات پیچیده‌ای هستند. اما انتخاب لباس برای مهمانی یک تصمیم ساده است؛ چون تنها سلیقهٔ فرد در آن دخالت دارد.

۳۴۱۵. **گزینهٔ ۳** گزینهٔ «۱» نادرست است؛ چون افراد مختلف در برخی از تصمیم‌گیری‌ها به‌طور یکسان عمل می‌کنند. گزینهٔ «۲» نادرست است؛ چون دشوار بودنِ تصمیم‌گیری، تابع توانمندی، نگرش و تجربیات شخصی افراد است. گزینهٔ «۳» درست است؛ چون افراد در تصمیماتی که بُعد شخصی دارد براساس ویژگی‌های خود تصمیم می‌گیرند. گزینهٔ «۴» نیز نادرست است؛ چون تصمیم‌گیری‌های شخصی می‌تواند ساده باشد، مانند تصمیم‌گیری برای انتخاب غذا.

۳۴۱۶. **گزینهٔ ۴** درک متن این پرسش شاید کمی دشوار باشد، به همین دلیل ابتدا بهتر است به گزینه‌ها نگاه کنیم و ببینیم آیا می‌توانیم تعدادی از آن‌ها را حذف کنیم؟ از متن این پرسش، هیچ‌یک از سبک‌های منطقی، اجتنابی و وابسته برداشت نمی‌شود؛ پس گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» را حذف می‌کنیم و تنها گزینهٔ «۴» باقی می‌ماند. اما چرا گزینهٔ «۴» درست است؟ چون انتخاب یک گزینه، صرفاً براساس جذاب بودن آن گزینه، به معنی انتخاب براساس حس و میل درونی است و انتخاب براساس حس درونی، ویژگی سبک احساسی است.

۳۴۱۷. **گزینهٔ ۲** این حدیث ما را از تصمیم‌گیری به هنگام عصبانیت، یعنی زمانی که احساس و هیجان خشم را تجربه می‌کنیم، منع کرده است؛ پس به اجتناب از تصمیم‌گیری به سبک احساسی تأکید دارد.

۳۴۱۸. **گزینهٔ ۳** پذیرش تصمیم دیگران حتی در صورت نامناسب بودن آن برای فرد، به معنی اطاعت کورکورانه از تصمیمات دیگران است و دلیل پذیرش تصمیمات دیگران از سوی این فرد این است که دیگران چنین تصمیمی برای او گرفته‌اند.

۳۴۱۹. **گزینهٔ ۲** شناسایی انتخاب‌های ممکن، ارزیابی نتایج هر انتخاب و گزینش انتخاب بهینه، به سبک تصمیم‌گیری منطقی اشاره دارد. گزینه‌های «۱» و «۴» با این سؤال ارتباط ندارند، اما گزینهٔ «۳» نیز نادرست است، چون آخرین مرحلهٔ تصمیم‌گیری، بررسی پیامدها و نتایج اجرای اولویت‌ها است.

۳۴۲۰. **گزینهٔ ۳** تعیین گزینه‌های مناسب، به معنی شناسایی تعداد اولویت‌های تصمیم است که در مرحلهٔ دوم تصمیم‌گیری انجام می‌شود.

۳۴۲۱. **گزینهٔ ۴** بررسی مزایا و معایب هر یک از انتخاب‌ها به معنی ارزیابی پیامدهایی است که هر انتخاب می‌تواند به همراه داشته باشد، پس در مرحلهٔ چهارم تصمیم‌گیری قرار دارد.

۳۴۲۲. **گزینهٔ ۴** انتخاب رشتهٔ تحصیلی از میان چهار رشته ← شناسایی تعداد اولویت‌ها

مطالعهٔ دقیق، هدفمند و کارآمد دروس رشتهٔ انتخاب‌شده ← تعهد و پایبندی به اجرای اولویت مورد نظر

۳۴۲۳. **گزینهٔ ۳** مرحلهٔ اول ← انتخاب رشتهٔ تحصیلی

مرحلهٔ چهارم ← بررسی امنیت شغلی و علایق تحصیلی

۳۴۲۴. **گزینهٔ ۱** اجرای بهترین اولویت ← مرحلهٔ پنجم

شناسایی تعداد انتخاب‌ها ← مرحلهٔ دوم

۳۴۲۵. **گزینهٔ ۱** تعارض زمانی ایجاد می‌شود که فرد در تصمیم‌گیری ناتوان باشد.

۳۴۲۶. **گزینهٔ ۳** گزینهٔ «۱» ارتباطی با تعارض ندارد. گزینهٔ «۲» به تعارض گرایش - اجتناب اشاره دارد. گزینهٔ «۳» به تعریف تعارض اشاره دارد که در مورد انواع تعارض‌ها درست است. گزینهٔ «۴» نیز ارتباطی با متن پرسش ندارد.

۳۴۲۷. **گزینهٔ ۳** پس‌انداز کردن (خواستنی) - خریدن وسیلهٔ مورد نیاز (خواستنی) ← تعارض گرایش - گرایش

۳۴۲۸. **گزینهٔ ۴** پریدن با چتر (خواستنی) - سقوط کردن (ناخواستنی) ← گرایش - اجتناب

۳۴۲۹. **گزینهٔ ۱** جملهٔ الف: بازیابی سلامتی (خواستنی) - غذاهای خوشمزه (خواستنی) ← تعارض گرایش - گرایش

جملهٔ ب: هر دو درمان با عوارض همراه است (هر دو ناخواستنی) ← تعارض اجتناب - اجتناب

۳۴۳۰. **گزینهٔ ۴** استفاده از روش‌های میان‌بر، به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌های پیچیده و مهم مناسب است.

۳۴۳۱. **گزینهٔ ۱** ابتدا به این نکته توجه کنید که واژهٔ درست‌تر موجب سردرگمی شما نشود. ما در این تست فقط یک پاسخ درست داریم و آن هم گزینهٔ «۱» است. گزینهٔ «۲» از این جهت نادرست است که تعارض، نتیجهٔ ناتوانی در تصمیم‌گیری است؛ نه ناشی از سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری. گزینهٔ «۳» نیز اساساً نادرست است. گزینهٔ «۴» نیز نادرست است؛ چون روش میان‌بر در همهٔ تصمیم‌گیری‌ها، روش مناسبی نیست.

روان‌شناسی — درس ۷

۳۴۳۲. **گزینهٔ ۱** بررسی چرایی بی‌حوصله یا شاداب بودن افراد، به معنیِ بررسی علت یا چراییِ رفتار است.

۳۴۳۳. **گزینهٔ ۴** بررسی علت یا چرایی رفتار، به معنای توجه به عوامل انگیزشیِ رفتار است.

۳۴۳۴. **گزینهٔ ۴** در بررسی چرایی رفتار، هم به عوامل زیستی و هم به عوامل فرازیستی توجه می‌شود. گزینهٔ «۱» نادرست است، چون در آن تنها به بخشی از پاسخ اشاره شده است. گزینهٔ «۲» نیز نادرست است؛ زیرا عوامل فرازیستی، در مورد به حرکت درآوردن رفتار انسان صادق است. گزینهٔ «۳» نیز اساساً نادرست است.

۳۴۳۵. **گزینهٔ ۱** انگیزه محرک رفتار است، نه برعکس آن، که در گزینهٔ «۱» بیان شده است.

۳۴۳۶. **گزینهٔ ۴** نیروی محرکهٔ انسان، انگیزه است که جهت و شدت آن در افراد مختلف متفاوت است.

۳۴۳۷. **گزینهٔ ۲** «انجام یک فعالیت به‌خاطر خودِ فعالیت»، به انگیزهٔ درونی اشاره دارد، اما «کسب پاداش محیطی برای انجام فعالیت» که در گزینهٔ «۲» به آن اشاره شده، بیانگر انگیزهٔ بیرونی است.

۳۴۳۸. **گزینهٔ ۳** در جملهٔ «الف»، درس خواندن، رفتاری است که برای خوشحال کردن والدین برانگیخته شده است. خوشحال کردن والدین، عامل بیرونی است، پس انگیزهٔ بیرونی در برانگیختگی درس خواندن نقش داشته است. در جملهٔ «ب»، انگیزهٔ درونی در برانگیخته شدن رفتار نقش دارد، چون علاقه، عامل درونی است که حسین را به تلاش برای دستیابی به قله وادار کرده است.

۳۴۳۹. **گزینهٔ ۱** در جملهٔ اول، عامل برانگیزانندهٔ رفتار (انجام به‌موقعِ تکالیف)، تماشای بازی فوتبال است که خارج از فرد قرار دارد، پس بیرونی است. در جملهٔ دوم، عامل برانگیزانندهٔ رفتار (درس خواندن)، کسب نمرهٔ قبولی در امتحان است که یک عامل بیرونی است.

۳۴۴۰. **گزینهٔ ۳** در عبارت اول، عامل برانگیزانندهٔ رفتار (صحبت کردن با دوستان)، رفع نیاز پیوندجویی است. نیاز پیوندجویی، یک نیاز روانی است، پس درونی است. در عبارت دوم، عامل برانگیزانندهٔ رفتار (خوردن آسپرین)، اجتناب از درد است. اجتناب کردن از درد، یک میل درونی است، پس منبع انگیزش درونی دارد.

۳۴۴۱. **گزینهٔ ۲** رفتاری که با انگیزهٔ درونی برانگیخته شده باشد، ماندگاری بیشتری دارد. در گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»، عوامل بیرونی، یعنی به‌ترتیب، «کسب نمرهٔ خوب»، «متأثر شدن همکاران» و «خوشحال شدن والدین»، فرد را به انجام کاری برمی‌انگیزد، اما در گزینهٔ «۲» به «لذت بردن از کار کردن» اشاره شده که بیانگر تأثیر انگیزهٔ درونی در برانگیخته شدن رفتار است.

۳۴۴۲. **گزینهٔ ۱** عامل برانگیزانندهٔ رفتار در گزینهٔ «۱» علاقه، و درونی است. عوامل برانگیزاننده در گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» به‌ترتیب، جریمه نشدن، دستیابی به بهترین نمرهٔ و دریافت تشویق، و بیرونی هستند.

۳۴۴۳. **گزینهٔ ۴** واکنش‌پذیری جزء عوامل نگرشی محسوب نمی‌شود.

۳۴۴۴. **گزینهٔ ۴** داشتن اعتقاد راسخ و قوی به چیزی، باورهای ما را شکل می‌دهد.

۳۴۴۵. **گزینهٔ ۴** با شکل‌گیری باورهای غلط، حتی با وجود توانایی لازم برای انجام یك کار، باز هم قادر به انجام موفقیت‌آمیز آن نخواهیم بود.

۳۴۴۶. **گزینهٔ ۱** اهداف بسیار کوچک، بی‌ارزش و زودگذر موجب ایجاد انگیزهٔ تلاش در فرد نمی‌شود؛ زیرا انجام آن با احساس ارزشمندی، افتخار و غرور همراه نیست.

۳۴۴۷. **گزینهٔ ۴** حرکت هواپیما، به‌طور مستقیم به‌سمت مقصد، بیانگر هدفمندی و انتخاب دقیق هدف از سوی خلبان است.

۳۴۴۸. **گزینهٔ ۳** انجام رفتارهایی که برخلاف باورها و نگرش ما است، موجب ایجاد ناهماهنگی شناختی در ما می‌شود.

۳۴۴۹. **گزینهٔ ۴** ناهماهنگی شناختی زمانی ایجاد می‌شود که ما دو شناخت هم‌زمان و متناقض یا ناهمخوان با هم داشته باشیم.

۳۴۵۰. **گزینهٔ ۲** متن سؤال را تجزیه می‌کنیم: ۱- می‌داند رفتارش غیراخلاقی است (نگرش). ۲- رفتار غیراخلاقی را انجام می‌دهد (رفتار). ۳- خود را متقاعد می‌کند که رفتارش اخلاقی بوده است؛ یعنی شناخت خود، مبنی بر غیراخلاقی بودن رفتارش را تغییر داده است.

۳۴۵۱. **گزینهٔ ۳** متن سؤال را تجزیه می‌کنیم: ۱- می‌گوید از مریم خوشم نمی‌آید (نگرش) که با احساس منفی همراه است. ۲- به او گل می‌دهد (رفتار) که با احساس مثبت همراه است. ۳- این جمله که من کلاً از اینکه به کسی گل بدهم خوشم می‌آید، با احساس مثبت همراه است که به رفتارش اضافه می‌شود و ارزیابی مثبت رفتار را نیرومند می‌کند و از این طریق، اهمیت رفتارش را افزایش می‌دهد.

۳۴۵۲. **گزینهٔ ۴** متن سؤال را تجزیه می‌کنیم: ۱- برای قبول شدن در یک رشته تلاش می‌کند (رفتار). ۲- می‌داند که به آن رشته علاقه ندارد (شناخت)؛ ۳- با گفتن جملهٔ «این رشته شرایط اقتصادی مرا تغییر می‌دهد» به تلاش خود ادامه می‌دهد. با توجه به این سه مورد می‌توانیم بگوییم که بین آگاهی او از رفتار و شناختش نسبت به بی‌علاقه‌گی‌اش به رشتهٔ خاص تضاد وجود دارد و او با بیان جملهٔ «این رشته شرایط اقتصادی ...» در جهت حفظ هماهنگی شناختی خود تلاش می‌کند که در گزینه‌های «۳» و «۴» به راه‌های آن اشاره شده است. اما او با بیان این جمله، رفتارش را تغییر نداده، بلکه نگرشش را بی‌اهمیت جلوه داده است. دقت داشته باشید که هدف ناصر قبول شدن در یک رشتهٔ خاص است، پس او هدفش را تغییر نداده و گزینهٔ «۱» نادرست است. گزینهٔ «۲» نیز پاسخ این سؤال نیست؛ چون جملهٔ مذکور می‌تواند درست باشد.

۳۴۵۳. **گزینهٔ ۱** تأثیر موارد مثبتِ بیشتر در پیرامون یك موضوع بر افزایش گرایش فرد به استفاده از آن موضوع، بیانگر وجود پیوندهای هماهنگ میان عناصر موجود در نظام شناختی او است.

۳۴۵۴. **گزینهٔ ۴** عناصر نگرش شامل شناخت، احساس و آمادگی برای عمل است.

۳۴۵۵. **گزینهٔ ۴** وقتی فردی نمی‌خواهد کاری را انجام دهد، به این معنی است که آن کار با خواسته‌ها و افکار او مغایر است و انجام آن موجب بروز ناهماهنگی شناختی می‌شود.

۳۴۵۶. **گزینهٔ ۲** متن سؤال را تجزیه می‌کنیم: لازمهٔ دویدن و ادامهٔ آن: ۱- برخورداری از احساس توانایی برای انجام آن و ۲- به دست آوردن منافع جسمانی و روانی است؛ یعنی انجام یک عمل نیازمند: ۱- برخورداری از احساس کارایی لازم برای انجام آن و ۲- دستیابی به نتیجهٔ مطلوب از آن است که اولی، به ادراک کارایی و دومی، به ادراک کنترل اشاره دارد.

۳۴۵۷. **گزینهٔ ۲** قضاوت‌های علّی که افراد دربارهٔ موفقیت یا شکست‌های خود انجام می‌دهند، اسناد نام دارد.

۳۴۵۸. **گزینهٔ ۱** وقتی افراد شکست خود را به عوامل غیرقابل کنترل و پایدار نسبت می‌دهند دلسرد می‌شوند و برای جبران آن انگیزهٔ کمی دارند.

۳۴۵۹. **گزینهٔ ۳** جبران شکست‌ها، زمانی با موفقیت همراه است که شکست‌های خود را به عوامل قابل کنترل و ناپایدار، مانند تلاش و برنامه‌ریزی نسبت دهیم. توانایی و دشواری تکلیف، عوامل غیرقابل کنترل و پایدار هستند.

۳۴۶۰. **گزینهٔ ۳** زمانی که افراد کوشش را با پیشرفت مرتبط ندانند، این اعتقاد در آن‌ها شکل می‌گیرد که رویدادها در کنترل آن‌ها نیست، درنتیجه، دچار درماندگی آموخته‌شده می‌شوند.

۳۴۶۱. **گزینهٔ ۳** مستقل بودن رفتار از خودِ رفتار، به درماندگی آموخته‌شده منجر می‌شود.

۳۴۶۲. **گزینهٔ ۳** این پرسش از کتاب نظام قدیم طراحی شده است، اما شما از طریق حذف تدریجی گزینه‌ها، قادر به پاسخ‌گویی به آن هستید. در ابتدا گزینهٔ «۱» را حذف می‌کنیم؛ چون در کتاب نظام جدید به آن اشاره نشده است. منفی بودنِ فشار روانی موجب کناره‌گیری از آن نمی‌شود؛ بنابراین گزینهٔ «۲» نیز حذف می‌شود. گزینهٔ «۳» درست است؛ چون ما زمانی دچار درمانگی آموخته‌شده می‌شویم که یاد بگیریم ناتوان هستیم و هیچ کنترلی بر پیامدها نداریم و نمی‌توانیم با تلاش خود پیامدهایی را که می‌خواهیم، به دست آوریم. با این توضیح، گزینهٔ «۴» را نیز حذف می‌کنیم.

روان‌شناسی درس ۸

۳۴۶۳. **گزینهٔ ۴** روان‌شناسی سلامت از یافته‌های روان‌شناسی برای درمان بیماری‌های جسمانی بهره می‌برد؛ نه درمان قطعی بیماری‌های روانی که در گزینهٔ «۴» به آن اشاره شده است.

۳۴۶۴. **گزینهٔ ۳** گزینهٔ «۱»: هرچه از مرکز پیوستار سلامت به‌سمت چپ برویم، ابتلا به بیماری افزایش می‌یابد که نیازمند درمان است.
گزینهٔ «۲»: درمان، وضعیت بیماری را به‌سوی بهبودی پیش می‌برد، یعنی فرد را از سمت چپ به میانهٔ پیوستار نزدیک می‌کند.
گزینهٔ «۳»: نادرست است، چون بیماری و سلامت، دو جنبهٔ کاملاً جدا از هم نیستند و مرز مشخصی بین آن‌ها وجود ندارد.
گزینهٔ «۴»: دستیابی به وضعیت سلامتِ فراتر از حد متوسط، به معنی دستیابی به سلامت در وضعیت راست پیوستار است. برای اینکه یک فرد از میانهٔ پیوستار به‌سمت راست (به‌سمت سلامت کامل) پیش برود، شیوه‌های زندگی او باید بهبود پیدا کند.

۳۴۶۵. **گزینهٔ ۲** بهبود مشکلات جسمانی یک فرد، به‌طور خودبه‌خود و بدون نیاز به مداخلهٔ درمانی، بیانگر این است که او در نقطهٔ علائم متوسط، یعنی در میانهٔ پیوستار سلامت قرار دارد.

۳۴۶۶. **گزینهٔ ۳** نقطهٔ A: شیوهٔ زندگی نسبتاً سالم
نقطهٔ B: ناتوانی نسبتاً شدید

۳۴۶۷. **گزینهٔ ۲** به‌کارگیری شیوه‌های سالم رفتاری، موجب حفظ سلامتی و ارتقای آن می‌شود.

۳۴۶۸. **گزینهٔ ۲** برای پاسخ گفتن به این سؤال، باید درس ۸ را به‌سرعت در ذهن خود مرور کنیم؛ یعنی باید تعریف روان‌شناسی سلامت را به یاد بیاوریم و بدانیم روان‌شناسی سلامت، تأثیر متقابل عوامل جسمانی و روانی در سلامت را بررسی می‌کند و همین‌طور بدانیم که نقش سبک زندگی در ایجاد بیماری (که تغذیه، ورزش و استرس و مقابله با آن از موارد مهم سبک زندگی هستند) در روان‌شناسی سلامت بررسی می‌شود. یادآوریِ این موارد به ما کمک می‌کند بتوانیم بگوییم گزینهٔ «۲» از موارد مورد بررسی در روان‌شناسی سلامت نیست؛ چون به تأثیر تغییرات جسمی (یعنی مسدود شدن رگ‌ها) در بروز بیماری اشاره دارد که مربوط به حوزهٔ علم پزشکی است.

۳۴۶۹. **گزینهٔ ۳** عبارت «عصبانیتِ فرد مبتلا به دیابت» به این معنی است که ابتلای فرد به دیابت (بیماری جسمانی)، به عصبانیت (متغیر روان‌شناختی) او منجر شده است. پس متغیر روان‌شناختی در اینجا، پیامد بیماری جسمانی است. گزینه‌های «۲» و «۴» اساساً نادرست هستند.

۳۴۷۰. **گزینهٔ ۴** در این سؤال به ارتباط رفتارهای ناسالم، مثل خوردن غذاهای پرچرب و افزایش احتمال ابتلا به بیماری‌ها اشاره شده است. بنابراین، گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» نمی‌توانند پاسخ این سؤال باشند.

۳۴۷۱. **گزینهٔ ۱** کسب نمرهٔ ۲۵ در پرسش‌نامهٔ سبک زندگی که در فعالیت ۸ - ۳ کتاب درسی مطرح شده، به معنیِ عدم آسیب‌پذیری در برابر فشار روانی است.

۳۴۷۲. **گزینهٔ ۳** اگر به تصویر صفحهٔ ۱۹۳ کتاب درسی دقت کنید، متوجه می‌شوید که بیشترین میزان مصرف مواد غذایی در رژیم غذایی سالم، به مواد سرشار از کربوهیدرات‌ها، از جمله نان، غلات و ماکارونی تعلق دارد و پس از آن، مصرف میوه و مواد فیبردار (یعنی سبزیجات) در رتبهٔ دومِ میزان مصرف قرار می‌گیرد.

۳۴۷۳. **گزینهٔ ۳** روبه‌رو شدن با تغییر در زندگی و نیاز به سازگاری مجدد با آن شرایط را فشار روانی می‌گویند.

۳۴۷۴. **گزینهٔ ۴** به نیاز برای دوباره سازگار شدن با شرایط جدید زندگی، فشار روانی می‌گویند.

۳۴۷۵. **گزینهٔ ۲** تلاش برای انجام یک کار به معنی این است که فرد موقعیت را به‌صورت چالش ارزیابی می‌کند، درنتیجه، فشار روانی مثبت را تجربه می‌کند، اما اگر به‌جای گزینهٔ «۲» گفته شده بود، تلاش برای کاری که فرد می‌داند از عهدهٔ آن برنمی‌آید، به معنی تجربهٔ فشار روانی منفی بود؛ چون در آن صورت، موقعیت را فراتر از توانایی خود ارزیابی می‌کرد و خود را در پیشبرد کار ناتوان می‌دید.

۳۴۷۶. **گزینهٔ ۱** گزینهٔ «۲»: در حالت خونسرد بودن، فشار روانی وجود ندارد.
گزینهٔ «۳»: در فشار روانی منفی، فرد موقعیت را به‌صورت تهدیدآمیز ارزیابی می‌کند، نه چالش.
گزینهٔ «۴»: تجربهٔ احساس ناخوشایند در فشار روانی منفی، باعث می‌شود فرد نتواند به هدف دست یابد؛ نه اینکه برای حذف احساس ناخوشایند تلاش کند.

۳۴۷۷. **گزینهٔ ۳** تپش قلب ← جسمانی / بی‌قراری ← هیجانی / این پا و آن پا کردن ← رفتاری / کاهش هشیاری ← شناختی

۳۴۷۸. **گزینهٔ ۱** نفس کشیدن به‌صورت کوتاه و سریع، به معنیِ تند شدن تنفس است که از علائم جسمانیِ استرس است. سوءاستفاده‌های دارویی و مواد مخدر، به معنیِ مصرف دارو و مواد مخدر است؛ پس رفتاری است. غیبت کردن از مدرسه یا کار، رفتار اجتنابی است (یعنی از حضور یافتن در محل کار اجتناب می‌شود)، پس رفتاری است. عیب‌جویی و بهانه‌جویی کردن نیز رفتار است.

۳۴۷۹. **گزینهٔ ۳** دقت داشته باشید که علامت هیجانی مورد پرسش است. بیان کلمات با فشار را در افرادی مشاهده می‌کنیم که دچار لکنت هستند و هنگام بیان یک کلمه، بعد از وقفه‌ای کوتاه، آن را به‌طور ناگهانی و با تشنج بیان می‌کنند، اما به هر حال، بیان کلمات و سخن گفتن، به هر شکلی که انجام شود، رفتار است. استدلال، علامت شناختی است. نگرانی و ناراحتی، علامت هیجانی است. گرفتگی عضلات، علامت جسمانی است.

۳۴۸۰. **گزینهٔ ۲** فشار روانی، زمانی احساس می‌شود که فرد براساس برداشت اولیهٔ خود از موقعیت، به سؤال «آیا خطری مرا تهدید می‌کند؟» پاسخ مثبت دهد.

۳۴۸۱. **گزینهٔ ۳** ارزیابی کنترل شخصی در مقابله با فشار روانی، مربوط به مرحله‌ای است که در آن، به سؤال «آیا می‌توانم کاری برای تغییر موقعیت انجام دهم؟» پاسخ داده می‌شود. اگر به گزینه‌ها توجه کنید، متوجه می‌شوید که گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» می‌توانند پاسخ‌های این پرسش باشند. اما در

گزینهٔ «۳»، موقعیت فشارآور ارزیابی شده، یعنی به سؤال «آیا خطری مرا تهدید می‌کند؟» پاسخ داده شده که مربوط به مرحلهٔ ابتداییِ مقابله با فشار روانی است.

۳۴۸۲. **گزینهٔ ۲** ارزیابی معنای ضمنی موقعیت فشارآور بر سلامت فرد، مرحله‌ای از مقابله با فشار روانی است که ما در آن مرحله، موقعیت فشارآور را ارزیابی می‌کنیم تا ببینیم آیا خطری برای ما دارد یا نه.

۳۴۸۳. **گزینهٔ ۴** به‌کارگیری قواعد منطقی، یکی از روش‌های حل مسئله است.

۳۴۸۴. **گزینهٔ ۱** این دانشجو از روش حل مسئله سود برده است؛ چون منبع استرس (عدم همکاری هم‌اتاقی‌اش) را یک مسئله در نظر گرفته و با بررسی موارد مختلف، به این راه‌حل رسیده که با او گفت‌وگو و او را به همکاری بیشتر ترغیب کند.

۳۴۸۵. **گزینهٔ ۳** دقت داشته باشید که عبارت «کدام درست‌تر است؟» در متن این پرسش شما را گیج نکند؛ چون در یک سؤال، قطعاً فقط یک گزینه درست است. ما می‌دانیم که روش شوخ‌طبعی برای سازگار شدن با استرس به کار می‌رود؛ نه فراموش کردن آن. پس گزینهٔ «۱» نادرست است. تمرین آرام‌سازی، یکی از روش‌های مقابلهٔ سازگارانه است. هدف افرادی که از روش‌های مقابلهٔ سازگارانه استفاده می‌کنند، برطرف کردن یا به حداقل رساندن و تحمل فشار روانی است؛ نه فراموش کردن آن. پس گزینهٔ «۲» نیز نادرست است، اما ما می‌دانیم که سلامتی افراد تحت تأثیر استرس زیاد، به خطر می‌افتد و انجام فعالیت بدنی در شرایط استرس زیاد باعث بی‌توجهی فرد نسبت به عامل فشارآور و کاهش استرس می‌شود؛ درنتیجه به حفظ سلامتی کمک می‌کند. بنابراین گزینهٔ «۳» درست است. گزینهٔ «۴» اما نادرست است؛ چون خوردن دارو در کتاب درسی به‌عنوان مقابلهٔ ناسازگارانه معرفی شده که نه‌تنها به کنترل فشار روانی کمک نمی‌کند، بلکه تأثیر مخرب بر سلامتی فرد دارد.

۳۴۸۶. **گزینهٔ ۳** امین به‌جای درس خواندن، سعی می‌کند به آن فکر نکند و خود را با فعالیت دیگر سرگرم می‌کند؛ یعنی هیچ کاری برای برطرف کردن مشکل انجام نمی‌دهد. این موضوع از گزینهٔ «۳» دریافت می‌شود.

۳۴۸۷. **گزینهٔ ۲** روش مقابلهٔ این فرد ناسازگارانه است. اما منفعلانه نیست؛ چون در روش منفعلانه، فرد هیچ درگیری ذهنی یا رفتاری با موضوع استرس‌زا ندارد. درحالی‌که این فرد به برنده شدن در جوایز بانکی فکر می‌کند و ذهن خود را با موضوع درگیر کرده است.

۳۴۸۸. **گزینهٔ ۴** برای پاسخ گفتن به چنین سؤال‌هایی تنها کافی است که به نکات کلیدی توجه داشته باشی. نکتهٔ مهم در مثال دانش‌آموز، «اختصاص دادن ساعات بیشتر به درس خواندن» است، یعنی او راه‌حلی را پیدا کرده که از طریق آن بتواند نمرهٔ کم خود را جبران کند. در مورد مثال فوتبالیست، باید به رفتار او، یعنی بیرون آوردن لباس با خشم و پرتاب کردن آن روی زمین، توجه داشته باشی. این رفتار، یك رفتار تکانشی و بدون فکر و تأمل است.

۳۴۸۹. **گزینهٔ ۲** چیزی که در وهلهٔ اول نظر ما را در گزینه‌های این پرسش به خود جلب می‌کند، اشاره به روش‌های مقابلهٔ سازگارانه یا ناسازگارانه در انتهای آن‌ها است. پس با یک نگاه کلی که به گزینه‌ها می‌اندازیم، متوجه می‌شویم این دانش‌آموز باید روش مقابله را به کار بگیرد تا استرس ناشی از شرکت در کنکور را کاهش دهد؛ بنابراین گزینه‌ای در مورد او درست است که به روش مقابله‌ای کارآمد اشاره داشته باشد. خوردن داروی شیمیایی، مانند آرام‌بخش‌ها، مقابلهٔ ناسازگارانه است؛ پس گزینهٔ «۱» روش مناسبی نیست. شناسایی و به‌کارگیری روش‌های کنترل استرس (روش حل مسئله)، یک مقابلهٔ سازگارانه و کارآمد است. پس گزینهٔ «۲» روش مناسبی است. گزینهٔ «۳» نادرست است؛ چون روش سازگارانه را به‌عنوان مقابلهٔ ناسازگارانه معرفی کرده است. گزینهٔ «۴» نیز نادرست است؛ چون در انتهای آن به مقابلهٔ سازگارانه اشاره شده، درحالی‌که منبع استرس در مقابلهٔ سازگارانه، به‌عنوان متغیر مزاحم در نظر گرفته نمی‌شود.

۳۴۹۰. **گزینهٔ ۱** در میان گذاشتن غم و اندوه با افراد دیگر به معنیِ جست‌وجوی حمایت اجتماعی برای تحمل فشار روانی است که یکی از روش‌های سازگارانهٔ بلندمدتِ مقابله با فشار روانی است.

۳۴۹۱. **گزینهٔ ۴** شمردن اعداد از یک تا ده، گفتن جملهٔ خوشایند و تمرکز کردن بر دم و بازدم‌های عمیق (یعنی تنفس‌های عمیق)، از جمله روش‌های کوتاه‌مدت هستند، اما به تحریر درآوردن رویدادهای تجربه‌شده، یعنی نوشتن خاطرات، روش بلندمدتِ مقابله با استرس است.

۳۴۹۲. **گزینهٔ ۱** گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» جزء روش‌های مقابلهٔ کوتاه‌مدت هستند.

۳۴۹۳. **گزینهٔ ۳** یکی از راه‌های تأثیر مذهب بر سلامتی، غیرمستقیم است؛ یعنی اعتقادات مذهبی باعث می‌شود افراد سبک زندگی سالم‌تری را در پیش بگیرند و سبک زندگی سالم‌تر نیز به‌عنوان یک واسطه عمل می‌کند و به بازیابی و حفظ سلامت افراد منجر می‌شود. پس هر گزینه‌ای که در آن به تأثیر سبک زندگی (یعنی مواردی مثل انجام ورزش منظم، رعایت تغذیهٔ سالم، عدم مصرف سیگار و الکل و پرهیز از رفتارهای پُرخطر جنسی) بر سلامتی افراد اشاره شده باشد، بیانگر تأثیر مذهب بر سلامتی از راه غیرمستقیم است.

۳۴۹۴. **گزینهٔ ۴** در گزینهٔ «۴» به تأثیر غیرمستقیم مذهب بر سلامتی اشاره شده است.